

« به نام خالق آرامش »

نام کتاب: نیرو رقصه (بفردوم)

نام نویسنده: ویج والتر دلیر

نام مترجم: مهناز دقیق نیا

تعداد صفحات: ۱۶۵ صفحه

تاریخ انتشار: _____



کافئین بوکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حس تعلق

در جهانی که برای همیشه پایدار است. باید تعلق داشته باشید. سوي فعال بی‌نهایت نه تنها حس قدرتمندی از تعلق را ایجاد می‌کند بلکه حس قدرتمندی از پیوستگی با هر کس و چیزی در کیهان را نیز القاء می‌کند. امکان ندارد که تعلق نداشته باشید چون حضور شما اینجا مدرکی است از مبداء جهانی الهی که بودن شما را در اینجا قصد کرده است ناشی شده اید. با این حال وقتی در سوي غیر فعال بی‌نهایت زندگی کنید احساس بیگانگی از طرف دیگران خواهید کرد. ایده موقتی بودن و اینکه شما تکه‌ای بی‌نهایت خدا نباشید شما را به تردید، هیجان، افسردگی و نفي خود و بسیاری دیگر از انرژی‌های پایین که در مورد آنها نوشتیم وا می‌دارد. کاری که باید کرد تغییر آگاهی به سوي بی‌نهایت برای رهایی از حس بدبختی است. همان‌طور که شیوا ناندا به طرفدار نش آموخت:

کل زندگی یکیست، جهان یک خانه است
همه اعضاء یک خانواده بشری هستند
خلقت یک کل ارگانیک است. هیچ انسانی
از این کل جدا نیست.

انسان با جدا ساختن خود از این کل خود را بدبخت می‌کند.

جدایی مرگ است

وحدت زندگی ابدی

مطلب فوق بیانگر ایده من از سوي فعال و غیر فعال بی‌نهایت است. توصیه می‌کنم که هر روز هر چند بار که توانستید به خود یادآوری کنید که طبیعت شما ابدی است. ممکن است به نظر تغییر فکری کوچکی با نتایج جزئی بیاید اما به شما اطمینان می‌دهم که ماندن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در سوي فعال بي‌نهایت و يادآوري اين حقيقت به خود، شما را به وضعيتي مي‌برد که خواسته‌هايتان برآورده مي‌شود. از تمام نقل قول‌هايي که در اين رابطه خوانده ام، گفته ويليام بليك بسيار جالب است: «اگر درهاي ادراک پاک می‌شود، همه چیز به همان شکلی که هست نمایان می‌شود: بي‌نهایت.» به خاطر داشته باشید ما می‌خواهیم پیوند بین خود و دامنه قصد را پاکسازی کنیم.

پنج پیشنهاد برای بکارگيري نظريات اين فصل

۱- از آنجا که می‌دانید قراري با بي‌نهایت دارید و اینکه بالاخره ناچار به ترک اين جهان فاني هستيد، تصميم بگيريد که هر چه زودتر اين قرار را به جاي بياوريد: امروز و اکنون زمان بسيار خوبي براي اين قرار ملاقات است و اين کار را يك بار براي همیشه انجام دهيد. کافيست به خود بگويند: ديگر با اين جسم و ذهن هويت نمی‌گيرم و اين برچسب را از همین حالا رد می‌کنم. من بي‌نهایت هستم. با همه بشریت یکی هستم. با مبداء یکی هستم و از اين به بعد به اين شکل خود را نظاره خواهم کرد.

۲- اين مانترا را هر روز با خود تکرار کنید که خداوند نه می‌خواست و نه می‌توانست که چيزي فاني بيافريند: من تا ابد خواهم بود. مانند عشق که ابدیست طبيعت واقعي من هم ابدیست. ديگر هرگز نخواهم ترسيد چون ابدی هستم. اين نوع تأييد دروني شما را در سوي فعال بي‌نهایت وحدت داده و ترديدها را درباره هويت برتر شما از بين می‌برد.

۳- در لحظه مراقبه، دو نوع انتخاب از مفهوم بي‌نهایت را بررسی کنید. همانطور که قبلاً گفتم شما می‌توانيد انتخاب کنید آیا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انسانی با تجربه معنوی یا یک موجود معنوی
بی‌نهایت با تجربه موقت انسانی هستید.

کدام یک حسی از عشق القاء می‌کند؟ و کدام
ایجاد ترس می‌کند؟

و از آنجا که عشق طبیعت حقیقی ما و
مبداء است، هر چیزی که باعث ترس شود
نی‌تواند حقیقت داشته باشد. همانطور که
می‌بینید عشق به عنوان موجودی ابدی با
شماست. پس باید به این حس تکیه کنید تا
حقیقت را بازگو کند. جایگاه شما در سوی
فعال بی‌نهایت شما را از حس امنیت عشق و
اتصال دائم به قصد مطمئن می‌سازد.

۴- در هر لحظه‌ای که خود را در حال فکر
کردن به افکاری با انرژی پایین یافتید از
قبیل ترس، ناامیدی، نگرانی، غم، هیجان،
گناه و غیره، یک لحظه متوقف شده و فکر کنید
آیا از دیدگاه سوی فعال بی‌نهایت اهمیتی دارد.
دانستن اینکه برای ابد اینجا هستید و همیشه
متصل به مبداء، به شما دید کاملاً جدیدی
خواهد داد. از نقطه‌نظر بی‌نهایت، زیستن هر
لحظه از زندگی در هر چیزی غیر از سپاس و عشق
هدر دادن انرژی حیاتی است. می‌توانید به
سرعت انرژی‌های پایین را دفع کرده و همزمان
با پاک کردن عدسی‌های ادراکی و دیدن هر
چیزی همانطور که هست یعنی بی‌نهایت همانطور که
ویلیام بلیک می‌گوید به نیروی قصد وصل شوید.
لحظه‌ای صرف فکر کردن به کسانی که نزدیک
شما بودند و در گذشته اند بکنید با آگاهی از
طبیعت بی‌نهایت و ماندن در سوی فعال بی‌نهایت
می‌توانید حضور آن ارواح را حس کنید،
نی‌توانیم بپاییم و نمرده ایم. در کتاب جان
ادوهوس تحت عنوان ازخرد سلتها تحت عنوان
Anam cara این عبارت آمده که نه تنها با آنها



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هم عقیده هستم بلکه می‌دانم که واقعیت دارند.

عقیده دارم که دوستان ما در میان مردگان به فکر ما هستند و به ما نگاه می‌کنند... باید پیوندي در روشي بسيار خلاق با دوستانمان در جهان ناديدنی ايجاد کنیم. نباید برای مرده غصه بخوریم. چرا باید اندوهی برای آنها حس کنیم؟ اکنون در جایگاهی هستند جایی که دیگر سایه‌ای، تاریکی‌ای، تنهایی، جدایی و یا دردی وجود ندارد. آنها در خانه هستند. پیش خدا، جایی که از آن آمده بودند. نه تنها می‌توانید با آن‌هایی که مرده‌اند ارتباط برقرار کرده و حضور آن‌ها را حس کنید بلکه خود قادرید هم اکنون در حالی که زنده‌اید خود را به مرگ سپرده و از سایه‌ها و تاریکی با زندگی در سوي فعال بی‌نهایت رها شوید. این مطلب بخش اول نیروی قصد را به پایان می‌رساند. بخش دوم درباره روش‌های پیوند با قصد از طرق مختلف در زندگیست. مانند بخش اول، با ذهنی باز نه تنها برای احتمال کسب خواسته‌هایتان بلکه شناخت به اینکه در سوي فعال بی‌نهایت همه چیز امکان‌پذیر است مطالب را بخوانید. حالا بگویید چه چیزی حذف می‌شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بخش دوم

بکارگیری قصد

ما هستیم و تصور می‌کنیم که نیستیم
آنچه که باید بهبود دهیم وحدت است.
آنچه که باید بشویم چیز است که هستیم.
توماس مرتون



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل هفتم

قصد من این است: همیشه به خود احترام بگذارم .
«انسان بدون تأیید خود نمی‌تواند راحت باشد.»
«انسانی که خود را قبول ندارد نمی‌تواند راحت باشد.»
مارک تواین

این فصل را با حقیقت ساده‌ای آغاز می‌کنیم: آن طور که باور کرده‌اید از ذره مادی‌ای ناشی نشدیداید. نطفه شما در لحظه پر سعادت آمیزش والدینتان آغاز نشده است. شما آغازی ندارید. آن ذره مانند تمام ذرات دیگر از دامنه قصد انرژی جهانی ظاهر شده است. شما تکه‌ای از ذهن کیهانی خلقت هستید و باید خدای درون را ببینید و خود را به عنوان خلقتی الهی در جهت کسب نیروی قصد در زندگی نظاره کنید.

به این ایده توجه خاص مبذول کنید، اکنون، در همین لحظه که در حال خواندن این کلمات هستید. بر نکوهیدگی آنچه می‌خوانید تعمق کنید. شما تکه‌ای از خدا هستید. شما خلقتی زنده، در حال تنفس هستید که از ذهن کیهانی مبداء پدید آمده‌اید. شما با خدا یکی هستید. وقتی به خود اعتماد کرده و عشق بورزید، خرد خلق‌کننده خود را دوست داشته و به آن اعتماد می‌کنید و وقتی به خود اعتماد نکرده و عشق نمی‌ورزید، در حال انکار خرد بی‌نهایت از نقطه نظر نفس خود هستید. مهم است که به خاطر داشته باشید در هر لحظه از زندگی‌تان، شما می‌توانید میزبانی برای خدایا گروگانی برای نفس‌تان باشید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

میزبان یا گروگان

نفس شما دسته‌ای از ایده‌هایی است که پیشتر در این کتاب نوشتم که شما را با کارهایتان و انباشتن در حس مادی تعریف می‌کند. نفس شما فقط مسؤل حس تردید به خود و انکار خود است. وقتی تلاش به زندگی با استانداردهای سطح پایین نفس خود کنید گروگان آن نفس هستید. ارزش شما به عنوان یک شخص با اکتسابات و کارهایتان سنجیده می‌شود. هر چه کمتر داشته باشید کم ارزشتر هستید در نتیجه نالایق برای احترام دیگران، اگر دیگران به شما احترام نگذارند و ارزش شما وابسته به دید دیگران از شما باشد پس احترام به خود برای شما غیر قابل تصور خواهد بود. شما گروگانی برای انرژی نفس سطح پایین هستید که باعث شده همیشه برای احترام به خود از طریق دیگران مجادله کنید.

باور نفس شما در اینکه از همه جدا، از آنچه در زندگی ندارید جدا و بالاخره از خدا جدا هستید، توانایی شما را برای قصد به احترام خود مختل می‌کند. ایده جدایی نفس احساس رقابت با دیگران و ارزیابی خود براساس بردو باخت را در شما می‌انگیزانند. به عنوان گروگانی برای نفس، احترام غیر قابل دستیابی است چون شما احساس می‌کنید که برای تصویرهایتان مورد قضاوت قرار گرفته‌اید. از این تصویر ناخوشایند ناشی از نفس منفی است که خود انکاری پدید می‌آید. شما را گرفته و گروگانی می‌سازد و هرگز اجازه نمی‌دهد میزبان چیزی شوید که از آن ناشی شده‌اید.

میزبانی برای خدا بودن دیدن دائم پیوندتان با قصد است. عدم امکان انفصال



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از مبداء که از آن ناشی شده‌اید. من شخصاً از اینکه مدام میزبان خدا هستم لذت می‌برم. همین‌طور که هر صبح می‌نویسم. حس می‌کنم که کلمات و ایده‌هایی از نیروی قصد دریافت می‌کنم که باعث می‌شود این عبارات را بنویسم. من در ارائه این کلمات به مبداء اعتماد دارم، پس به مبداء که مرا به جهان فیزیکی آورد اعتماد دارم. من به طور ابدی به آن پیوند دارم.

این آگاهی شامل نقصی در احترام برای قصد به شکل در آوردن این کتاب نمی‌شود. نتیجه‌ای که به آن می‌رسم این است. من از سوی قصدم انقدر ارزش دارم که این کتاب را بنویسم و چاپ کنم و امروز در دست‌های شما باشد. به عبارت دیگر، من تکه‌ای از خداوند را که خودم هست حرمت می‌گذارم. من به نیروی قصد وارد می‌شوم و حس احترام من به آن احترام مرا به خود افزایش می‌دهد.

پس با احترام کردن و عشق ورزیدن به خود شما میزبان خدا شده و انرژی خلاق را به آگاهی خود، به زندگی روزانه خود در اتصال با قصد دعوت می‌کنید.

انرژی قصد و احترام به خود

اگر باور ندارید که ارزش برآورده ساختن مقاصد خود برای سلامتی، ثروت، رابطه پر از عشق را دارید بس مانعی در جریان انرژی خلاق در زندگی روزمره خود ایجاد می‌کنید. به یاد بیاورید که همه چیز در جهان انرژیست که در فرکانس‌های مختلف حرکت می‌کند. هر چه فرکانس بالاتر باشد، به انرژی معنوی نزدیک‌تر هستید. در فرکانس‌های پایین‌تر، شما دچار تنگنا و مشکلات می‌شوید. خود قصد یک دامنه انرژی واحد است که هر چیزی را به هستی قصد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌کند. دامنه ی قصد، خانه‌ای برای قوانین طبیعت است و قلمرو درونی هر انسانی است. دامنه همه امکانات است که با هستی خود صاحب آن هستید. داشتن نظام عقیدتی‌ای که پیوند شما را با نیروی قصد انکار کند تنها راهی است که نمی‌توانید به آن دست بیابید. اگر متقاعد شده‌اید که ارزش لذت بردن از دامنه امکانات را ندارید، آن زمان انرژی پایین انعکاس می‌دهید. در واقع، تبدیل به انرژی می‌شوید که جذب می‌کنید و پیامی به جهان می‌فرستید دال بر اینکه ارزش دریافت وفور نامحدود روح را ندارید و به زودی شروع به عمل بر مبنای این اعتقاد درونی بی‌حرمتی به خود خواهید کرد. خود را به صورت جداگانه از امکان دریافت حمایت عاشقانه دامنه قصد بررسی کرده و جریان انرژی را به زندگی خود متوقف خواهید کرد. چرا؟ فقط به خاطر اینکه خود را بی‌ارزش می‌دانید. همین بی‌حرمتی به خود به تنهایی کافیهست که راه ورود مقاصدتان به زندگی شما را سد کند.

قانون جاذبه زمانی بی‌حرمتی را جذب می‌کند که تأیید کنید لایق احترام نیستید و پیام‌هایی از بی‌ارزش بودن‌تان به مبداء ارسال کنید. مثل این است که به مبداء جهانی بگویید، جریان هر آنچه را آرزو می‌کنم متوقف کن چرا که معتقدم ارزش دریافت آن‌ها را ندارم. مبداء جهانی با سد کردن جریان به شما پاسخ خواهد داد و این امر باعث می‌شود اعتقاد درونی خود از بی‌ارزش بودن را دوباره تأیید کنید و بی‌حرمتی بیشتری از طرق مختلف دریافت کنید. شما به بدن خود با پرخوری و مسموم کردن آن با مواد سمی بی‌حرمتی می‌کنید. شما نقصان حرمت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گذاري به خود را با خود حمل مي‌کنيد، با لباس پوشيدنتان، با اهمال در تمرين، در رفتار با ديگران و غيره و غيره.

پادزهر اين تصوير دل‌تنگ کننده يك قرار ابدي براي احترام به خود و حس با ارزش بودن است بيشتر از هر آنچه جهان به شما ارائه مي‌کند. اگر کسی شايسته موفقيت و خوشبختي است پس همه همينطور هستند.

چرا که همه هميشه با نيروي قصد پيوند دارند. فقط بپذيريد که بي حرمتي به خود نه تنها بي‌حرمتي به یکی از بزرگ ترين خلقت‌هاي خداوند بلکه بي‌حرمتي به خود خداوند هم هست. وقتي به مبدا خود بي‌حرمتي کنيد، به آن نه گفته و از نيروي قصد دور مي‌شويد. اين کار جريان انرژيي که شما را مجاز به انجام قصد نرماش ناپذير فرديتان مي‌کند، متوقف مي‌سازد. همه افکار مثبت جهان اگر احترام شما به پيوند با قصد را نشان ندهد بي فايده خواهد بود. منبع افکار شما بايد مورد عشق شما قرار بگيرد يعني احترام به خود که در هماهنگي با منبع هوشمند همه جا حاضر است. منشاء افکار شما چيست؟ بودن‌تان. بودن شما جاگاهي است که افکار و اعمال‌تان از آن جا ناشي مي‌شود. وقتي به وجود خود بي‌حرمتي کنيد، رشته‌اي از بازتاب‌هاي منجر به مقاصد نيمه تمام را به حرکت در مي‌آوريد.

احترام به خود بايد وضعيتي طبيعي براي شما باشد همان‌طور که براي همه قلمرو حيوانات نيز هست. هيچ راکوني نيست که معتقد باشد ارزش آنچه قصد مي‌کند ندارد. اگر اين‌طور بود راکون به سادگي براساس اعتقاد دروني‌اش بر ارزش بودنش براي دريافت غذا و سرپناه و هر چه که يك راکون نياز دارد مي‌مرد. او



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

میداند که قابل احترام است، هرگز دلیلی برای نفی خود نمی‌بیند. راکون بودنش را در نظم کامل زندگی می‌کند. جهان ارائه می‌کند و او آن‌ها را به جهان خود جذب می‌کند.

آنچه درباره خود فکر می‌کنید چیزیست که درباره جهان می‌اندیشید.

جهانی را که در آن زندگی می‌کنید چگونه می‌بینید؟ فکر می‌کنید مردم شبیه چه هستند؟ باور می‌کنید که شر بر خیر غالب است؟ آیا جهان پر از مردم خود محور و خودخواه است؟ آیا مرد پایین دست می‌تواند مرد برتر بشود؟ آیا تمام ماهیتهای حکومت و نمایندگانشان فاسد و غیر قابل اعتماد هستند؟ آیا زندگی منصفانه نیست؟ آیا اگر ارتباطی نداشته باشید پیشرفتتان غیر ممکن است؟

همه این حالتها از قصد شخصی خود شما با زندگی ناشی می‌شود. اگر افکارتان دید بدبینانه‌ای از جهان را انعکاس می‌دهد، این شیوه ایست که درباره زندگی خود فکر می‌کنید. هر حالتی که به طور کل درباره جهان داشته باشید نمایشگر خوبی از احترام شما به توانایی‌هایتان در جهت قصد آرزوهایتان است. بدبینی به شدت نشان می‌دهد که شما ایده دستیابی به نیروی قصد در جهت کمک به خلق واقعیت پر سعادت خود را ندارید.

مکالمه زیر را پس از حادثه یازده سپتامبر نیویورک به خاطر می‌آورم. پدر بزرگی با نوه اش حرف می‌زد و می‌گفت: «دو گرگ در درون من زوزه می‌کشند. گرگ اول لبریز از خشم، نفرت، سختی و انتقام است. گرگ دوم لبریز از عشق، مهربانی، شفقت و بخشش است. پسر بچه

پرسید:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

«فکر می‌کنید کدام یک از گرگ ها برنده شود؟
پدربزرگ پاسخ داد: «هر کدام را که تغذیه کنم.»
همیشه دو راه برای نگاه کردن به شرایط جهان وجود دارد.
می‌توانیم نفرت، تعصب، سوء رفتار، گرسنگی، فقر و جنایت را ببینیم و نتیجه بگیریم که دنیای وحشتناکی است. می‌توانیم گرگی را که زوزه می‌کشد تغذیه کنیم تا مقدار بیشتری از این خواری را ببینیم. اما این راه تنها ما را با چیزهای همسانی که به نظرمان بدخواهانه است لیریز می‌کند.
می‌توانیم به جهان از وضعیتی از مهر و احترام به خود نگاه کنیم تا توسعه‌ای که در روابط نژادها در طول زندگیمان صورت گرفته ببینیم، سقوط استبداد، آمار کمتری از جنایت، تهی شدن نظام‌های آپارتاید، آگاهی بالا رفته جنبش‌های مربوط به محیط زیست و آرزوی نجات دنیا از سلاح‌های اتمی و ابزار تخریب دست جمعی.
می‌توانیم به خود یادآوری کنیم که در مقابل عمل شرورانه‌ای در جهان، میلیون‌ها عمل محبت‌آمیز وجود دارد و آن زمان می‌توانیم گرگ دوم را که از موفقیت برای بشریت زوزه می‌کشد تغذیه کنیم. اگر خود را به شکل یک خلقت الهی ببینید، در دید جهانی خود آن را جستجو خواهید کرد و گویندگان تیره «نه» اثری در شما و احترام به خود شما نخواهند داشت.
وقتی تصویر دل‌تنگ‌کننده‌ای از جهان دارید، در مقابل نیروی همکاری که برای کمک به مقاصد شخصی شما وجود دارد عایق می‌شوید. چرا باید دیگران بخواهند به شما کمک کنند وقتی که شما آن‌ها را خوار می‌شمارید؟ چرا باید نیروی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کیهانی به چیزی جذب شود که آن را پس می‌زند؟ چطور جهانی به این فاسدی می‌تواند به کسی که مقاصد اصیل دارد کمک کند؟ پاسخ این سؤالها آشکار است. آنچه را که در درون حس می‌کنید به زندگی خود جذب می‌کنید. اگر حس می‌کنید که ارزش احترام ندارید، بی‌حرمتی را جذب می‌کنید. این احترام ضعیف به خود نتیجه پیوندی زنگ زده و ضعیف با دامنه قصد است. این پیوند باید پاکسازی و تمیز شود و این کار در ذهن خود شما صورت می‌گیرد.

من مخصوصاً احترام به خود را به عنوان اولین فصل بخش دو در بکارگیری قصد انتخاب کردم چون بدون احترام به خود شما کل روند قصد را مسدود می‌کنید. بدون تقویت احترام به خود روند قصد در پایین ترین سطوح عمل می‌کند. دامنه جهانی قصد عشق، مهربانی و زیبایی است که برای هر آنچه به جهان مادی آورده دلیلی دارد. کسانی که مایل به الگوبرداری از کار ذهن کیهانی هستند باید با خصوصیات عشق، مهربانی و زیبایی هماهنگ باشند. اگر به هر چیز و هر کسی که خداوند خلق کرده بی‌حرمتی کنید به نیروی خلاق بی‌حرمتی کرده‌اید. شما یکی از آن مخلوقات هستید. اگر خود را بی‌حرمت ببینید پیوند نیروی قصد را ترک یا حداقل تضعیف کرده‌اید.

مهم است بدانید که چشم انداز شما از جهان بر پایه میزان احترامی است که برای خود قائل هستید. به امکانات بی‌نهایت معتقد باشید. برای بشریت قاطعانه تلاش کنید و برای همه پذیرنده باشید و آن زمان در آرامش بوده و پذیرنده امکانات زندگی خواهید برد. بدانید که جهان مملو از فراوانی و خرمی است که در دسترس همه است و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شما نیز می‌توانید وفور را وارد زندگی خود کنید. سطح احترام به خود باید از شناختی درون شما دال بر اینکه پیوند مقدسی دارید ناشی شود. نگذارید هیچ چیز این بنیان الهی را بلرزاند. به این طریق پیوند شما با قصد پاکسازی می‌شود و همیشه می‌دانید که احترام به خود انتخاب شخصی شماست که هیچ ربطی به نظر دیگران درباره شما ندارد. احترام شخصی شما فقط از خویش شما بر می‌آید.

خویش در احترام به خود

شاید بزرگترین اشتباه ما که باعث از دست دادن احترام به خود می‌شود مهم‌تر دانستن نظر دیگران باشد. احترام به خود درست همان معنی را دارد که از کلمه پیداست. از خویش ناشی می‌شود. این خویش از دامنه جهانی قصد که شما را به اینجا آورده سرچشمه می‌گیرد، از وضعیت بی‌شکل لایتناهی تا به وجودی از مولکول‌ها و ماده فیزیکی. اگر نتوانید به خود احترام بگذارید، به روند خلقت اهانت کرده‌اید. هیچ مضیقه‌ای در نظریاتی که به طرف شما جهت یافته پیدا نمی‌کنید. اگر بگذارید که آن‌ها احترام به خود را در شما تحلیل ببرند در جستجوی احترام دیگران هستید و خود را محروم می‌کنید. آن زمان تلاش به پیوند با قصد در انرژی پایین قضاوت، خصومت و هیجان می‌کنید. شما وارد ارتعاشات انرژی پایین می‌شوید که باعث می‌شود انرژی‌ها پایین بیشتری را جذب کنید. به خاطر داشته باشید که انرژی بالاست که انرژی‌های پایین را خنثی و تبدیل می‌کند. نور تاریکی را و عشق نفرت را از بین می‌برد. اگر اجازه بدهید که هر کدام از افکار منفی پایین‌تر جهت شما را تعیین کند و اساس شخصیت شما شود از ذهن کیهانی خواسته‌اید که همین کار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

را انجام دهد. چرا؟ چون در فرکانس‌های بالا مبداء جهانی قصد خلاقیت، عشق، مهربانی، زیبایی و وفور است. احترام به خود انرژی بالا را و نقصان آن انرژی پایین را جذب میکند. راه دیگری نمی‌شناسد.

نقطه نظر منفی دیگران نسبت به شما نشانگر انرژی پایین آن‌هاست که به شما اعمال می‌کنند. خیلی ساده، اگر کسی را قضاوت می‌کنید در آن لحظه دوستاش ندارید. قضاوت‌هایی که در مورد شما می‌شود و غیر دوستانه است ربطی به احترام شما به خود ندارد. قضاوت آن‌ها (مال شما هم همینطور) شما را از مبداء و بنا بر این از نیروی قصد دور می‌کند. همان‌طور که دوست و همکارم جرال د جامپوسکی گفت: «وقتی قادر به دفع وسوسه قضاوت درباره دیگران باشم، می‌توانم آن‌ها را چون معلمینی از بخشش در زندگیم ببینم، که به من یادآوری می‌کنند فقط زمانی می‌توانم آرامش داشته باشم که بیشتر از قضاوت قادر به بخشش باشم.»

این روشی است که با احترام به خود به شما بر می‌گردد. به جای قضاوت درباره کسانی که شما را قضاوت می‌کنند و پایین آوردن احترام به خود، برکت خاموشی از بخشش برای آن‌ها بفرستید و تصور کنید که همین کار را برای شما می‌کنند. با این کار با قصد پیوند ایجاد کرده و تضمین می‌کنید که همیشه به الوهیتی که شما هستید احترام قائلید. شما مسیر را برای قادر ساختن خود به لذت بردن از نیروی بزرگی در دامنه قصد که به شما تعلق دارد پاکسازی می‌کنید.

قصد را واقعیت خود کنید

در این بخش نهایی، ده تمرین برای تقویت قصد جهت احترام به خود در همه زمان‌ها می‌بینید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام اول: به آینه نگاه کنید، به چشم‌های خود خیره شوید و تا هر چند بار که بتوانید در طول روز بگویند «من خودم را دوست دارم» من خودم را دوست دارم: این سه کلمه جادویی کمک می‌کند احترام به خود را حفظ کنید. آگاه باشید که گفتن این کلمات در ابتدا می‌تواند به خاطر شرایطی که همیشه در معرض آن بودید دشوار باشد به خاطر اینکه کلمات باقیمانده عدم احترام را که نفس شما مایل به حفظ آن است به سطح می‌آورد.

انگیزه آنی شما باید این را به عنوان بیانی از خواست نفس شما در جهت برتری به دیگران ببیند. اما این در کل بیانی از نفس نیست، تأیید احترام به خود است. با این اندیشه نفس را دور کرده و عشق خود را برای خود و پیوند با روح خدا تأیید می‌کنید. این مسأله شما را نسبت به هیچ کس برتر نمی‌کند. با همه برابر می‌کند و می‌پذیرد که شما تکه‌ای از خدا هستید. آن را برای احترام به خود تأیید کنید. تأیید کنید تا به آنچه که هستی داده احترام گذاشته باشید. تأیید کنید چون راهی است که با مبداء متصل می‌مانید و نیروی قصد را دوباره بدست می‌آورید. خودم را دوست دارم. بدون دستپاچگی این را بگویید. با غرور بگویند و آن تصویر عشق و احترام به خود باشید.

گام دوم: تأیید زیر را بنویسید و مرتب برای خود تکرار کنید: من کامل و کل هستم همان طور که خلق شدم! هر جا که می‌روید این فکر همراه شما باشد. این نوشته را روی کارت برده و پرس کنید و در جیب‌تان بگذارید، در داشبورد ماشین، روی یخچال یا کنار تختخواب بگذارید که منبع انرژی بالا و احترام به خود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

باشند. حمل این کلمات باعث می‌شود که انرژی آن‌ها مستقیم به طرف شما جاری شود. احترام به خود از این حقیقت ناشی می‌شود که شباهت مبداء که از آن ناشی شده‌اید احترام می‌گذارید و تصمیم به پیوند دوباره با آن گرفته‌اید بی‌توجه به این که چه کسی چه فکری بکند. مهم است که اوایل مرتب به خود یادآوری کنید که شما لایق احترام ابدی هستید و می‌توانید روی آن حساب کنید، تکه‌ای از انرژی خداوندی که شما را تعریف می‌کند. این یادآوری درباره احترام به خود و در نتیجه در توانایی شما برای استفاده از نیروی قصد در زندگی تأثیر بسزایی دارد. مرتب به خود یادآوری کنید.

من جسم نیستم. من انباشته‌هایم نیستم. من کارهایم نیستم. من احترام و آبرویم نیستم. من کل و کامل هستم همانطور که خلق شدم.

گام سوم:

احترام بیشتری به دیگران و کل زندگی قائل شوید

شاید بزرگترین راز احترام به خود دادن بهای بیشتر به دیگران است. آسان‌ترین راه برای این کار دیدن خداوند در آن‌هاست. به دنبال قضاوت‌های دیگران از شکل ظاهری، شکست‌ها، موفقیت‌ها وضعیت آن‌ها در جامعه، ثروت یا فقر آن‌ها نباشید و قدردانی و عشق خود را به مبداء که از آن ناشی شده‌اید وسعت دهید. هر کسی فرزندی از خداست. سعی کنید این مسئله راحتی درباره کسانی که به نظر بی‌اعتقاد به خدا هستند ببینید. بدانید که با گسترش عشق و احترام می‌توانید آن انرژی را در اطراف بچرخانید به طوری که به جای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دور شدن به مبداء خود برگردد. به طور خلاصه، احترام بفرستید چون چیزی است که باید دور کنید. قضاوت و انرژی پایین بفرستید و این چیزی است که دوباره جذب خواهید کرد. به خاطر داشته باشید، وقتی دیگری را قضاوت می‌کنید آن‌ها را تعریف نمی‌کنید بلکه خود را به عنوان کسی که نیاز به قضاوت دارد تعریف می‌کنید که همین درباره قضاوت‌هایی که به شما جهت داده شده نیز صدق می‌کند.

گام چهارم: خود و هر که را ملاقات می‌کنید تأیید کنید که، من تعلق دارم! حسی از تعلق یکی از بالاترین ویژگی‌ها در هرم "به واقعیت در آوردن خود" آبراهام ماسلو است (که در آغاز فصل بعد توضیح خواهم داد). احساس عدم تعلق و یا اینکه در جای درستی نیستید می‌تواند نتیجه نقص در احترام به خود باشد. به خود و الوهیت خود با دانستن اینکه هر کسی تعلق دارد احترام بگذارید. هرگز نباید زیر سؤال برود. حضور شما در جهان خود مدرکی به تعلق داشتن شما به آن است. هیچ شخصی نمی‌گوید که شما به اینجا تعلق دارید. هیچ دولتی نمی‌تواند بگوید که عده‌ای به جهان تعلق و عده‌ای ندارند. سیستم هوشمندی است که شما هم بخشی از آن هستید.

خرد خلقت قصد کرده که شما اینجا در این مکان، در این خانواده با این خواهر و برادر، این والدین حاضر باشید و این فضای با ارزش را اشغال کنید. به خود بگویید و هر جا لازم شد تأیید کنید: من تعلق دارم! و همین‌طور هر کس دیگر. هیچ‌کس تصادفاً اینجا نیامده است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام پنجم:

به خود یادآوری کنید که هرگز تنها نیستید

احترام به خود تا زمانی که بدانم ممکن نیست تنها باشم دست نخورده باقی می‌ماند. من يك شريك بزرگتر دارم که هرگز مرا ترك نمی‌کند حتی در لحظاتی که به نظر می‌رسد از مبداء دور افتاده‌ام. حس می‌کنم اگر ذهن کیهانی احترام کافی برای آمدن من به اینجا و کار از طریق من قائل شده و برای حمایت از من در زمانی که در وضعیت‌های خطرناک غیر معنوی بودم، پس این شراکت ناشی از احترام دوسویه من است. دوستم پت مک ماهون را به یاد می‌آورم که در برنامه KTAR رادیو در فونیکس، آریزونا گوینده بود. او درباره برخوردش با مادر ترزادر استودیو پیش از مصاحبه با او در برنامه‌اش تعریف کرد. از او خواسته بود تا اجازه دهد کاری برایش بکند «او التماس کرده بود» «هر چه که باشد.» فقط دوست دارم به طریقی به شما کمک بکنم. مادر ترزا به او نگاه کرده و گفته بود. «فردا صبح ساعت ۴ بیدار شود و به خیابان‌های فونیکس برود. کسی را پیدا کند که معتقد است تنهاست و او را قانع کند که تنها نیست.»

توصیه خوبی بود چون هر کسی که به خود شک کند یا به نظر برسد که احترام به خود را از دست داده به این دلیل است که فراموش کرده تنها نیست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام ششم

به جسمتان احترام بگذارید

به شما جسم کاملی داده شده تا برای چند صباحی منزلگاه وجود درونی و نادیدنی شما در ابدیت باشد. بدون توجه به اندازه، شکل، رنگ یا هر سستی قابل تصور، آن خلقت کاملی برای هدفی که به خاطرش به اینجا قصد شدید، می‌باشد. لازم نیست برای سلامتی تلاش کنید، چون چیزیست که شما دارید مشروط به اینکه خرابش نکنید. می‌توانید جسم سالم خود را با پرخوری، ورزش نکردن، مواد سمی و دارو، خستگی، خصومت، افسردگی، عصبیت، بدخلقی و لیست بی‌پایانی از بیماری‌ها درگیر کنید. می‌توانید برآورده شدن این قصد را برای زندگی با احترام به خود و احترام به معبدی که خانه شماست آغاز کنید. می‌دانید چه بکنید. نیازی به نسخه دیگر، یا معلم شخصی یا تمرین ندارید.» به جسم خود گوش دهید و با آن در شأن و عشقی که احترام به خود را طلب می‌کند رفتار کنید.

گام هفتم:

برای تماس آگاهانه با مبداء که همیشه به شما احترام می‌گذارد، مراقبه کنید

می‌توانم بگویم که جمله زیر کافیست: مراقبه راهی برای تجربه چیزیست که پنج حس قادر به یافتن آن نیستند. وقتی با دامنه قصد پیوند دارید به فردی که در شماست وصل می‌باشید. آن فرد الهی برای شما احترام زیادی قائل است و زمانی که اینجا هستید شما را گرامی می‌دارد. مراقبه راهی برای اطمینان از باقی ماندن شما در وضعیت احترام به خود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

است. بدون توجه به آنچه که در اطراف شما می‌گذرد، وقتی وارد فضای مقدس مراقبه می‌شوید تمام تردیدهایتان درباره ارزش وجودیتان از بین می‌رود. شما از شکوه مراقبه بیرون می‌آید در حالی که احساس پیوند با مبداء و لذت از احترام به همه موجودات بخصوص خود می‌کنید.

گام هشتم:

از دشمنان دلجویی کنید

عمل دلجویی علامتی از احترام بسوی دشمنان شما می‌فرستد. با انعکاس این انرژی بخشنده به بیرون، همین انرژی مثبت پر احترام به طرف شما باز خواهد گشت. با بخشندگی برای دلجویی و جایگزینی انرژی خشم، سختی و عصبیت با مهربانی حتی اگر باز اصرار داشته باشید که همین حالا عملتان درست است، بیشتر از پیش به خاطر عمل بخشش به خود احترام خواهید گذاشت. اگر نسبت به کسی خشمگین باشید، بخش بزرگی از شما آنجاست که حضور این انرژی تضعیف کننده رنجورترش می‌کند. لحظه‌ای وقت صرف کنید و روبروی کسی که در ذهن شما می‌خواهد به شما صدمه بزند یا شما صدمه زده‌اید بایستید و بگویید مایلید دلجویی کنید. خواهید دید چقدر حالتان بهتر می‌شود. حس خوب ایجاد دوستی احترام به خود است. جسارت و استحکام شخصیت و اعتقاد درونی بیشتری برای دلجویی نسبت به آویختن به احساسات انرژی پایین لازم است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام نهم:

همیشه خویش را در احترام به خود به یاد داشته باشید

برای این کار باید بدانید که نظر دیگران نسبت به شما واقعیت نیست فقط نظر است. وقتی برای جمعیتی پانصد نفره صحبت می‌کنم، در آخر جلسه پانصد نظر نسبت به من وجود دارد. من نمی‌توانم مسؤل نظر آن‌ها باشم. می‌توانم مسؤل شخصیت خودم باشم و این در مورد همه ما صادق است. اگر به خودم احترام بگذارم پس به خویش ام در احترام به خود اتکاء کرده‌ام. اگر به خود شك یا خودم را تنبیه کنم نه تنها احترام به خود را از دست داده‌ام بلکه تردیدهای بیشتری همراه با نظرات انرژی پایین که با آن‌ها خود را آزار می‌دهم به سوی خود جذب کرده‌ام. نمی‌توانند به ذهن کیهانی که شما را به اینجا قصد کرده بدون احترام به خود متصل بمانید.

گام دهم

در وضعیت حق‌شناسی باشید

می‌بینید که حق‌شناسی گام نهایی در هر فصل‌های بعد خواهد بود. به جای ناسپاسی در زندگی از هر چیز حق‌شناسی کنید. وقتی می‌گویید خدایا برای همه چیز متشکرم و وقتی برای زندگی و هر آنچه که می‌بینید و تجربه می‌کنید سپاس می‌گویید به خلقت احترام گذاشته‌اید. این احترام در درون شماست و فقط می‌توانید آنچه که در درون است به بیرون منعکس کنید. وضعیت سپاس درست مانند در وضعیت احترام به خود است که به راحتی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انعکاس می‌دهید که ده برابر شده به شما باز می‌گردد.

این فصل را با کلماتی از عیسا مسیح از انجیل متی (متی ۵:۴۸) به آخر می‌رسانم: «کامل باشید، چون پدر آسمانی شما کامل است.» به تکاملی که از آن ناشی شده‌اید بپیوندید. بیشتر از آن احترامی به خود وجود ندارد.

فصل هشتم

قصه دارم‌زندگی هدفمندی را دنبال کنم

«آن‌هایی که به طرف حقیقت نرفتند، هدف زندگی را از دست دادند. بودا»

«تنها کار شما در زندگی کسب خدا آگاهی است.

هر چیز دیگری بیهوده و بی‌فایده است.

شیواناتدا

حسی از عزم در بالای هرم خودشناسی آبراهام ماسلو از بیش از پنجاه سال پیش وجود دارد. دکتر ماسلو از طریق تحقیق کشف کرد کسانی که حس هدفمندی دارند در بالاترین کیفیت‌هایی که بشریت ارائه داده زندگی می‌کنند. در طی سال‌ها من در زمینه‌های مربوط به توسعه بشر، انگیزه‌ها و آگاهی معنوی کار کرده‌ام. این عنوانی است که بیشتر از هر چیز دیگری مردم درباره‌اش می‌پرسند. به طور مکرر سؤال‌هایی از این قبیل از من پرسیده شده است! چگونه هدف خود را بیابیم؟ آیا چنین چیزی واقعاً وجود دارد؟ چرا هدفم را در زندگی نمی‌دانم؟ هدفمندی چیزیست که بیشتر مردم واقع بین در سفر زندگی خود کسب می‌کنند. اما افراد بسیاری حس کمی از هدفمندی دارند و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حتی ممکن است درباره داشتن هدفی در زندگی مردد باشند.

هدف و قصد

موضوع این کتاب درباره قصد به عنوان نیرویی در جهان است و اینکه هر کس و هر چیز به این نیروی جهانی وصل می‌باشد. از آنجا که نظامی هوشمند است همه بخشی از آن هستیم و هر چه که اینجا می‌رسد از هوشمندیست یعنی اگر هدف بر بودن در اینجا نبود، اینجا نبودیم و این برای من کافیست. هستی شما نشان می‌دهد که شما هدفی دارید. همانطور که ذکر کردم، سؤال کلیدی برای بیشتر ما این است: هدف من چیست؟ و من این سؤال را به شکل‌های مختلف می‌شنوم: چه باید بکنم؟ باید آرشیو کنم یا دامپزشک؟ باید به مردم کمک کنم یا ماشین تعمیر کنم؟ آیا باید تشکیل خانواده بدهم یا در جنگل از شپانزه‌ها محافظت کنم؟ تعداد بی‌پایانی از حق انتخاب برای ما وجود دارد و ما نمی‌دانیم که آیا انتخاب درست کرده‌ایم یا نه؟

در این فصل، توصیه می‌کنم این سؤال‌ها را فراموش کنید. در عوض به مکانی از ایمان و اعتماد در ذهن کیهانی قصد حرکت کنید و به خاطر داشته باشید که شما از این ذهن تجلی یافته و همیشه تکه‌ای از آن هستید.

قصد و هدف به طور زیبا و طبیعی مانند حلزون دوتایی DNA شما با هم هستند. هیچ تصادفی وجود ندارد. شما برای هدفی که پیش از ورود به جهان ذرات و شکل برایتان منظور شده به اینجا آمده‌اید. بیشتر چیزهایی که به عنوان مشکلات از آن‌ها حرف می‌زنید نتیجه جدایی از قصد و در نتیجه بی‌خبری از هویت معنوی واقعی شماست. روند صیقل دادن آن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پیوند و اتصال دوباره برای قصد شما و زندگی هدفمند شما ضروریست. وقتی این پیوند را پاکسازی کنید دو کشف مهم خواهید کرد. اول اینکه کشف خواهید کرد که هدف شما زیاد هم درباره آنچه انجام می‌دهید نیست. کشف دوم این است که حس هدفمندی نیروی قصد شما را برای خلق هر آنچه با هفت چهره قصد سازگار باشد فعال می‌کند.

حس هدفمندی

در پاسخ به سؤال: با زندگی‌ام چه باید بکنم؟ پیشنهاد می‌کنم که تنها یک کار هست که باید انجام دهید. از آنجا که بدون هیچ چیزی به این زندگی آمیدید و بدون هیچ چیز آن را ترک خواهید کرد: باید این کار را کنار بگذارید. شما بیشتر حس هدفمندی می‌کنید وقتی زندگی خود را صرف خدمت به دیگران کنید. وقتی خدمتی برای سیاره‌تان و مبداء انجام می‌دهید هدفمند می‌شوید. هر چه که به عنوان کاری برای انجام انتخاب کنید، اگر انگیزه آن خدمت بدون چشم داشت باشد، بدون در نظر گرفتن اینکه چه فزای به شما بر خواهد گشت، باعث حس هدفمندی خواهد شد.

پس هدف شما زندگی هدفمند است. اما مبداء معنوی در این رابطه چه دوست دارد؟ به طور دائم در روند ارائه نیروی زندگی برای خلق چیزی از هیچ است. وقتی شما همین کار را انجام دهید بدون توجه به اینکه چه می‌دهید یا خلق می‌کنید با قصد هماهنگ هستید. آن زمان هدفمند هم هستید درست مانند ذهن کیهانی که همیشه براساس هدفی عمل می‌کند.

یک قدم بیشتر بردارید. آیا مبداء جهانی هستی باید درباره آنچه با نیرویش انجام می‌دهد فکر کند؟ علاقمند به آوردن غزال یا هزار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پاهاست؟ آیا برایش مهم است که کجا زندگی میکند یا نهایتاً چه خواهد آفرید؟ نه، مبداء شما به سادگی در حال بیان خود از طریق هفت چهره قصد است. جزئیات به طور خودکار مورد توجه قرار می‌گیرد. همین طور حس هدفمند بودن در زندگی از بیان هفت چهره قصد جاری می‌شود.

خود را به نقطه احساسی درونتان که به چیزهایی مانند انتخاب‌های شغلی یا کارهایی که باید انجام می‌دادید علاقه ای به انجام شان ندارید، برسانید. وقتی در خدمت دیگران هستید یا مهربانی را فراتر از محدوده‌های خودگسترش می‌دهید حس خواهید کرد که با مبداء پیوند دارید. از دانستن اینکه کار درستی انجام داده‌اید احساس شادی و خشنودی خواهید کرد.

من آن حس درونی تکامل و خشنودی را که باعث می‌شود بدانم هدفی دارم با خواندن ایمیل‌ها و گوش کردن به حرف‌هایی که اغلب در فرودگاه‌ها یا در رستوران‌ها می‌شنوم، بدست می‌آورم: وین دایر، زندگی‌ام را عوض کردی. وقتی احساس کردم همه چیز از دست رفته، تو آنجا بودی. این با دریافت یک وجه شاهانه که همیشه لذت می‌برم فرق دارد. بیان سپاس شخصی چیزی است که باعث می‌شود بدانم هدفمند هستم. خارج از شغل ام، هر روز به هزاران طریق احساس هدفمندی می‌کنم. وقتی به کسی که احتیاج دارد کمک می‌کنم، وقتی لحظه‌ای صرف شاد کردن کارمندی ناراضی در رستوران یا فروشگاه می‌کنم، وقتی باعث می‌شوم کودکی بخندد یا حتی وقتی تکه‌ای آشغال را برداشته در سطل زباله می‌اندازم، احساس می‌کنم چیزی از خود می‌دهم و از این رو حس هدفمندی می‌کنم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چیزی که ضرورتاً می‌گویم این است: با بیان هفت چهره قصد هدفمند بمانید و جزئیات شما را پیدا خواهند کرد. هرگز نباید بپرسید که هدفتان چیست یا چگونه آن را پیدا کنید.

هدفتان شما را پیدا خواهد کرد

در فصل قبلی من موانع پیوند با قصد را ارائه دادم و اشاره کردم که افکار ما یکی از موانع بزرگ است. تأکید کردم که در تمام روز چیزی می‌شویم که به آن فکر می‌کنیم. چه افکاری هستند که مانع حس هدفمندی شما در زندگی می‌شوند؟ برای مثال، اگر فکر کنید که از هدفتان جدا هستید و بدون هیچ جهتی در زندگی غوطه می‌خورید آن دقیقاً چیزیست که جذب خواهید کرد.

در عوض، تصور کنید که این جهانی هدفمند است جایی که افکار، احساسات و اعمال شما بخشی از اراده آزاد شما و متصل به نیروی قصد است. تصور کنید که افکار شما از هدفمندی و بی‌هدفی واقعاً بخشی از هدف شماست. درست مانند اندیشه از دست دادن کسی که دوست دارید که باعث می‌شود بیشتر دوست‌اش داشته باشید یا بیماری که باعث می‌شود ارزش سلامتی خود را در یابید.

وقتی به حد کافی برای دانستن هدف خود هوشیار باشید و اینکه چگونه به آن متصل شوید، شما به وسیله نیروی قصد انگیزه می‌شوید.

سؤال کردن درباره اینکه چرا اینجا هستید نمایانگر این است که افکار شما به شما گوشزد می‌کند که دوباره به نیروی قصد متصل شوید. منبع افکار شما درباره هدفتان چیست؟ چرا می‌خواهید حس هدفمندی بکنید؟ چرا حس از هدفمندی به عنوان بالاترین ویژگی از یک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انسان کاملاً فعال است؟ منبع افکار مخزن
بی‌نهایتی از انرژی و هوشمندیست. به نوعی،
افکاری واقعاً اهداف شما هستند که تلاش به
پیوند دوباره با شما دارند. این مخزن بی‌نهایت
انرژی عشق، مهربانی، خلاقیت و فور از هوشمندی
رشد می‌کند و شما را در بیانی از ذهن
کیهانی به شیوه منحصر به فرد خود بر
می‌انگیزاند. نقل قول مذکور در اول این
فصل را دوباره بخوانید. بودابه حقیقت عطف
می‌کند و شیواناندا می‌گوید که خداشناسی هدف
واقعی ماست. کل این کتاب مختص به پیوند با
قصد و خلاصی از نفس است که تلاش می‌کند ما را
قانع کند که از منبع الهی خدا جدا هستیم و
تلاش به جداسازی ما از شناخت حقیقت نهایی
دارد. این حقیقت نهایی منبع افکار شماست.
وجود درونی، علت اینجا بودن شما را
می‌داند اما نفس شما می‌خواهد که از پی‌پول،
مقام، محبوبیت و لذات حسی رفته و هدف زندگی
را گم کنید. می‌توانید احساس رضایت بکنید و
احترامی برای خود کسب کنید اما در آن حس
رنج چنانچه در ترانه قدیمی *old polly lee*،
الگوسازی شده است. آیا این همه چیز است که
آنجاست؟ تمرکز بر خواسته‌های نفس باعث می‌شود
حس تکامل نکنید. در درون شما در سطح
وجودی‌تان چیز است که قصد داشتید به آن
تبدیل شوید، انجام دهید و باشید. در آن
جایگاه ناکجای درونی به نیروی قصد پیوند
دارید. شما را پیدا خواهد کرد. تلاشی
آگاهانه برای تماس با آن و گوش سپردن به آن
انجام دهید. در منبع روح خود آنچه را که
می‌خواهید تمرین کنید. به سطح روح خود بروید
جایی که قصد و هدف به طور کامل با هم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تناسب دارند و به سادگی شناختی نسبت به درستی آن پیدا می‌کنید

شناخت درونی خاموش شما

روانشناس و فیلسوف محترم ویلیام جیمز یکبار نوشت: «در زمینه تیره ذهن ما می‌دانیم که چه باید بکنیم... اما به طریقی قادر به آغاز آن نیستیم... هر لحظه در انتظار شکست هستیم... اما ادامه می‌یابد، ضربه پشت ضربه و ما در آن غوطه‌ور می‌شویم...»

در تجربیاتم به عنوان یک درمانگر و سخنگویی که باصداها نفر درباره زندگیشان مخاطب است. من نیز به همان نتیجه رسیده‌ام. جایی، مدفون در اعماقمان فراخوانی از هدی است. همیشه منطقی نیست، همیشه واضح نیست و گاهی حتی به نظر بیهوده می‌آید اما شناخت آنجاست. چیزی خاموش در آن است که قصد دارد شما خود را بیان کنید. آن چیز روح شماست که می‌گوید گوش دهید و از طریق عشق، مهربانی و پذیرندگی به نیروی قصد وصل بشوید. آن شناخت درونی خاموش هرگز شما را تنها نمی‌گذارد. می‌توانید آن را انکار کنید و وانمود کنید که وجود ندارد، اما در لحظات فروتنی و تعمق با خود تهیت انتظار می‌کشد، با موسیقی‌تان آن را پر کنید. می‌خواهد که خطراتش را هم بپذیرید و نفس‌تان را نفی کنید و همین‌طور نفس دیگران را که می‌گویند مسیری ساده‌تر، امن‌تر برای شما بهتر است. به طور متناقضی، ضرورتاً این امر درباره انجام کار خاص، شغلی حاضر یا زندگی در موقعیت خاصی نیست. بلکه درباره اشتراک در راه‌هایی از عشق و خلاقیت با استفاده از مهارت‌ها و علایق است که به طور ذاتی در وجود شماست. در مورد همه فعالیت‌ها صدق دارد: رقصیدن، نوشتن،



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درمانگري، باغباني، آشپزي، بچه داري، آموزش آهنگ سازي، آواز خواني، موج سواري و غيره. اين فهرست محدوديتي ندارد. اما هر کدام از فعاليتهاي مذکور ميشود در جهت نفس شما يا خدمت به ديگران انجام پذيرد. راضي کردن نفس نهايتاً به معني عدم تکميل و مورد سؤال قرار دادن هدف شماست. چون مبداء شما بنفس است و شما در حال تلاش پيوستن به مبداء هستيد، جايي که هدف شما از آن ناشي ميشود. اگر فعاليتهاي مذکور در ليست در جهت خدمت به ديگران باشد شما سعادت زندگي هدفمند را حس ميکنيد در حالي که چيزهاي بيشتري از آنچه دوست داريد به زندگي خود وارد ميکنيد. دختر من اسكاي نمونه اي از چيزيست که ميگويم. او از وقتي که زبان باز کرد ميخواست خواننده شود. مثل اينکه نشان مي داد در اين جهان تقديرش خواندن براي ديگران است. بعدها در جلسات عمومي من ميخواند، اول وقتي چهارساله بود و بعد در هر سني تا بحال، او بيست و يك سال دارد. همينطور در برنامه هاي تلويزيوني خاص من هم ميخواند و بازتاب خواندن او هميشه رضايت بخش بوده است. به عنوان دانشجو در برنامه موسيقي دانشگاه شرکت کرد. او هم از ديگاه آکادميك و هم تئوري موسيقي را مطالعه کرد. يك روز در سال آخرش بحثي داشتيم که درباره هدف او بود و شناخت دروني خاموشي که هميشه داشت. «او گفت: «ناراحت ميشوي اگر کالج را ترک کنم؟» من حس نميکنم که با نشستن سر کلاس و مطالعه نظري موسيقي کاري بتوانم بکنم. ميخواهم موسيقي خودم را بنويسم و بخوانم. اين تنها چيزيست که در موردش فکر ميکنم اما نميخواهم شما و ماما را نااميد کنم.»



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چطور، کسی که به خواننده‌هایش می‌گوید با استفاده از موسیقی خاموش درونشان نمیرند، می‌توانست به دختر بیست و یک ساله‌ای بگوید که باید در کالج بماند چون این راه درست است و آیا این کاریست که من کردم؟ گفتم که به ندای خاموش درونش که من از دوران کودکی شاهد آن بوده‌ام گوش بدهد و به ندای قلبش پاسخ دهد. همانطور که یکبار گاندی گفت: «دادن قلب دادن همه چیز است.» این جایی است که خدا حضور دارد، در اسکای... و در شما.

من از اسکای خواستم که نهایت سعی‌اش را برای زندگی هدفمند با خواندن برای دیگران بیش از توجه کردن به شهرت یا پول انجام دهد. به او یادآوری کردم «جزئیات را به عهده کیهان بگذار،» تو می‌نویسی و می‌خوانی چون باید آنچه را که در قلب زیبای توست بیان کنی. بعد از او خواستم که از انتها فکر کند و طوری عمل کند که گویی آنچه می‌خواسته در حال حاضر صورت گرفته و در انتظار پیوند با اوست.

اخیراً نگران بودم که هیچ‌س‌ی‌دی‌ای تا به حال پر نکرده است و با این فکر کار می‌کرد که نتیجه آن نبودن‌س‌ی‌دی‌ و ناامیدی بود. او را تشویق کردم که از انتها فکر کند و تصور کند که استودیو و دوربین‌ها همه آماده همکاری برای ضبط‌س‌ی‌دی‌ او هستند و‌س‌ی‌دی‌ آماده ارائه است. من به او تاریخی دادم که تا آن زمان‌س‌ی‌دی‌ آماده شود و بتوانم از آن در جلسه سخنرانیم استفاده کنم. به او گفتم که می‌تواند برای آن جمعیت بخواند همانطور که گاهی در برنامه‌های تلویزیونی من این کار را انجام داده بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فکر کردن از انتها کارش را کرد و روح جهانی شروع به همکاری با قصد نرشناپذیر او کرد. استودیو را پیدا کرد، موزیسین‌هایی که نیاز داشت به طور معجزه آسای پیدا شدند و قادر شد که سی دی را پر کند.

اسکای به طور خستگی‌ناپذیری روز به روز آوازه‌های مورد علاقه‌اش را خواند همین‌طور چند تایی که من دوست داشتم در سخنرانی‌هایم بخواند مانند «وقار خیره کننده» «دعای سنت فرانسیس» و آهنگی که خودش ساخته بود به اسم «مزرعه ارغوانی» که با غرور و اشتیاق خواند. امروزه سی دی او حاضر است، محدودیتی نیست، الان بیرون فروخته می‌شود و در مراسم سخنرانی من هم به همه توصیه می‌شود.

حضور او در صحنه همراه من باعث شادی و عشق در اجرای برنامه می‌شود چون او هم مانند هر کس دیگری به شدت به هفت چهره قصد نزدیک است. پس تقدیم این کتاب به او که یکی از فرشته‌های قصد معنوی من است رازی به شمار نمی‌آید.

الهام و هدف

وقتی هدف بزرگی داشته باشی همه چیز در خدمت تو خواهد بود. الهام از چرخش به طرف روح و اتصال با هفت چهره قصد حاصل می‌شود. وقتی احساس الهام کنید، آنچه به نظر خطرناک می‌آید به مسیری تبدیل می‌شود که احساس می‌کنید ناچارید آن را طی کنید. خطرات رفته‌اند چون شما دارید سعادت خود را دنبال می‌کنید که حقیقت درون شماست. این عشق است که با قصد شما هماهنگ کار می‌کند. ضرورتاً، اگر عشق را حس نکنید حقیقت را حس نخواهید کرد و حقیقت شما در اتصال با روح خلاصه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌شود. برای همین است که الهام، بخش مهمی از قصد در زندگی هدفمند شماست.

وقتی کاری را که دیگر الهام بخش نبود رها کردم، جزئیات کوچکی که نگرانش بودم به طور معجزه آسایی به نظم در آمد. من چندین ماه برای یک شرکت بزرگ کار کردم جایی که سه برابر حقوق معلمی به من داده می‌شد اما در روح نبودم. شناخت درونی‌ام می‌گفت: کاری انجام بده که به خاطر آن اینجا حضور داری پس تدریس و مشاوره هدف من در زندگی شد.

وقتی استادی را در یک دانشگاه اصلی به خاطر نوشتن و سخنرانی رها کردم، خطری نبود. کاری بود که باید می‌کردم چون می‌دانستم اگر به صدای قلبم گوش ندهم احساس خوشبختی نخواهم کرد. جزئیات با جهان بود چون من آنچه انجام می‌دادم دوست داشتم پس در نتیجه من در حقیقت خود زندگی می‌کردم. با تدریس عشق، آن عشق مرا به سوی هدف راهنمایی کرد و پاداش مالی از همان انرژی عشق به طرفم سرازیر شد. نمی‌دانستم چه طور پیش خواهد رفت اما از شناختی درونی پیروی کردم و هرگز پشیمان نشدم. شاید فکر کنید از دست دادن حقوق خیلی خطرناک است یک حقوق بازنشستگی، امنیت شغلی یا چیزهای مشابه، مثل نور مبهم شی تیره در ذهن تان که شما را به سوی علت روشنی آن می‌کشاند. من می‌گویم اگر توجه خود را به نور متمرکز کنید که شناخت شماست هیچ خطری وجود نخواهد داشت. شناخت قوی خود را با ایمانی که روح عرضه می‌کند بیامیزید، نیروی قصد را خواهید دید. اعتماد به شناخت درونی تنها چیزی است که لازم دارید. من آن را ایمان می‌نامم. هیچ ایمانی خدایی بیرونی که هدفتی به شما بدهد نیست بلکه ایمانی است که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شما از مرکز هستی خود می‌شنوید شما با انتخاب هدفمندی و پیوند با نیروی قصد موجودی الهی و بنهایت هستید. همه چیز به هماهنگی اتصال شما با وصل مربوط است. زمانی که به انتخاب درونی در مورد هدفتان اعتماد کنید و کانالی برای نیروی قصد شوید، ایمان خطر را حذف می‌کند.

قصد را واقعیت خود کنید

پایین ده روش برای تمرین قصد از امروز به بعد پیشنهاد شده است:

گام اول

تأیید کنید که در یک نظام هوشمند هیچ‌کس به طور تصادفی حضور نمی‌یابد که شامل شما هم می‌شود. ذهن کیهانی مسؤل تمام خلقت است. می‌داند چه می‌کند. شما از آن ذهن آمده‌اید و به طور نامحدودی به آن وصل هستید. در هستی شما معنایی هست و شما توانایی انجام یک زندگی هدفمند را دارید. اولین گام این است که بدانید با هدفی اینجا آمده‌اید. این موضوع با اینکه بدانید قرار است چه کاری انجام دهید فرق می‌کند. در طی زندگی کاری که انجام می‌دهید تغییر می‌کند. در واقع، تغییرات ساعت به ساعت در هر روز زندگی رخ می‌دهند. هدف شما آنچه باید بکنید نیست، بلکه موجود بودن شماست که در درون شما جایی که افکارتان ناشی می‌شود جا دارد. برای همین به شما یک موجود انسانی می‌گویند، نه یک انسان انجام دهنده. در کلمات خود تأیید کنید چه در نوشتن چه در فکر که شما با هدفی اینجا هستید و قصد کنید که تمام مدت با این آگاهی زندگی کنید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام دوم- از هر فرصتی برای خدمت استفاده کنید، مهم نیست که چقدر کوچک باشد. نفس‌تان را از قصد برای یک زندگی هدفمند دور کنید. هر چه که بخواهید در زندگی انجام دهید، انگیزه تلاش‌های خود را در سپاس‌گذاری و پاداش برای چیزی یا کس دیگری بنا کنید. تضاد اینجاست وقتی متمرکز بر ایثار باشید نه بر گرفتن، پاداش‌های شما چند برابر می‌شود. به کاری که انجام می‌دهید عشق بورزید و بگذارید که آن عشق از اعماق، از دورن محل سکونت روح جاری شود. سپس حس عشق، اشتیاق و لذت ناشی از تلاش‌هایتان را انعکاس دهید. اگر هدف خود را با سوپرمن بودن حس کردید آن زمان انرژی و تلاش درونی‌تان را برای کودکان صرف کنید. اگر با نوشتن شعر یا درست کردن دندان حس کردید آن زمان خویش پایین خود را دور کرده کاری که می‌خواهید انجام دهید. این کار را از دیدگاه ایجاد تغییر و تحول برای کسی یا برای دلیلی انجام دهید و جزئیات پاداش شخصی خود را به جهان واگذار کنید. هدف خود را یا عشق خالص پیش ببرید آن زمان همکار نیروی جهانی قصد خواهید بود که نهایتاً مسؤل همه خلقت است.

گام سوم: هدف خود را با دامنه قصد وحدت دهید.

این مهم‌ترین چیز در انجام مقاصد شماست. اتحاد با دامنه جهانی یعنی ایمان داشتن به اینکه خالق شما می‌داند چرا اینجا هستید حتی اگر خود شما ندانید. یعنی احاطه ذهن کوچک با ذهن بزرگ و به خاطر آوردن اینکه به همان شکل که شما حضور یافتید هدف شما نیز حضور خواهد یافت. هدف نیز از خلاقیت، مهربانی، عشق و پذیرندگی نسبت به جهانی با وفور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بی‌پایان متولد می‌شود. این پیوند را خالص نگه دارید ، در تمام اعمالتان راهنمایی خواهید شد.

اشکالی ندارد که بگوییم اگر این به معنی بودن است پس نمی‌تواند متوقف شود. این یعنی ایمان به نیروی قصد که شما را به وجود آورده و در درون شماست. وقتی با مبداء خود وحدت حاصل کنید، آن زمان این مبداء شما را در انتخاب های زندگی یاری خواهد داد. آن زمان، آنچه رخ می‌دهد دقیقاً به صورت معنی بودن حس خواهد شد. همیشه انتخابی در چگونگی وحدت دارید. اگر تمرکز خود را در خواستن از جهان قرار بدهید، حس می‌کنید تقاضاها بر روی شما سنگینی می‌کنند.

با عشق بر این متمرکز باشید، چگونه می‌توانم از استعداد درونی و آرزوی خدمت استفاده کنم؟ و جهان با انرژی مشخصی با پرسیدن اینکه من چه خدمتی می‌توانم بکنم؟ پاسخ خواهد داد.

گام چهارم: هر چیزی را که کس دیگری درباره هدف شما می‌گوید نادیده بگیرید. بی‌توجه به اینکه دیگران چه بگویند، حقیقت حس هدفمندی شما را فقط شما می‌دانید و اگر آن را در جایگاه درونی‌اش جایی که آرزوی سوزان سکونت دارد حس نکنید پس هدف شما نیست. خویشاوندان و دوستانتان شاید تلاش کنند که شما را متقاعد کنند سرنوشت شما چیز است که آن‌ها حس می‌کنند. شاید استعدادهایی می‌بینند که فکر می‌کنند برای یک زندگی خوب به شما کمک می‌کند یا شاید می‌خواهند که ردپای آن‌ها را دنبال کنید چون فکر می‌کنند به این شکل خوشبخت خواهید بود. مهارت شما در ریاضیات یا دکوراتوری یا سرهم کردن وسایل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

الکترونیکی می‌تواند نشانه خوبی برای اینگونه مقاصد باشد اما در نهایت اگر آن را حس نکنید هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را با شما همساز کند.

هدف شما چیزی بین شما و مبداء شماست و هر چه بیشتر به دامنه قصد شبیه باشد بیشتر خواهید فهمید که به طور هدفمندی راهنمایی می‌شوید. شاید در آن زمینه خاص اصلاً استعدادی نداشته باشید اما از لحاظ درونی انگیزه‌ای شما را برای انجام آن هدایت کند. استعدادها، عدم مهارت‌ها را فراموش کنید و از همه از مهم‌تر واژه‌های ارائه شده دیگران چشم‌پوشی کنید و به ندای قلب خود گوش بدهید.

گام پنجم: به خاطر داشته باشید که کل دامنه قصد از طرف شما کار خواهد کرد. آلبرت انشتین گفت: مهم‌ترین تصمیمی که در زندگی می‌گیریم این است که معتقد به زندگی در جهانی دوستانه یا جهانی خصمانه باشیم. لازم است بدانید که دامنه خلاق قصد دوستانه است و تا زمانی که آن را به این شکل ببینید با شما همکاری خواهد کرد. جهان از زندگی حمایت می‌کند، به طور آزاد به طرف همه جاری می‌شود و به طور بی‌پایانی وفور دارد.

چرا باید به شکل دیگری به آن نگاه کنیم؟ تمام مشکلاتی که با آن‌ها روبرو هستیم با باورهای ما از اینکه از خدا و دیگران جدا هستیم شکل می‌گیرد که ما را در حالتی از تضاد قرار می‌دهد. این وضعیت تضاد، نیروی متقابلی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود میلیون‌ها انسان درباره هدف خود دچار اشتباه شوند. بدانید که جهان همیشه مایل به همکاری با شما از طرف شماست و شما همیشه در جهانی دوستانه و نه خصمانه هستید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام ششم: زندگی افرادی که هدف خود را می‌شناختند خواننده و الگوبرداری کنید. چه کسی را از همه بیشتر می‌ستایید؟ توصیه می‌کنم بیوگرافی آن‌ها را بخوانید و کشف کنید که چگونه زندگی می‌کردند و چه انگیزه‌ای در هنگام بروز مشکلات آن‌ها را در هدفشان پابرجا نگه می‌داشت من همیشه فریفته سائول از تاروسوس بودم (که بعدها لقب سنت پال گرفت) کسی که نامه‌ها و آموزش‌هایش منبع بخش مهمی از کتاب عهد جدید شد. تیلور کالدول از زندگی سنت پال داستانی تحت عنوان شیر بزرگ خدا نوشت که برای من بسیار الهام بخش بود. همین‌طور به شدت تحت‌تأثیر رفتار هدفمند سنت فرانسیس آسیزی بودم که در رمان سنت فرانسیس نوشته نیکوس کازانتزاکیس توصیف شده است.

همیشه وقت آزاد خود را صرف مطالعه افراد هدفمند در زندگی می‌کنم و توصیه می‌کنم که شما هم این کار را انجام بدهید.

گام هفتم: طوری رفتار کنید که گویی زندگی‌ای که قصدش را دارید در جریان است حتی اگر نسبت به چیزی که هدف نام دارد دچار اشتباه هستید. چیزی را به زندگی روزانه خود بخوانید که باعث می‌شود حس نزدیکی به خدا کرده و احساس شادی کنید. حوادثی را که به شکل مشکلات می‌بینید به عنوان فرصت‌های خوبی برای آزمودن و یافتن هدف خود بررسی کنید. از هر چیزی از شکستن یک ناخن تا بیماری تا از دست دادن شغل تا به حرکت‌های جغرافیایی به عنوان فرصت‌هایی برای دور شدن از وضعیت عادی و حرکت به سوی هدف استفاده کنید. با هدفمندی و استفاده از موانع به صورت نشانه‌های دوستانه‌ای برای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اعتماد به چیزی که عمیقاً در خود حس می‌کنید
قصد خود را برای زندگی هدفمند ایجاد خواهید
کرد.

گام هشتم: برای هدفمند باقی ماندن
مراقبه کنید.

از فنون جاپا که پیش از این اشاره کردم
استفاده کنید و قصد درونی خود را برای
خواهش از مبداء در جهت راهنمایی شما برای
پیش بردن تقدیرتان متمرکز کنید. این نامه
از ماتیومک کوئید نتایج هیجان‌آور مراقبه
بر هدفمند ماندن را توضیح می‌دهد:

دکتر دایر عزیز

همسرم، میشل، در اثر معجزه‌ای باردار شده
است، معجزه‌ای از روح که با بکار بردن
پیشنهادات شما صورت گرفت. برای پنج سال، من
و میشل مشکل بچه‌دار شدن داشتیم. ما همه
سعی‌مان را کردیم. هیچ‌کدام از درمان‌های
پیچیده و پر هزینه موثر واقع نشد. دکترها
جوابان کردند. ایمان ما با هر درمان
ناموفقی آزموده شد. دکتر ما ترتیبی داد که
جنین را در مراحل اولیه درمان منجمد کنند.
در طی سالیان، بیشتر از پنجاه مورد به رحم
میشل انتقال داده شد. موفقیت و احتمال
بارداری برای ما صفر بود. همان‌طور که
می‌دانید، صفر کلمه‌ای است که در فرهنگ لغت
معنوی وجود ندارد. یک جنین منجمد شده با
ارزش، که در 250⁰ درجه برای شش ماه زنده
خواهد بود به خانه جدیدش در رحم میشل
منتقل شد.

ممکن است بگویید، خب که چی؟ من هر روز
نامه‌هایی از این قبیل دریافت می‌کنم. به هر
صورت این نامه حاوی مدرکی از خداست. یک
قطره ضعیف پروتوپلاسم همان‌طور که به شکل‌های



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مختلف نوشتید، توده فیزیکی ای از سلول‌های زنده با تمام ویژگی‌های انسان آینده، در یک لابراتوار رفته سپس منجمد شد. تمام حرکتهای مولکولی و روند بیوشیمیک متوقف شد. با این حال جوهر هستی پیش از انجماد آن جا بود. آن جوهر معنوی در طول انجماد کجا بود؟ سلول‌ها باز و بسته شدند اما جوهر معنوی علی‌رغم وضعیت فیزیکی سلول‌ها آشکار شد. فرکانس ارتعاش سلول‌های منجمد پایین بود اما فرکانس ارتعاشی روح آن فراسوی سنجش بود. جوهر بودن باید در خارج از قلمرو فیزیکی یا توده سلولی زندگی می‌کرد. جایی نمی‌شد برود مگر به قلمرو روح جایی که در آنجا منتظر ماند. منتظر گرما شد و دوباره در چیزی که همیشه بود آشکار گردید. امیدوارم این داستان به عنوان چیزی که کمتر از معجزه نیست برای شما هم جالب توجه باشد. نمونه‌ای از روح در بدن تا بدنی با یک روح.

و حالا سؤال میلیون دلاری، آیا این جنین می‌تواند در چنین شرایط انجماد خصمانه ای بقا یافته و با این حال آشکار شود چون من مراقبه جاپا انجام داده‌ام؟ فقط به خاطر اینکه دهانم را باز کردم و گفتم: آآه ه ه؟ من نه شناختی داشتم نه سؤالی. مراقبه جاپا و تسلیم صبورانه تمرین‌های روزانه هستند. در طی لحظات خاموش‌ام، می‌توانم بوی این بچه را حس کنم. میشل به خاطر ایمان و عقیده راسخ در این ایام تاریک از من متشکر خواهد بود. از شما به خاطر راهنمایی‌تان سپاسگزارم. متشکرم. حالا هیچ چیز برای من غیر ممکن نیست. وقتی چیزی را که اکنون در رحم میشل آشکار کردم با هر چیز دیگری که خواسته بودم مقایسه می‌کنم، روند آن بدون تلاش است. و حتی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر واقعا " ماهر شوید هر چیزی که بخواهید درست روی برنامه آشکار می‌شود. عمل خیره کننده بعد کمک به دیگر زوج‌های سترون در شناخت رویاهایشان است. به طریقی به کسانی که امیدی ندارند کمک خواهم کرد. با تشکر

ماتیو مک کوانید

مردم زیادی برای من درباره موفقیتشان در ثبات هدف از طریق مراقبه جاپا نوشته‌اند. من به طور عمیقی با نیروی قصد در حین خواندن نامه مردمی که از جاپا برای بارداری استفاده کرده‌اند و آن را به عنوان مأموریت الهی خود حس کرده‌اند تحت‌تأثیر قرار می‌گیرم. مخصوصاً از تصمیم ماتیو برای کمک به دیگر زوج‌های سترون خیلی خوشحال شدم.

گام نهم: افکار و احساسات خود را با اعمالتان هماهنگ نگه دارید.

مطمئن‌ترین راه برای شناخت هدف‌تان حذف هرگونه تضاد یا عدم سازگاری میان فکر و حس و نحوه زندگی‌تان است. اگر ناهماهنگ باشید، رفتارهای تحت کنترل نفس را از قبیل ترس از شکست یا ناامیدی دیگران را فعال کرده‌اید که شما را از هدف دور می‌کند. اعمالتان نیاز به هماهنگی با افکار‌تان دارد. به افکار هماهنگ اعتماد کنید و برطبق آن‌ها به عمل تمایل نشان دهید. دیدن خود را به عنوان یک ترسو یا ناموفق رد کنید چون اینگونه افکار شما را از چیزی که باید باشید دور می‌کند. گام‌های روزانه‌ای در جهت سوق دادن افکار و احساساتان از مأموریت بزرگ قهرمانانه به هماهنگی با هر دو فعالیت‌های روزانه و دامنه همیشه حاضر قصد بردارید. هماهنگ بودن با خواست خدا بالاترین وضعیت هدفمند است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام دهم: در وضعیت سپاس باشید
حتی برای توانایی تعمق بر هدف خود
سپاسگزار باشید. به خاطر هدیه بزرگ
توانایی خدمت به بشریت، به سیاره‌تان و خدا
سپاسگزار باشید.

برای موانع ظاهری مقابل هدف‌تان سپاسگزار
باشید. همانطور که گاندي به ما یادآوری
کرد، به خاطر داشته باشید: «راهنمایی الهی
اغلب در تاریکترین افق‌ها می‌رسد.» به کل
شهر فرنگ زندگی خود نگاه کنید که شامل تمام
مردمی می‌شود که با شما برخورد کرده‌اند. تمام
شغل‌ها، موفقیت‌ها، شکست‌های ظاهری،
دارایی‌ها، زیان‌ها، بردها، همه چیز را از
دیدگاه سپاس ببینید. به دلیلی اینجا
هستید. این کلید هدف‌مندیست. به خاطر فرصت
زندگی هدف‌مندانانه در هماهنگی با خواست مبداء
سپاسگزار باشید. چیزهای زیادی برای
سپاسگزاری وجود دارد.

به نظر من جستجوی هدف مانند جستجوی
خوشبختی است. راهی برای خوشبختی نیست،
خوشبختی خود راه است، و با زندگی هدف‌مند
همراه است. چیزی نیست که پیدا کنید. چگونه
زندگی شما در خدمت به دیگران و هدف‌دار کردن
همه اعمال‌تان است. این چیز است که با آن به
طور دقیق قصد خود را برآورده می‌کنید که
عنوان این فصل است. وقتی هدف‌مند زندگی
می‌کنید در عشق ساکن هستید. وقتی در عشق
ساکن نیستید از هدف دورید. این برای همه
افراد، برای مؤسسات، مشاغل و دولت‌ها نیز
صدق می‌کند.

وقتی دولتی برای هر خدمتی از شهروندان طلب
هزینه بسیار دارد دور از هدف است. وقتی
دولتی از توحش به عنوان وسیله‌ای برای حل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مباحثات استفاده می‌کند بدون توجه به چگونگی توجیه اعمالش از هدف دور است. وقتی در کاری گرانفروشی، تقلب یا نفوذ به نام سودرسانی باشد دور از هدف است. وقتی در مذهب رفتاری از تعصب و نفرت با روحانیونش باشد دور از هدف است. که در مورد شما هم صدق می‌کند.

هدف شما در دستیابی به نیروی قصد بازگشت به مبدا و زندگی با آن آگاهی و الگوپردازی از عملکرد خود قصد است. آن مبدا عشق است. پس سریع‌ترین روش برای درک و زندگی هدفمند این است که آیا در طرق عشق می‌اندیشید یا نه؟ آیا افکارتان از مبدا عشق درون شما ناشی می‌شود؟ آیا بر مبنای افکار ناشی از عشق عمل می‌کنید؟ اگر پاسخ‌ها آری است، پس هدفمند هستید. دیگر حرف دیگری ندارم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل نهم

قصد من این است: برای همه خویشاوندانم قابل اعتماد و با آنها در آرامش باشم. «دوستان شما شیوةی عذرخواهی خداوند از بابت خویشاوندانتان هستند»

وین. دبلیو. دایر به طریقی وقتی چیزی که می‌خواهیم این است که با خودمان و با خویشاوندانمان در صلح باشیم، به توقعات و خواسته‌های اعضا و خانواده‌مان اجازه می‌دهیم که منبع بسیاری از بدبختی‌ها و تنش‌های ما باشند. تناقض اغلب به نظر می‌رسد انتخابی میان قابل اعتماد بودن، که به معنی در آرامش نبودن با برخی از خویشاوندان یا داشتن آرامش به قیمت غیر قابل اعتماد بودن است.

ایجاد پیوند با نیروی قصد در رابطه با بودن در اطراف خویشاوندان می‌تواند برای شما مانند تضادی به نظر برسد اما این طور نیست. آرام و قابل اعتماد بودن می‌تواند معرف رابطه شما با خویشاوندانتان باشد. در ابتدا می‌توانید رابطه‌تان را با نزدیکترین خویشاوندتان ارزیابی کنید. دیگران چگونه با شما رفتار می‌کنند، خواهید دید که خیلی چیزها در مورد رفتارشان با خودتان هست که می‌تواند به دیگران یاد بدهد چطور با شما رفتار کنند.

همانگونه با شما رفتار می‌شود که به دیگران می‌آموزید با شما رفتار کنند.

در فصل قبلی، از شما خواستم تا گفتگوی درونی‌تان را مورد توجه قرار دهید. یکی از بزرگترین موانع پیوند با قصد، افکار شما از خواست و توقع دیگران است. هر چه بیشتر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درباره ناراحت کننده بودن این که خانواده‌تان شما را درک نمی‌کنند و مورد قدردانی قرار نمی‌دهند فکر کنید همان قدر سوء تفاهم و کم ارجی را به زندگی‌تان جذب می‌کند. چرا؟ چون چیزی که درباره آن فکر می‌کنید وسعت می‌یابد حتی وقتی درباره چیزی فکر می‌کنید که به نظر شما ناراحت کننده نیست و حتی زمانی که درباره آنچه در زندگی دوست ندارید فکر می‌کنید.

اگر به قصد پیوند یافته باشید می‌دانید کدام يك از اعضاء خانواده شما را تحريك می‌کند. اگر حس می‌کنید که بی‌جهت تحت‌تأثیر توقعات آن‌ها قرار می‌گیرید یا قربانی طرز زندگی آن‌ها هستید، پس نیاز به تغییر افکاري دارید مانند اینکه چه کار می‌کنید به چه می‌اندیشید. به خود بگویید من به این مردم یاد داده‌ام چگونه طبق تمایلام یا من رفتار کنند که نظریاتشان را مهم‌تر از نظر من نشان بدهند. باید با گفتن جمله زیر وضعیت خود را دنبال کنید و این قصد من است که به آن‌ها یاد بدهم که از این به بعد چگونه با من رفتار کنند. پذیرفتن مسؤلیت اینکه اعضاء خانواده‌تان چگونه با شما رفتار می‌کنند به شما در جهت ایجاد نوع رابطه با تمام خویشاوندانتان کمک می‌کند که متناسب با ذهن کیهانی قصد باشد.

شاید برای‌تان سؤال پیش بیاید که چطور می‌توانید مسؤلیت آموزش مردم را در نحوه رفتارشان با خود به عهده بگیرید جواب این است، در بخش عمده‌ای، تمایل شما نه تنها برای گوش کردن به فشارهای فامیلی که بعضی از آن‌ها به صورت سنت در آمده به نسل‌های قبل بر می‌گردد بلکه همین‌طور با مجاز ساختن خود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

برای قطع رابطه از منبع الهیتان و رو آوردن به انرژی پایین احساساتی مانند حقارت، سرزنش، یاس، پشیمانی، هیجان و حتی نفرت حاصل می‌شود. شما، فقط شما به اقوامتان آموخته‌اید که چگونه با شما از طریق تمایلتان به پذیرفتن نظریات منتقدانه آنها و دخالت خسته کننده‌شان رفتار کنند.

روابط خانوادگی شما در ذهن شماست. وقتی چشم‌هایتان را می‌بندید، خانواده‌تان ناپدید می‌شود. کجا می‌روند؟ هیچ کجا اما انجام این تمرین کمک می‌کند که بفهمید خویشاوندان در ذهن شما به صورت فکر حضور دارند. و به خاطر بیاورید خداوند ذهنی است که با آن فکر می‌کنید.

آیا از ذهن‌تان برای هماهنگ ساختن خویشاوندانتان با قصد استفاده می‌کنید؟ در ذهن خود با مرور خانواده‌تان به طریق برعکس با مبداء جهانی قصد آنها را در ذهن‌تان ترک یا خود را جدا از آنها فرض کرده‌اید؟ این مردمی که با شما خویشاوند هستند همه ایده‌هایی در ذهن شما می‌باشند. هر نیرویی که داشته باشند شما به آنها داده‌اید. چیزی که حس می‌کنید در این رابطه‌ها کم و یا غلط است نشان‌دهنده این است که چیزی در درون شما دچار نقص است، چون به طور کلی هر چیزی که در کس دیگری می‌بینید بازتاب جنبه‌ای از خود شماست در غیر این صورت شما را ناراحت نخواهد کرد چون در حلقه اول آن را نخواهید دید.

در جهت تغییر دادن طبیعت روابط فامیلی، باید فکر خود را در مورد آنها عوض کنید و معلق در غیر قابل تصور بزنید. غیر قابل تصور چیست؟ ایده اینکه در روابطتان شما بیشتر از فردی که مهاجم، نکوهنده و آزارنده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

است منبع اندوه هستید. در طی سالیان، این افراد به ترتیبی که با رفتارها و بازتاب‌هایتان اجازه داده‌اید با شما رفتار کرده‌اند. همه آن‌ها به صورت ایده‌هایی که شما را از منبع قصدتان جدا ساخته هستی دارند، وقتی تصمیم بگیرید با همه در صلح باشید خصوصاً خویشاوندانتان این مسأله به طور معجزه‌آسایی قابل حل می‌شود.

اگرکانون گفتگوی درونی شما درباره اعضاء خانواده‌تان بر این است که هر کاری آن‌ها می‌کنند خطاست، در این صورت رابطه شما با آن‌ها درست به همان شکل تجربه می‌شود. اگر گفتگوی درونی شما متمرکز به مورد آزاردهنده‌ای از طرف آن‌ها باشد، این چیز است که مشاهده خواهید کرد. هر چه بخواهید آن‌ها را به خاطر اینکه شما را آزار می‌کنند سرزنش کنید مال شما است و از افکار شما ناشی می‌شود. اگر تصمیم بگیرید که توجه درونی خود، انرژی حیاتی‌تان را بر چیز کاملاً متفاوتی متمرکز کنید رابطه شما تغییر خواهد کرد. در افکارتان، جایی که روابط خانوادگی‌تان هستی دارد، دیگر آزار نخواهید شد، عصبانی نخواهید شد، صدمه نخواهید دید و افسرده نخواهید شد. اگر در ذهن‌تان فکر می‌کنید، قصد من آرامش داشتن یا خویشاوندانم است همان را تجربه خواهید کرد و حتی اگر آن خویشاوند به روش رفتاری خود ادامه دهد.

تغییر دادن ذهن به منزله تغییر روابط است

در آرامش بودن با خویشاوندان فقط یک طرز تفکر است. می‌توانید افکارتان را با قصد به ایجاد احساسات آرامش بخش در درونتان عوض کنید. هیچ کس بدون رضایت شما نمی‌تواند شما را ناراحت کند و شما رضایت خود را در گذشته



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اعلام کرده‌اید وقتی شروع به تمرین قصد برای آرامش کنید رضایت خود را از انرژی پایین عقب می‌کشید. به آرامش وصل می‌شوید و تصمیم می‌گیرید که آن را وارد رابطه‌هایتان کنید و از این رو بلافاصله نیروی تبدیل انرژی روابط خانوادگی را به دست می‌آورید.

به افرادی از خانواده فکر کنید که به دلیل احساس عصبانیت، آزار و افسردگی مورد سرزنش قرار داده‌اید. شما بر آنچه از آن‌ها که دوست ندارید یا رفتار آن‌ها با خود تمرکز کنید، رابطه‌تان همیشه بخش ناراحت‌کننده‌ای خواهد داشت. حالا تصور کنید که این کار را از نقطه‌نظر جدیدی انجام می‌دهید. بیش از عکس‌العمل در برابر انرژی پایین خصمانه آن‌ها یا عکس‌العمل خصمانه خودتان که باعث پایین آوردن انرژی همه می‌شود، قصد آرامش را به عکس‌العمل‌ها بیاورید. به خاطر داشته باشید انرژی بالای عشق است که تمام انرژی‌های پایین را از بین می‌برد. وقتی در مقابل انرژی پایین عکس‌العمل نشان می‌دهید در عملکرد آرام بخشی نبوده و به نیروی قصد متصل نیستید. در انرژی پایین جمله‌هایی مانند جملات زیر را گفته یا به آن‌ها فکر می‌کنید: به شما احترام نمی‌گذارم چون غیر قابل احترام هستید. من از دست شما عصبانیم چون شما به دنیا خشم دارید. شما را دوست ندارم چون شما لافزن هستید.

با تمرکز بر آنچه که قصد آشکار کردن آن را دارید تا به همان انرژی پایین که با آن برخورد می‌کنید تصمیم به پیوستن با قصد و آوردن ویژگی‌های منبع جهانی خود به مقابله با آن انرژی پایین می‌کنید. سعی کنید به عیسی مسیح در حال گفتن این عبارت به پیروانش



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فکر کنید: «خوار می‌شمارم مردمی را که مرا خوار می‌شمرند و با آنها هیچ کاری ندارم.» یا «وقتی مردم مرا مورد قضاوت قرار می‌دهند خیلی عصبانی می‌شوم. چطور می‌توانم با وجود این همه مردم ستیزه‌جو در اطرافم آرامش داشته باشم! این بی‌معنی است چرا که مسیح نمایانگر بالاترین انرژی عشق در جهان است. تنها چیزی که به حضور افراد مردد و ستیزه‌جو آورد و حضورش به تنهایی انرژی افراد اطرافش را بالا می‌برد. می‌دانم که شما مسیح نیستید اما درس‌های معنوی بزرگی برای یادگیری از آموزگاران بزرگ دارید. اگر قصد آوردن آرامش به وضعیتی دارید و در سطح قصد زندگی می‌کنید با احساس آرامش آن وضعیت را رها خواهید کرد. من سال‌ها پیش این درس را با خویشاوندان همسرم آموختم.

پیش از بیداری نیروی قصد، دیدارهای فامیلی به خاطر رفتارها و حالات بعضی از خویشاوندان همسرم باعث حیرت من می‌شد. من خودم را برای یک دیدار خانوادگی عصر یکشنبه آماده می‌کردم چرا که منتظر تجربه بدی بودم و به ندرت از این انتظار ناامید می‌شدم. افکارم را بر آنچه که دوست نداشتم متمرکز می‌کردم و به این ترتیب روابطم را با آنها شکل می‌دادم. به تدریج وقتی از نیروی قصد آگاه شدم و از نفسم گذشتم، مهربانی، پذیرندگی عشق و حتی زیبایی را جایگزین حالت‌های آزرده‌گی و عصبانیت قبلی کردم. پیش از زمان ملاقات به خودم یادآوری می‌کردم که من آن چیزی هستم که همه جا انتخاب می‌کنم باشم و انتخاب می‌کنم که با همه در صلح بوده و اوقات خوبی داشته باشم. در جواب چیزی که قبلاً مرا آزرده می‌کرد حالا به مادر زخم با



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حالت دوستانه‌ای می‌گویم، «هرگز راجع به این موضوع این طور فکر نکرده بود، بیشتر توضیح بدهید.» در پاسخ چیزی که قبلاً به نظرم گفته‌ای جاهلانه می‌آمد حالا می‌گویم، «این یک نقطه نظر جالب است، چه موقع برای اولین بار متوجه آن شدید؟» به عبارت دیگر من قصد خود را برای ایجاد وضعیت آرامش در این برخوردها می‌خواندم و آن‌ها را داوری نمی‌کردم.

حیرت‌انگیزترین چیز اتفاق افتاد: من کم کم منتظر می‌شدم که آنها بیایند. آن‌ها را روشن‌تر از قبل می‌دیدم. از بودن با آن‌ها لذت می‌بردم و هر زمان چیزی پیش می‌آمد که قبلاً برایم آزار دهنده بود، من دوباره نگاه کرده و با عشق و مهربانی پاسخ می‌دادم. در مراحل اولیه زندگی، حرف‌های دگم یا متعصبانه مذهبی باعث خشم و بی‌قراری من می‌شد. حالا با مهربانی و ملایمت نظرم را می‌گفتم و اجازه می‌دادم که بحث عوض شود. بعد از سال‌ها متوجه شدم که نه تنها صحبت‌های دگم و متعصبانه به صفر رسید بلکه خانواده همسرم بردباری و حتی عشق هم در مقابل اقلیت‌ها، همین‌طور کسانی که هم مذهب آن‌ها نبودند بروز می‌دادند.

علیرغم قصد اولیه‌ام برای ماندن در وضعیت آرامش، فهمیدم که با عدم اعتنا به انرژی‌های پایین، نه تنها کل خانواده آرامش بیشتری دارد بلکه مکالمات لذت‌بخش و روشن‌گری‌کننده‌ای هم پیش می‌آید. خیلی چیزها باید از آن‌ها یاد می‌گرفتم، همین‌طور آن‌ها از من. حتی وقتی با قضاوتی که درباره‌ام می‌کردند مخالف بودم اگر مقصدم را برای داشتن رابطه صلح‌آمیز به خاطر می‌آوردم قادر بودم خودم را کنترل کنم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دیگر به آنچه دوست نداشتم، به چیزهایی که از دست داده بودم یا به چیزهایی که همیشه بوده فکر نمی‌کردم. بر این متمرکز بودم که این ملاقات‌ها لذتبخش و مهم‌تر از همه آرامشبخش باشد.

حالا بیایید نظری به گام‌هایی بیندازیم که شما در جهت ایجاد وضعیت مذکور در این فصل نیاز دارید.

گام اول: قصد خود را کتبی و شفاهی توصیف کنید و اشتیاق زیادی به آن در خود ایجاد کنید.

وقتی تمایل زیادی به تجارب آرامبخش خانوادگی بروز می‌دهید همه چیز برای اینکه رابطه طبیعی و خودبخود صورت بگیرد دست به دست می‌دهد. بیشتر از دعا به درگاه قدیسین یا خدا برای رخ دادن معجزه، برای معجزه بیداری درون که هرگز شما را ترک نمی‌کند دعا کنید. وقتی بیداری این نور درون یک بار تجربه شد، بدون توجه به این که با چه کسی و کجا هستید همیشه شما را همراهی خواهد کرد. نیروی لازم در درون شماست. این نیرو مانند جریان لذت بزرگی در بدن شما حس می‌شود. نهایتاً، افکار شما رفیع شده و دنیای درون و بیرون‌تان یکی می‌شود. برای بیداری نور درون و آشکاری قصد تمایل نشان دهید.

گام دوم: برای همه اعضاء خانواده همان قصد را بکنید که برای خود می‌کنید. وقتی کسی شما را مورد انتقاد و قضاوت قرار می‌دهد و اعمالی از سر خشم کرده ابراز نفرت می‌کند یا در شما قصوری پیدا می‌کند، یعنی با خودش در صلح نیست. برای آن‌ها آرزوی صلح کنید بیشتر از آنچه که برای خود می‌کنید. با داشتن چنین قصدی برای آن‌ها، شما تمرکز را از روی خود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

برمی‌دارید. نیازی به عمل یا حرفی از جانب شما نیست. به سادگی تصویر آن‌هایی را که با شما در صلح نیستند تصور کرده و آرامشی را که برای آن‌ها آرزو می‌کنید حس کنید. گفتگوی درونی شما عوض خواهد شد و آغاز به تجربه اعتماد آرامش بخشی از وجودتان خواهید کرد.

گام سوم: آرامشی باشید که در دیگران جستجو می‌کنید

اگر در روابط فامیلی آرامش از بین رفته یعنی جایی درون شما آرامش ندارد که می‌تواند با عصبیت، ترس، خشم، افسردگی، گناه، با هر حسی از انرژی پایین پر شود. به جای اینکه بجوایید یکباره خود را از این حس‌ها خلاص کنید، با آن‌ها همان کار را بکنید که با خویشاوندانتان می‌کنید. یک سلام دوستانه به آن بخش ناآرام داده، بگذارید که باشد. با این کار حس آرامش را به بخش ناآرام می‌فرستید.

انرژی‌های پایینی که تجربه می‌کنید با سلام آرام بخش شما قدرت خواهند گرفت و به تدریج که انرژی الهی در شما رشد می‌کند آن‌ها از بین خواهند رفت. راه رسیدن به این آرامش از طریق هر نوع سکوت و مراقبه‌ای است که برایتان مؤثر است. حتی اگر دو دقیقه برای سکوت وقت پیدا کردید، بر نام خدا متمرکز شده یا صوت «آ آ آ ه» را به صورت یک مانترای درونی تکرار کنید.

گام چهارم: با هفت چهره قصد هماهنگ باشید
اگر فراموش کرده‌اید که ذهن کیهانی قصد به چه شبیه است، بدانید که خلاق، مهربان، عاشق، زیبا، همیشه در حال توسعه، وفور بی‌پایان و نسبت به همه هستی پذیرنده است. بازی هماهنگی را که در اوایل کتاب معرفی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کردم انجام دهید و با قصد آرام و نرمش ناپذیر چهره مبداء کیهانی را به حضور هر کس که حس میکنید انرژی شما را پایین می‌آورد یا با آرامش درونتان تداخل ایجاد میکند، بیاورید. این نوع از انرژی معنوی نه تنها برای شما بلکه برای خویشاوندانتان هم تغییر دهنده خواهد بود. قصد شما برای داشتن روابط صلح‌آمیز اکنون شکل می‌گیرد، ابتدا در ذهن شما، سپس در قلبتان و نهایتاً شکل خواهد گرفت.

گام پنجم: موانعی که بر سر راه آرامش خانوادگی شما قرار گرفته، مرور کنید. به هر گونه گفتگوی درونی که متمرکز بر بی‌قراری شما از توقعات دیگران است گوش دهید. به خود یادآوری کنید که وقتی درباره چیزی که باعث رنجش شماست فکر میکنید، براساس آن اندیشه عمل میکنید در حالی که همزمان چیز بیشتری از آن را به زندگی خود جذب میکنید. سطح انرژی خود را در جهت تمایل به بازتاب نسبت به انرژی‌های پایین یا مقدار بیشتری از همان انرژی بیازمایید و به نفس‌تان یادآوری کنید که دیگر نخواهید رنجید و نیازی به محق بودن در این گونه روابط هم ندارید.

گام ششم: عمل کنید مثل اینکه اتفاق افتاده

طوری عمل کنید انگار آنچه می‌خواستید اتفاق بیفتد همین حالا به واقعیت پیوسته است. افراد خانواده را در عشق و نوری که در هویت حقیقی آنها نهان است بینید. وقتی کسی از باباموکتا ناندا قدیس بزرگ هندی سؤال کرد، بابا وقتی به من نگاه میکنید، چه می‌بینید؟ بابا جواب داد: «من در تو نور می‌بینم.» آن شخص جواب داد: «چطور ممکن است



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بابا؟» من شخص عصبانی‌ای هستم. من خیلی بد هستم. باید همه این‌ها را دیده باشید. بابا گفت: نه، من نور می‌بینم. (این داستان توسط سوامی چیدویل آساناندا گورو می‌در «قلبام را روشن کن» نقل شده است.) پس در همه نور را ببینید و طوری رفتار کنید که گویا تنها چیز است که می‌بینید.

گام هشتم: به نتیجه وابسته نباشید

اجازه ندهید که حالت‌های آرام و درست شما به رفتار خویشاوندانتان وابسته باشد. تا زمانی که به قصد متصل باشید و انرژی بالا به بیرون منعکس کنید در آرامش هستید. نه جای شما و نه هدف شما بر این است که افراد فامیل را وادار کنید مانند شما فکر یا حس کنند. احتمال‌اش خیلی زیاد است که شما تغییرات برجسته‌ای در خویشاوندانتان مشاهده کنید در حالی که با نقاب شخصیت خود به آن‌ها می‌آموزید که چطور با شما رفتار کنند. اما اگر تغییر نکنند و اگر رفتار پرتنش خود را ادامه دهند. بنا به نیاز خود آن‌ها را تغییر یافته ببینند. همه چیز در نظم الهی پیش خواهد رفت. عبارت بگذار بگذریم و خداوند همه چیز را پیش خواهد برد یادآوری خوبی برای شماست. با گذشتن، آرامش خود را تضمین می‌کنید و به طور برجسته‌ای کمک به موفقیت دیگران را برای انجام کاری مشابه افزایش می‌دهید.

گام هشتم: تأیید کنید: من آرامش را به زندگی‌ام جذب می‌کنم.

این تأیید را چندین بار در روزهای مشخصی به خصوص در رابطه با فرزندان و دیگر خویشاوندانم به خود یادآوری می‌کنم. این کار را در بقالی یا در حال احوال‌پرسی در



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فرودگاه، در دفتر پست یا حتی رانندگی هم انجام می‌دهم. این را به عنوان حقیقت مطلق با قصد نرمش‌ناپذیر به آرامی به خود می‌گویم و همیشه به کارم می‌آید. مردم با لبخند، با تأیید، حالت‌های دوستانه و سلام‌های محبت‌آمیز به من پاسخ می‌دهند. همین‌طور این ایده متقاعد کننده از «درسی در معجزه‌ها» را نیز در هر لحظه که چیزی جز آرامش با خانواده‌ام حس کنم، به خود یادآور می‌شوم: می‌توانم آرامش را انتخاب کنم.

گام نهم: کینه نگه ندارید و تمرین بخشش کنید.

کلید داشتن آرامش در تمام روابط خانوادگی بخشش است. خویشاوندان‌تان به سادگی کاری را انجام می‌دهند که یک عمر از پیشینیان خود یاد گرفته‌اند. آن‌ها را با درک و بخشش از قلب خود شستشو دهید.

این عبارت از «درسی از معجزه‌ها» چیزهایی زیادی را در انجام این قصد پیشنهاد می‌کند: آرامش می‌خواهید؟ بخشش آن را به شما ارزانی می‌دارد.

شادی می‌خواهید؟ ذهنی آرام، هدفی معین و حسی از ارزش و زیبایی که جهان را صعود می‌دهد؟ آرامشی غیر قابل تخریب می‌خواهید، آرامشی که هرگز در هم نشکند، آرامشی عمیق و استوار و قراری چنان کامل که هرگز درهم نمی‌ریزد؟ بخشش همه آن را به شما ارزانی می‌دارد.

گام دهم: در حالت سپاس باشید بیشتر از استقرار در وضعیت عدم آرامش در رابطه با اعضاء خانواده، دعایی از سپاس برای حضور آن‌ها در زندگی‌تان و تمام درس‌هایی که از آن‌ها باید بگیرید، به جا بیاورید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اینها ده گام هستند که هر روز می‌توانید
تمرین کنید. همین‌طور که به سوی شناخت مطلق از
اینکه قصد شما کارگر خواهد بود پیش می‌روید
به صورت روزانه به خود یادآور شوید که
چاره رابطه بد محکوم کردن نیست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل دهم

قصه من این است: حس موفقیت کردن و جذب و فور به زندگی ام. «خداوند قادر است با هر دعایی فراوانی اعطاء کند»

سنت پل

«وقتی به این نتیجه برسی که هیچ کمبودی نیست، تمام جهان از آن توست.»

لنوتزو

یکی از رازهای من برای حس موفقیت و جذب و فور به زندگی ام یک جمله قصار درونی است که تقریباً هر روز از آن استفاده می‌کنم. این‌طور می‌گوید: دید خود را نسبت به همه چیز عوض کنید و آن چیزها عوض خواهند شد. همیشه در مورد من کارگر بوده است. حقیقت این مثل کوچک در فیزیک کوانتومی یافت می‌شود که بنابر عده‌ای، موضوعی است که نه تنها عجیب‌تر از آن است که فکر می‌کنید بلکه عجیب‌تر از آن است که بتوانید فکرش را بکنید. به این شکل که در ظریفترین سطح فرعی اتم، عمل مشاهده یک ذره، آن ذره را تغییر می‌دهد. شیوه مشاهده ما از این عادت‌های کوچک نامحدود زندگی عامل مشخص کننده چیز است که آن‌ها در نهایت تبدیل می‌شوند. اگر این استفاده را به ذرات بزرگتر و بزرگتر وسعت دهیم و آغاز به دیدن خود در ذرات بزرگتری از جسم بنام بشریت یا حتی بزرگتر از آن یعنی خود زندگی ببینیم، آن زمان تصور عجیبی نخواهد بود، شیوه‌ای که جهان را مشاهده می‌کنید، آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این مسأله به کرات در شیوه‌های



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مختلفی گفته شده که: هر آنچه در جهان صغیر است در جهان کبیر نیز هست. همانطور که این فصل را می‌خوانید، این سفر کوچک به فیزیک کوانتوم را به عنوان استعاره‌ای در زندگی خود به یاد داشته باشید.

به این شکل، قصد شما برای احساس موفقیت و تجربه وفور بستگی به دید شما از خود، از جهان و مهم‌تر از همه دامنه قصد دارد که دریچه ورود به موفقیت و وفور است. پند کوچک من درباره تغییر جهت دید وسیله بسیار قدرتمندی است که به شما اجازه می‌دهد قصد مذکور در این فصل را وارد زندگی خود کنید. اول جهت دید خود نسبت به هر چیز و سپس چگونگی آن را از نقطه دید قصد بررسی کنید.

چگونه به زندگی نگاه می‌کنید؟

نحوه نگرش شما به زندگی بارومتری از توقعات شما بر مبنای آموزه‌هایتان می‌باشد از ارزش خود و آنچه قادر به کسب آن هستید. این توقعات به طور عمده از تأثیرات بیرونی‌ای چون خانواده، جامعه و مؤسسات تحمیل می‌شود اما از آن همراه همیشه حاضر درونی نیز تأثیر می‌پذیرد: یعنی نفس. منابع توقعات شما عمدتاً بر مبنای باورهایی از محدودیت، عدم فراخی و بدبینی درباره آنچه در مورد شما ممکن است نشأت می‌گیرد. اگر این باورها پایه چیز است که بر اساس آن به زندگی نگاه می‌کنید پس این ادراک از جهان چیز است که برای زندگی خود خواسته‌اید. جذب وفور، باروری و موفقیت از این نقطه نظرات محدود غیر ممکن است.

در قلبم، می‌دانم که جذب وفور و احساس موفقیت عمل ممکن است چرا که همان‌طور که قبلاً گفتم در اوان زندگی عدم فراخی شدیدی تجربه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کرده‌ام. در پرورشگاه دور از مادرم و پدر الکلی که اغلب در زندان بود زندگی کرده‌ام. می‌دانم که این حقایق می‌تواند در مورد شما نیز صدق کند چون اگر در مورد یکی از ما کارگر بوده پس در مورد همه ما کارگر خواهد بود چرا که ما همه در یک نیروی الهی وفور را سهم هستیم و از یک دامنه قصد حضور یافته‌ایم.

فهرستی از چگونگی نگرش خود به دنیا تهیه کنید. از خود بپرسید چقدر انرژی حیاتی متمرکز بر توجیه نقطه نظرات خوش بینانه یا ترجیح و دیدن نابرابری‌ها و ناهماهنگی‌ها در وفور برای همه نموده‌اید آیا می‌توانید نحوه نگرش خود را تغییر دهید؟ آیا می‌توانید رفاه را در جایی که همیشه تنگی دیده‌اید، ببینید؟ آیا می‌توانید آنچه که هست به سادگی با تغییر نگرش خود عوض کنید؟ من در جواب سؤال‌ها با صدای بلند آری می‌گویم. شیوه کارکرد تغییر جهت دید نیاز به نگرشی دقیق به چیزی که قبلاً بررسی نشده دارد.

دامنه خلاق جهانی قصد چگونه به زندگی می‌نگرد؟

دامنه قصد، که مسؤل تمام خلقت است، همیشه در حال ایثار است در واقع در ایثار هیچ مرزی نمی‌شناسد. به طور مداوم روح خالص بی‌شکل را به هزاران شکل مادی تبدیل می‌کند. به علاوه، این دامنه قصد در اشکال نامحدودی اعطاء می‌کند. وقتی صحبت از منشاء باشد هیچ مضیقه و نقصانی مورد بحث نیست. پس وقتی که به وفور طبیعی ذهن کیهانی فکر می‌کنیم، به دومفهوم اساسی آفرینش نگاه کرده‌ایم. نخست اینکه به طور مداوم در حال ایثار است و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دوم اینکه موارد بی‌نهایتی ارائه می‌کند. نیروی قصد بی‌نهایت و به طور ثابت در حال ایثار است، پس بدیهی است که برای انجام قصد شخصی جهت زندگی موفقیت‌آمیز و جذب وفور نیاز به پذیرفتن آن دو ویژگی دارید اگر بخواهید بجای تقلا برای وفور و موفقیت خود آن‌ها باشید پیامتان برای جهان چه خواهد بود؟ مبداء شما وفور دارد و شما مبداء خود هستید پس این رابطه باید در حال چرخش باشد. از آنجا که مبداء شما همیشه در حال اعطاء و خدمت است و شما نیز همان مبداء هستید پس باید همیشه در وضعیت اعطاء و خدمت باشید. این مبداء تنها زمانی قادر به کار با شماست که با آن هماهنگ باشید.

پیامی به دامنه قصد از قبیل: لطفاً برای من پول بیشتری بفرست. این طور تعبیر می‌شود که شما در مضیقه هستید در حالی که مبداء هیچ معنایی از مضیقه نمی‌شناسد. حتی نمی‌داند که پول کافی نداشتن یعنی چه؟ پس، پاسخی که باز می‌گردد این است: اینجا وضعیتی از نیاز به پول بیشتر است چون شما این‌طور فکر می‌کنید و من ذهنی هستم که شما با آن فکر می‌کنید، پس اینجا مقدار بیشترین از آنچه که ندارید و نمی‌خواهید جواب نفس شما نیز این است: آرزوهای نادیده گرفته می‌شوند.

اما حقیقت این است که مبداء جهانی تنها وفور و ایثار را می‌شناسد و برای شما پول می‌فرستد اگر که قصد شما به این شکل باشد: من پول کافی دارم و اجازه می‌دهم که آنچه به حد کافی دارم به طرفم جاری شود.

شاید این حرف به نظر یاوه و یا بازی با کلمات بیاید اما به شما اطمینان می‌دهم که این دقیقاً شیوه‌ای است که ذهن کیهانی قصد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عمل می‌کند. هر چه با قصد کننده خود به این جهان هماهنگ‌تر باشید همان قدر وفور نامحدود را بیشتر خواهید دید. خود را از مفهوم مضيقه خلاص کنید چون خداوند کلیدی برای این موارد ندارد. مبداء خلاق به باور شما از مضيقه با همان پاسخ می‌دهد.

حالا به گفته‌های من در آغاز این فصل فکر کنید: نگرش خود را عوض کنید چیزهایی که به آنها می‌نگرید عوض خواهند شد. به شما تضمین می‌دهم که ذهن کیهانی فقط در هماهنگی با طبیعت خود که ارائه وفور بی‌پایان است جاری می‌شود. با این طبیعت هماهنگ بمانید به تمام آرزوهایتان خواهید رسید، جهان راه دیگری برای بودن نمی‌شناسد. اگر به ذهن کیهانی بگویید که چه می‌خواهید شما را در وضعیت خواستن، هرگز نرسیدن و نیاز بیشتر رها خواهد کرد. به هر حال، اگر حس کنید آنچه که می‌خواستید هم اکنون حاصل شده با قصد متحد شده‌اید. بدون تردید یا گوش کردن به نه‌ها، در حضور دامنه خلاق قصد خواهید بود. نمی‌توانید از مضيقه آمده باشید، نمی‌توانید از تنگی و یا از خواستن آمده باشید. باید از همان حالت‌هایی آمده باشید که همه چیز را مجاز می‌کند. این کلمه‌ای کلیدیست، اجازه دادن. بیایید نگاهی بیندازیم به اینکه چگونه اجازه دادن اغلب در تلاش برای آشکار ساختن حس موفقیت و جذب وفور نادیده گرفته شده است.

هنر اجازه دادن

ذهن کیهانی خلقت در وضعیت دائمی ایجاد کردن است. هرگز توقف نمی‌کند، تعطیلات نمی‌رود. هیچ روزی نیست که از کار باز بایستد و به طور مداوم انتشار می‌دهد. بدون استثنا هر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کس و هر چيزي از اين ذهن کيهاني که ما قصد مي‌ناميم ظهور مي‌يابد. پس، اگر همه چيز از دامنه انرژي ناديدني ظاهر مي‌شود چگونه عده‌اي قادر به شرکت در آن هستند در حالي که عده‌اي ديگر به نظر جدا از آن مي‌آيند؟ اگر هميشه در چشمه بي‌پاياني از وفور در حال اعطاست، پس اگر مضيقه يا نقصان را به طريقي تجربه مي‌کنيد بايد مقاومتي در راه دادن آن به زندگيتان وجود داشته باشد.

راه دادن اين منبع ايتارگر به زندگي يعني مطلع بودن از مقاومتي که شما در سر راه وفور هميشه فزاينده قرار مي‌دهيد. اگر جهان بر پايه انرژي و جاذبه است، به اين معني است که همه چيز در فرکانس‌هاي خاصي در حال ارتعاش است. وقتي فرکانس ارتعاش شما با فرکانس کيهاني در تضاد است، مقاومتي ايجاد مي‌کنيد که باعث ممانعت از ورود وفور به فضاي زندگيتان مي‌شود. ارتعاشات فردي شما کلید درک اين اجازه است. ارتعاشات ناهماهنگ بيشتر به شکل افکار و احساسات شما هستند. افکاري مثل تأکيد بر آنچه معتقديد استحقاق آن را نداريد ايجاد انرژي متضاد مي‌کند. اين تضادها توقيفي در چنگ انداختن به انرژي همسان ايجاد مي‌کند و شما دامنه غير مجازي ايجاد مي‌کنيد. به خاطر داشته باشيد افکار شما مي‌تواند از هماهنگي با قصد يا تضاد با آن ناشي شود.

در نظر داشته باشيد که شما بخشي از ذهن کيهاني هستيد پس اگر خود را در تناسب با هفت چهره قصد ببينيد، ذهن کيهاني مي‌تواند به طور هماهنگي با شما کار کند. براي مثال، تصور کنيد شما شغل بهتري با در آمد بيشتري مي‌خواهيد، تصور کنيد که همين الان در آن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وضعیت هستید، با این شناخت که شما مستحق آن هستید، بدون هیچ‌گونه تردیدی چرا که می‌توانید آن را درون خود ببینید. اکنون، ذهن کیهانی هیچ حق انتخابی ندارد، چرا که شما بخشی از آن ذهن خلاق هستید و هیچ‌گونه تضاد ارتعاشی وجود ندارد. پس چیزی ممکن است درست پیش نرود؟ هنر پذیرفتن با عادت نپذیرفتن جایگزین می‌شود. تاریخ طویلی از افکار بی‌شمار وجود دارد که مقاومتی در برابر جریان آزاد و فور ایجاد کرده‌اند. این عادت عدم پذیرش از این باور رشد می‌کند که شما سال‌های سال بر آن کار کرده‌اید و به آن تکیه می‌کنید. به علاوه شما به مقاومت دیگران اجازه ورود به این تصویر را داده‌اید، و خود را با نیاز به تأیید آن‌ها در این دام انداخته‌اید. شما نظریات مقاوم آن‌ها را جلب می‌کنید، آمار همه آن‌هایی را که نتوانسته‌اند شغل خود را انتخاب کنند بخوانید، گزارشات دولتی درباره چشم‌اندازهای مشاغل ضعیف و اقتصاد کاهنده را بررسی کنید، گزارش‌های تلویزیون که وضعیت اسفناک امور جهانی را نشان می‌دهد تماشا کنید، حس مقاومت شما به طور متقاعد کننده‌ای مورد تجاوز قرار می‌گیرد. شما با عدم پذیرش وحدت یافته‌اید. آنچه نیاز دارید نگاه کردن به این نظام اعتقادیست و تمامی عواملی که از آن حمایت می‌کنند و بگویید، تغییر دادن همه چیز کار خیلی بزرگی است و به جای آن من شروع به تغییر افکاري می‌کنم که اینجا اکنون نپذیرفتن را فعال کرده است. مهم نیست که قبلاً چه فکر می‌کردید، یا برای چه مدتی یا تحت چه فشارهایی برای حفظ مقاومت خود هستید. امروز شروع به متوقف



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ساختن افکار عایق کنید. این کار را با گفتن این جمله انجام دهید من احساس موفقیت می‌کنم، قصد می‌کنم وفوری که اکنون اینجاست حس کنم. این کلمات را تکرار کنید یا جمله خود را تنظیم کنید که به طور ممتد افکار شما را در ساعت‌های بیداری با باور نویی از موفقیت و وفور اشباع کند. وقتی این افکار را به مدت لازم فعال کنید آن‌ها به شیوه فکری شما تبدیل می‌شوند و در جهت حذف مقاومت در برابر پذیرش گام برمی‌دارید.

سپس این افکار به چیزهایی تبدیل می‌شوند که در خاموشی و هنگام دعا مانند پیام‌هایی برای خود می‌فرستید: من موفق هستم، من وفور هستم. وقتی خود موفقیت باشید، وقتی خود وفور باشید با مبداء خلاق هماهنگ هستید و آن تنها کاری را که می‌شناسد انجام می‌دهد. آن به طور بی‌پایان ایثارگر و پیش برنده است، هیچ مقاومتی در برابر آن وجود ندارد، برای مثال ارتعاش شما دیگر در سطح مضيقه نیست، هر کلام ارتعاشی فردی شما با آنچه که از مبداء شما فراخوان می‌شود پیوسته است. در افکارتان شما و مبداء یکی هستید. انتخاب کرده‌اید که افکار مقاوم را تشخیص دهید و همزمان تصمیم به ماندن خارج از راه خود گرفته‌اید.

وقتی پذیرندگی و زندگی با حداقل مقاومت را تمرین می‌کنید موفقیت جزو انتخاب‌های شما نیست، خود شماست. وفور دیگر از شما دوری نمی‌کند. شما آن هستید و آن شماست. خارج از مقاومت شما جریان می‌یابد. اینجا کلید دیگری برای جریان آزاد وفور وجود دارد: باید از وابستگی به انباشتن آنچه در زندگی‌تان پیش می‌آید اجتناب کنید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وفور، عدم وابستگی واحساسات شما

در حالی که داشتن ارتعاش محکم هماهنگ با وفور مبداء قصد برای شما حیاتی است، همان قدر هم حیاتی است که بدانید نمی‌توانید به وفوری که بر سر راهتان قرار می‌گیرید چنگ بزنید. بخاطر این که شایبی که مایل به آویختن و وابسته شدن به موفقیت و ثروت خود هستید، خود واقعی شما نیست بلکه آن نفس پر مشکل شاست. شما دارائی‌تان نیستید، کاری که انجام می‌دهید نیستید، شما موجودی الهی و نامحدود در لباس مبدل انسانی موفق هستید که مقدار معینی از ماده‌ای را انباشته است. آن ماده شما نیستید. برای این است که نباید تحت هیچ شرایطی به آن وابسته شوید. عدم وابستگی از این شناخت ناشی می‌شود که ماهیت واقعی شما تکه‌ای از دامنه الهی بی‌پایان قصد است. آن زمان است که از اهمیت احساسات خود آگاه می‌شوید. خوب احساس کردن با ارزش‌تر از صیقل دادن جواهرات شما می‌شود. احساس وفور بر پوی که در حساب بانکی خود دارید تفوق یافته و نظر دیگران را نسبت به شما ارتقاء می‌دهد. به طور کلی احساس وفور و موفقیت زمانی ممکن است که وابستگی خود را از چیزهایی که آرزو می‌کنید قطع کرده و اجازه دهید که به زندگی شما وارد و مهم‌تر از آن از طریق شما جاری شوند. هر چه که جریان انرژی را سد کند روند خلاق قصد را متوقف می‌سازید. وابستگی چنین مانعی بر سر راه است. وقتی به آنچه از راه رسید: به جای اینکه اجازه عبور از خود بدهید چنگ می‌اندازید جریان را متوقف می‌کنید. آن را انباشته یا تصمیم می‌گیرید که برای خود نگه دارید و جریان قطع می‌شود. باید با دانستن اینکه هیچ چیز جز



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مانعی که شما بر سر راهش قرار می‌دهید نمی‌تواند جلوی ورود آن را به زندگی شما بگیرید، باید آن را در گردش نگه دارید. احساسات شما بارومترهای حسی برای جستجوی مقاومت و ارزیابی توانایی تجربه‌های شما از موفقیت و وفور هستند.

توجه کردن به احساسات

احساسات شما تجارب درونی شماست که به شما می‌گوید چه مقدار از انرژی الهی برای آشکاری خواسته‌هایتان فرا می‌خوانید. احساسات می‌توانند ابزار سنجشی برای چگونگی اعمال شما در روند آشکارسازی باشند. یک پاسخ حسی مثبت استثنایی نشان می‌دهد که شما انرژی الهی قصد را فرا خوانده و اجازه می‌دهید که به شیوه‌ای غیرمقاوم از شما جریان بیابد.

احساساتی از قبیل اشتیاق شدید، سعادت خالص، احترام، خوشبینی کامل، اعتماد بدون سؤال و حتی روشن شدگی نشان می‌دهد که برای مثال آرزوی شما برای آشکار ساختن موفقیت و وفور، قدرت کشش زیادی از مبداء جهانی شما دارد. باید بیاموزید که به حضور اینگونه احساسات توجه کامل به خرج دهید. این احساسات تنها شکل‌هایی از زندگی شما که خالی از انرژی هستند نیست بلکه عوامل مسؤل از چگونگی پاکسازی و تخلیص پیوند شما با قصد هم هستند. این احساسات دقیقاً به شما می‌گویند که چه مقدار از نیروی حیاتی را فرا می‌خوانید و در آن لحظه قدرت کشش شما چقدر است.

وفور وضعیت طبیعی، طبیعت قصد است. آرزوی وفور شما باید بدون مقاومت جاری شود. هرگونه اختلافی میان قصد شخصی و خواسته شما و اعتقاد شما در رابطه با امکان فراخوان آن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به زندگی‌تان ایجاد مقاومت می‌کند. اگر می‌خواهید اما معتقدید که امکان ندارد یا که فقیر هستید یا مهارت و پشتکار ندارید ایجاد مقاومت کرده و خود را عایق می‌کنید. احساسات شما نشان می‌دهد که چقدر خوب انرژی لازم را برای برآورده ساختن خواسته‌هایتان جذب می‌کنید. احساسات قوی ناامیدی، عصبیت، سرزنش، تنفر، ترس، خجالت و خشم فرستنده این پیام برای شماست که شما موفقیت و وفور را می‌خواهید اما امکان‌پذیر بودن آن را باور ندارید. این احساسات منفی، کلیدی برای تراز کردن خواسته‌هاتان با خواسته‌های ذهن کیهانی قصد است که تنها مبداء چیزیت که خواستار آن هستید. احساسات منفی به شما می‌گوید که قدرت کشش شما از قصد ضعیف است یا حتی اصلاً وجود ندارد. احساسات مثبت به شما می‌گوید که در حال اتصال و دستیابی به نیروی قصد هستید.

در رابطه با وفور، یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای افزایش آن قدرت کشش از قصد به طرف خود با عدم تمرکز بر از دلار و جایگزینی آن با ایجاد دوستی در وفور، امنیت، شادی، سلامتی و انرژی بالاست. اینجاست که آغاز به احساسات بالاتری می‌کنید که باعث می‌شود بفهمید به بازی هماهنگی با مبداء خلقت برگشته‌اید. وقتی به شادی فراوان، سلامتی و دوستی متمرکز باشید، وسایل به دست آوردن همه آن‌ها به سویی شما جاری خواهد شد. پول تنها یکی از آن وسیله‌هاست و هر چه انرژی ارتعاشی سریع‌تر در اطراف وفور بدرخشد، پول بیشتری به مقدار قابل ملاحظه در زندگی شما خواهد آمد. این احساسات مثبت به عنوان شاخص قدرت کشش به سویی موفقیت و وفور شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

را در حالت فعالی برای همکاری با قصد قرار خواهد داد.

نظرم این نیست که فقط منتظر بمانید تا همه چیز ردیف شود. پیشنهاد من این است که با گفتن: قصد می‌کنم احساس موفقیت و کامیابی را جذب کنم، انرژی حسی شما تغییر یافته به طوری عمل خواهید کرد که گویی خواسته‌تان همین حالا برآورده شده است.

اعمال شما با چهره‌های قصد هماهنگ خواهد شد و با آنچه که هستید تأمین خواهید شد و در تلاش جبران از چیزی که از دست رفته نخواهید بود.

در این نقطه از زندگی‌ام، شرکت در هر خواسته‌ای را رد می‌کنم جز شناخت کامل و بدون مقاومتی که می‌تواند از مبدا خلقت قصد ظاهر شود. خواسته‌های من برای شاخص‌های شخصی وفور با تمرین نوشته‌های کتاب آشکار شده و در برنامه ده مرحله‌ای ادامه خواهد یافت. با برداشتن مقاومت و اتصال به مبدا قادر به پذیرش شدم و کاملاً به آن اعتماد دارم. در طی سال‌ها یاد گرفتم که وقتی چیز به ظاهر غیرممکنی را آرزو می‌کنم، احساس بیچارگی می‌کنم. سپس نتیجه گرفتم که باید کمتر آرزو کنم اما تنها اتفاقی که افتاد این بود که مرا بیشتر از نیروی نامحدود قصد جدا کرد. هنوز در ارتعاشی ناهماهنگ با وفور کیهانی قرار داشتم.

فهمیدم که هماهنگی من با وفور باعث فقر یا گرسنگی دیگران نمی‌شود. درست برعکس، وفوری که خلق کرده‌ام شانس کمک به از بین بردن فقر و گرسنگی را به من می‌دهد. اما آگاهی مهم‌تر دانستن این بود که وقتی در فرکانس‌های پایین‌تر باشم چیزی که برای کمک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به دیگران دارم کمتر از شانس است. یاد گرفتم که باید خودم را از نظر ارتعاش با مبداء هماهنگ کنم. یکی از دلایل نوشتن این فصل متقاعد کردن شماست از اینکه لزومی ندارد چیز کمی بخواهید، یا درباره خواست وفور احساس گناه بکنید. وفور آنجاست و با فرآورده های بی نهایتش در اختیار همه است. آنچه را که اینجا درباره موفقیت و وفور می نویسم زندگی می کنم و نفس می کشم. بدون هیچ گونه شکی (مقاومتی) می دانم که شما قادر هستید وفور را جذب کرده و با جذب پیام های این فصل احساس موفقیت بکنید که مانند وفوری که به دنبالش هستید از طریق مبداء کیهانی و از طریق من به این صفحات جاری شده است. هیچ اختلافی میان آرزوی من برای نوشتن همه این مطالب و اشتیاقم برای جاری ساختن بدون مانع آن به سوی شما وجود ندارد. از کجا این را می دانم؟ احساس من در این لحظه سعادت غیر قابل توصیف، شادی و احترام است. به این وضعیت حسی اعتماد می کنم که به من نشان می دهد از نیروی کشش شدیدی برای خلق این پیام ها از روح خلاق قصد بهره می گیرم. در هماهنگی ارتعاشی و وفور هستم و احساس موفقیت قصد من است که در این مکان آشکار می شود. این مطلب را در مورد هر چیزی که مایل هستید به وفور در زندگی شما جاری شود ببینید.

قصد را واقعیت خود کنید

برنامه ای در ده گام برای انجام قصد مذکور در این فصل ذکر شده یعنی حس موفقیت و جذب وفور به زندگی:

گام اول: جهان را به شکل مکانی دوستانه، تأمین کننده و در وفور ببینید. وقتی نحوه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نگرش خود را تغییر دهید، چیزهایی که به آنها نگاه می‌کنید تغییر خواهند کرد. وقتی جهان را پُر و دوستانه ببینید مقاصد شما امکان‌پذیر می‌شوند. آنها به واقعیت خواهند پیوست چرا که جهان شما از فرکانس‌های بالاتری تجربه می‌شود. در این گام اول، شما نسبت به جهانی که بیشتر از این که محدود کند تأمین می‌کند، پذیرنده هستید جهانی می‌بینید که می‌خواهد شما موفق و در وفور باشید تا جهانی که بر علیه شما توطئه می‌کند.

گام دوم: تأیید: موفقیت و وفور را به زندگی‌ام جذب می‌کنم چرا که آنها چیزهاییست که من هستم. این کار شما را در هماهنگی ارتعاشی با مبداء می‌آورد. هدف شما حذف هرگونه مسافتی میان آنچه می‌خواهید و آنچه که از آن خواسته کسب می‌کنید، نیست. وفور و موفقیت آنجا منتظر نیستند تا خود را به شما بنمایانند. شما همین الان موفقیت و وفور هستید و مبداء فقط از آن چه که هست می‌تواند به شما بدهد آنچه که خود شما هم هستید.

گام سوم: در حالت پذیرش باشید مقاومت عدم هماهنگی میان خواسته شما برای وفور و باورهای شما درباره توانایی‌تان یا ناشایستگی‌تان است. پذیرفتن یعنی نظم کامل. یک حالت از پذیرش به معنی این است که تلاش‌های دیگران را در جهت تغییر دادن خود نادیده می‌گیرید. همین‌طور به این معنی است که شما بر باورهای قبلی خود که تحت کنترل نفس‌تان بوده درباره وفور به عنوان بخشی از زندگی یا برعکس اتکاء نمی‌کنید. در وضعیت پذیرش مقاومت به شکل افکار منفی یا تردید با شناخت این که با مبداء یکی هستید جایگزین



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌شود. وفوری که آرزو دارید مستقیم به سوی شما جاری شود تصور کنید. هرگونه فکر یا هر چیزی که نظم شما با مبداء را به خطر می‌اندازد رد کنید.

گام چهارم: لحظات فعلی برای فعال کردن افکار هماهنگ با هفت چهره قصد استفاده کنید.

عبارت کلیدی در این قسمت «لحظات حاضر» است. اگر فکر می‌کنید که در این مرحله از زندگی تغییر دادن افکاری که سیستم اعتقادی شما را شکل داده ممکن نیست. همین حالا، در همین لحظه توجه کنید. آیا بر افکاری از این قبیل که یک عمر مضيقه را تأیید و در برابر موفقیت و وفور مقاومت کرده‌اید بطوریکه دیگر زمان کافی برای تراز کردن افکاری که سیستم اعتقادی شما را تشکیل داده ندارید، فایده‌آمده‌اید؟

تصمیم بگیرید که از باورهای قبلی بگذرید و همین حالا شروع به فعال کردن افکاری کنید که به شما حس خوبی می‌دهند. هر زمان کسی خواست به شما بقبولاند که خواسته‌هایتان بیهوده است به خود بگویید، می‌خواهم حس خوبی داشته باشم. هر زمان متوجه شدید که به سوی افکاری با انرژی پایین و ناهماهنگ با قصد روکرده‌اید به خود بگویید، می‌خواهم حس خوبی داشته باشم. به تدریج لحظات فعلی شما افکاری را که به شما حس خوبی می‌دهند فعال خواهد کرد که نشانگر این است که مجدد با قصد پیوند یافته‌اید. خواسته حس خوب مترادف خواسته حس کردن خداست. به خاطر داشته باشید، «خداوند خوب است و هر آنچه که خدا خلق کرده نیز خوب است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام پنجم:

اعمالي را آغاز کنید که از احساس وفور و موفقیت شما حمایت می‌کنند. در اینجا کلمه کلیدی «عمل» است. من آن را عمل کردن به طریقی «مثل اینکه» یا تفکر از انتها و عمل کردن به آن طریق می‌نامم. بدن خود را در حالتی قرار دهید که شما را به طرف وفور و حس موفقیت سوق دهد. طوری نسبت به آن احساسات مشتاقانه عمل کنید که گویی وفور و موفقیتی که به دنبالش هستید، همین حالا و اینجا حاصل شده است. با غریبه‌ها با اشتیاقی در صدایتان حرف بزنید. تلفن را به شیوه‌ای الهام بخش جواب دهید. یک مصاحبه کاری را از جایگاه اعتماد و لذت انجام دهید. کتاب‌هایی را بخوانید که به طور اعجاب‌انگیزی به دستتان رسیده و توجه بسیار به مکالماتی که به نظر می‌رسد که شما را به طرف چیزی جدید می‌خواند به خرج دهید.

گام ششم: به خاطر داشته باشید که کامیابی و موفقیت شما باعث منفعت دیگران هم خواهد شد و هیچ نقصانی متوجه هیچ کس نمی‌شود اگر شما وفور را انتخاب کنید. فرآورده‌های آن نامحدود است. هر چه بیشتر در سخاوت کیهانی اشتراک داشته باشید، چیز بیشتری برای اشتراک با دیگران خواهید داشت. در نوشتن این کتاب، وفور شگفت‌آوری به طرق مختلف به زندگی من سرازیر شد. اما از آن مهم‌تر ناشرین کتاب، طراحان، راننده کامیونی که کتابها را تحویل داد، خودروسازی که کامیون را ساخته بود، مزرعه‌دارها که به کارگران غذا می‌رساندند، کارمندان کتابفروشی همه وفور زیادی دریافت کردند چرا که من از پی سعادت رفته و این کتاب را نوشتم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام هفتم: احساسات خود را به عنوان سیستم راهنمایی جهت پیوند با ذهن کیهانی قصد مشخص کنید.

احساسات قوی چون اشتیاق و سعادت نمایانگر اتصال شما با روح یا اگر بخواهید الهام هستند. وقتی الهام بگیرید نیروهای خفته را فعال می‌کنید و وفور به هر شکلی که جستجو کرده باشید به زندگی شما سرازیر می‌شود. وقتی احساساتی از انرژی پایین چون شهوت، خشم، نفرت، عصبیت، ناامیدی و مشابه آن تجربه کنید، کلیدیست تا بدانید زمانی که آرزوهای شما باید قدرت بگیرند، کاملاً خارج از تناسب دامنه قصد شده‌اند. در این لحظات به خود یادآوری کنید که می‌خواهید حس خوبی داشته باشید و ببینید آیا می‌توانید فکری که پشتیبان حس خوب شما باشد فعال کنید.

گام هشتم: همان قدر با وفور خود نسبت به جهان سخاوتمند باشید که دامنه قصد با شما با چنگ زدن یا صاحب شدن آنچه که دریافت کرده‌اید جریان انرژی وفور را متوقف نکنید. بگذارید در حرکت باشد. از کامیابی خود برای خدمت به دیگران و دلایلی بزرگتر از نفس خود استفاده کنید. هر چه عدم وابستگی را بیشتر تمرین کنید در هماهنگی ارتعاشی بیشتری با مبداء خواهید بود.

گام نهم: زمان لازم را وقف مراقبه بر روح درون به عنوان منبع وفور و موفقیت خود کنید.

هیچ جایگزینی برای تمرین مراقبه وجود ندارد. این امر به طور خاصی با وفور ارتباط دارد. باید از اینکه آگاهی شما از حضور مبداء شماست اطلاع حاصل کنید. با تکرار صوتی که در نام خداوند است به صورت یک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مانترا از فني براي آشكارسازي استفاده مي‌كنيد كه به اندازه تاريخ نگاهشته شده قديم است. من به شكل مراقبه‌اي كه قبل از توضيح دادم كه جاپا نام دارد بسيار اعتقاد دارم و مي‌دانم كه كاربر است.

گام دهم: حالت سپاسگزاري را براي هر آنچه كه در زندگي‌تان آشكار مي‌شود توسعه دهيد. حتي اگر آنچه خواسته‌ايد هنوز دريافت نشده باز هم سپاسگزار و پر از احترام و قدرداني باشيد. حتي به تيره‌ترين روزهاي زندگي با سپاس نگاه كنيد. هر چه كه از مبداء مي‌رسد بر مبناي هدي استوار است. در حالي كه اتصال مجدد خود را به آن شكلي كه شما و هر چيز ديگري كه از آن ناشي شده نپرو مي‌بخشد سپاسگزار باشيد.

انرژي كه جهان‌ها و كيهان‌ها را خلق مي‌كند درون شماست. از طريق جاذبه و انرژي كار مي‌كند. هر چيزي در حال ارتعاش است، همه چيز از فرکانس ارتعاش برخوردار است. همان طور كه سنت پل گفت: «خداوند قادر است با هر برکتی شما را در وفور غرق كند.» با فرکانس خداوند هماهنگ باشيد و اين مسأله را فراتر از هر چيز و بدون هيچ گونه شكی خواهيد فهميد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل یازدهم

قصد من این است: زندگی بدون تنش و آرامی داشته باشم.
«اضطراب علامت ناامنی معنوی است.»

توماس مرتون

«تا زمانی که در اعماق قلبمان اعتقاد داشته باشیم که توانایی ما محدود است، مضطرب و بدبخت خواهیم بود. یعنی ایمان کافی نداریم. آنکه به خداوند اعتماد می‌کند حق مضطرب شدن درباره هیچ چیز را ندارد.»

پاراما هانسا یوگاتاندا

انجام قصد برای زندگی بی‌تنش و آرام راهی برای آشکاری بزرگترین تقدیر شماست. به نظر من آنچه مبداء به هنگام قصد کردن ما به این جهان در ذهن داشته، تجارب لذتبخش و شادی‌آور روی زمین بوده است. وقتی در وضعیت شادی و خوشی هستید به شادی بدون داوری، پرسعادت، خلاق و نابی‌رو کرده‌اید که قصد است. وضعیت طبیعی شما وضعیتی که از آن خلق شدید احساس راحتی و رفاه است. این فصل به بازگشت و دستیابی شما به این وضعیت طبیعی اختصاص دارد.

شما از مبدائی خلق شده‌اید که لبریز از صلح و شادیست. وقتی در آن وضعیت از شادی فراوان قرار می‌گیرید با همه چیز در صلح هستید. این چیز است که با قصدش به اینجا آمدید و چیزی که باید در افکارتان، احساساتان و اعمالتان با آن هماهنگ شوید. در وضعیت شادی احساس تکامل و الهام در تمامی اشکال زندگی می‌کنید. به طور خلاصه، خلاص شدن از اضطراب و تنش جاده‌ای به سوی پیوند با دامنه قصد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

است. لحظاتی از زندگی که در آن‌ها شاد و خوشحال هستید و زندگی را کامل و بر مبنای هدفی سپری می‌کنید، اوقاتی هستند که با ذهن کیهانی قصد وحدت یافته‌اید. هیچ‌چیز طبیعی‌ای درباره زندگی کردن در تنش و اضطراب، ناامید و افسردگی و نیاز به داروهای آرام‌بخش وجود ندارد. افکار اضطراب‌آور که منجر به بالا رفتن فشار خون، عصبیت در ناحیه شکم، احساس مداوم ناراحتی، عدم توانایی برای وانهادگی و خواب و نمایان شدن ناخشنودی و خشم چیزهایی هستند که به وضعیت طبیعی شما تجاوز می‌کنند. باور کنید یا نکنید شما توانایی ایجاد طبیعی زندگی بدون تنش و آرام را دارید. می‌توانید از این نیرو برای جذب عجز و ناتوانی یا شادی اضطراب یا آرامش استفاده کنید. وقتی با هفت چهره قصد هماهنگ هستید، می‌توانید به مبداء در جهت برآورده ساختن مقاصدتان برای رهایی از تنش و کسب آرامش دست یابید.

پس اگر داشتن حس راحتی چیزی طبیعی است چرا «خوب نبودن» و تنش زیاد حس می‌کنیم؟ پاسخ این سؤال کلید راهبر به زندگی پر از آرامشی را که می‌خواهید به شما خواهد داد.

تنش خواسته نفس است

زمانی که در حالت اضطراب و تنش هستید، نفس مزاحم مشغول به کار است. شاید نفس شما احساس مؤثرتری در انجام و نسخه‌برداری با تنش می‌کند چرا که باعث می‌شود فکر کنید واقعاً به انجام کاری در جهان مشغول هستید. شاید عادت است، سنت، یا اعتقاد به اینکه راهی درست است. فقط شما هستید که می‌توانید پاسخ این چرا را پیدا کنید اما حقیقت این



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

است که تنش آشناست و آرامش نا آشنا پس نفس تنش را برمی‌گزیند.

اما اضطراب و تنش واقعی‌ای در جهان وجود ندارد، افکار شماست که این باورهای غلط را خلق می‌کند. نمی‌توانید تنش را بسته‌بندی کنید، لمس کنید، یا ببینید. فقط مردمانی هستند که درگیر افکار پر تنش اند. وقتی پرتنش فکر می‌کنیم، بازتاب‌هایی در جسم ایجاد می‌کنیم، پیام‌های با ارزش یا علائم نیاز به توجه ما دارند. این پیام‌ها خود را به شکل تهوع، فشار خون بالا، تنش در ناحیه شکم، سوء هاضمه، زخم، سردرد، تپش قلب، اختلال تنفسی و هزاران احساس دیگر، از عدم راحتی جزئی تا موارد جدی تا به بیماری‌های تهدید کننده زندگی آشکار می‌کنند.

طوری راجع به تنش حرف می‌زنیم مثل اینکه به صورت چیزی مهاجم به سوی ما در دنیا حضور دارد. حرف‌هایی می‌زنیم مانند، دچار حمله یا اضطراب شده‌ام مثل اینکه اضطراب یک مبارز است: اما تنش در بدن شما به ندرت ناشی از نیروهای بیرونی یا ماهیت‌های مهاجم است که نتیجه ضعف اتصال با قصد است که از اعتقاد به این که نفس خود هستید ناشی می‌شود. شما صلح و خوشی هستید اما اجازه داده‌اید که نفس بر شما سلطه داشته باشد. اینجا فهرست کوتاهی از افکار تنش‌آور که از نفس ناشی می‌شود ذکر شده است.

– درست بودن از شاد بودن مهم‌تر است.

– بُرد تنها راه است. وقتی می‌بازید باید مضطرب باشید.

– آبروی شما مهم‌تر از رابطه‌تان با مبداء است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

– موفقیت با دلار و انباشتن اندازه‌گیری می‌شود نه با احساس شادی و خشنودی.

– برتری داشتن به دیگران مهم‌تر از مهربانی با آن‌هاست.

راه امیدوار کننده زیر برای متوقف ساختن این موضوع از کتابی نوشته شده بوسیله (روزاموند و بنژامین زاندر، رهبر ارکستر فیلارمونیک بوستون) است تحت عنوان (هنر ممکن بودن).

کتاب توضیح می‌دهد که چگونه اجازه می‌دهیم نفس مشکلاتی ایجاد کند که بر آن‌ها برچسب اضطراب و تنش زده‌ایم.

نخست وزیران در اتاقی نشسته و درباره امور مملکت بحث می‌کنند. ناگهان مردی سگته‌ای و عصبانی، در حالی که فریاد می‌زند وارد اتاق می‌شود و به شدت مشت خود را بر نیمکت می‌کوبد. نخست وزیر میزبان او را نصیحت می‌کند: «می‌گوید» پیتز لطفاً قانون شماره ۶ را بیاد بیاور.» که پیتز بلافاصله آرامش کامل یافته، عذرخواهی کرده، عقب می‌کشد. سیاستمدارها سر بحث خود بر می‌گردند، درست بیست دقیقه بعد زن هیستریکی با اشاره سر و دست و با موهای بر آشفته بحث را قطع می‌کند. دوباره به مزاحم این‌طور سلام داده می‌شود! «ماری، قانون شماره ۶ را به یاد بیاور.» یک بار دیگر آرامش کامل حاکم می‌شود و زن نیز با تعظیم و عذرخواهی بیرون می‌رود. وقتی صحنه برای سومین بار تکرار می‌شود، نخست وزیر مهمان به همکارش اشاره کرده می‌گوید! «دوست عزیز من، چیزهای زیادی در زندگی دیده‌ام اما هیچ‌کدام هرگز به این اندازه قابل ملاحظه نبوده‌اند. آیا دوست دارید راز قانون شماره ۶ را با من در میان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بگذارید؟ نخست وزیر میزبان پاسخ می‌دهد:
«خیلی ساده است، قانون شماره ۶ این است.
فکر نکن گه بزرگی هستی. مهمان می‌گوید:
«قانون خوبی است.» بعد از چند دقیقه مکث
می‌گوید: و آیا قوانین دیگری هم هست.
پاسخ می‌گیرد: «خیر»

وقتی در زندگی با تنش، فشار، اضطراب
مواجه می‌شوید قانون شماره ۶ را در لحظه‌ای که
فهمیدید فکر تنش‌آوری در سر دارید به یاد
بیاورید.

با توجه و ممانعت از گفتگوی درونی که
باعث تنش شده می‌توانید از علائم فیزیکی آن
جلوگیری کنید. افکار درونی تولید کننده تنش
چه هستند؟ از دیگران مهم‌ترم. توقعات ام
برآورده نشده است. من خیلی مهم‌ام نباید صبر
کنم. من اینجا مشتری هستم و تقاضای توجه
دارم. هیچ‌کس مثل من تحت فشار نیست. همه
موارد فوق همراه با مقدار بی‌پایانی از
موارد مربوط به قانون شماره ۶ از کیسه
حقیقه‌های نفس بیرون می‌آیند.

شما کارتان نیستید، کمالاتان نیستید،
دارائی‌تان، منزلتان، خانواده‌تان نیستید.
هیچ چیز نیستید. جنبه‌ای از نیروی قصد ملبس
به جسم فیزیکی انسان قصد شده جهت تجربه و
لذت بردن از زندگی بر روی زمین هستید. قصد
است که می‌خواهید به حضور تنش در آورید.
آوردن قصد به حضور تنش. هر روز صدها
فرصت برای بکارگیری «قانون شماره ۶» با
آوردن نیروی قصد به لحظه و حذف امکان تنش
دارید. اینجا چند نمونه از نحوه بکارگیری این
استراتژی توسط خودم را ذکر می‌کنم. در هر یک
از این مثال‌ها، من یک فکر درونی را که در
ارتعاش هماهنگ با دامنه قصد کیهانی بود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فعال کردم و قصد شخصی‌ام را برای آرام بودن توسط آن اعمال کردم. این نمونه‌ها در سه ساعت از یک روز اتفاق افتاد. آن‌ها را به شما می‌گویم تا یادآوری کنم که تنش و اضطراب شیوه‌هایی هستند که برای روند حوادث انتخاب می‌کنیم تا اینکه ماهیت‌هایی باشند که آن بیرون انتظار می‌کشند که به زندگی ما حمله‌ور شوند.

– من برای پیچیدن نسخه‌ای در داروخانه هستم و شخص جلوی من در حال صحبت کردن با دکتر داروساز است و سؤال‌های بی‌معنی‌ای از او می‌پرسد که نفس تنش زای من مدام به من می‌گوید آن شخص عمداً برای به تأخیر انداختن و آزار من این کار را می‌کند. گفتگوی درونی من باید این طور باشد: دارم مورد آزار و اذیت واقع می‌شوم. همیشه در صف یک نفر جلوی من است که با پول دنبال چیز است که نمی‌تواند بفهمد چه چیزی برای شرکت در نوعی از بیمه لازم است و باید سؤال‌های احمقانه‌ای برای مانع از پیچیدن نسخه من طرح کند.

من از افکاری برای عوض کردن گفتگوی درونی‌ام استفاده نکردم: وین فکر نکن که بزرگی هستی! فوری حالت را از دغوری به سعادت تغییر می‌دادم. تمرکز را از خود برداشته و هم زمان مقاومت را از قصدم برای زندگی آرام و بدون تنش برداشتم. حالا آن شخص را مانند فرشته‌ای در جلو صف می‌دیدم که برای کمک به من جهت اتصال دوباره با قصد ایستاده است. دیگر قضاوت نمی‌کردم و در آرامش و به آرامی زیبایی را می‌دیدم. من در ذهن‌ام نسبت به این فرشته مهربان هستم. در افکارم از خصومت به عشق تغییر حالت می‌دادم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و احساسم از عدم راحتی به راحتی تغییر می‌کرد. در چنین لحظه‌ای تنش غیر ممکن می‌شود. دختر هفده ساله‌ام درباره عدم توافق‌اش با مسئولین مدرسه که کارهایی علیه برخی از دوستانش انجام داده بودند تعریف کرد، عملی که به نظر او غیر منصفانه آمده بود. شبه صبح است و تا دوشنبه کاری نمی‌شود کرد. گفتم می‌تواند انتخاب کند: گذراندن دو روز در ناراحتی و مرور جزئیات داستان و داشتن یک آخر هفته با تنش درونی یا یادآوری چگونگی تغییر افکاری که به او حس خوبی بدهد. از او خواستم احساساتش را توصیف کند. او گفت که عصبانی نیست. ناراحت و لطمه خورده است. «از او خواستم که درباره قانون شماره ۶ فکر کند و ببیند آیا فکر دیگری هست که بتواند آن را فعال کند. او می‌خندید و گفت که چقدر دیوانه‌ام اما پذیرفت.» واقعاً احمقانه است که تمام آخر هفته را ناراحت باشم افکاری را که باعث ناراحتی ام می‌شود متوقف خواهم کرد. به او گفتم، «دوشنبه هر کاری برای درست کردن وضعیت لازم باشد انجام می‌دهیم.» اما حالا و حالا تنها چیزیست که دارد، قانون شماره ۶ را بکار بگیرد و به دامنه قصد بپیوندد جایی که تنش، اضطراب و فشار وجود ندارد.»

برای بکارگیری قصد مذکور در این فصل، زندگی آرام و بدون تنش باید از نیاز فعال کردن افکار هماهنگ با قصد آگاه باشید. این پاسخ‌های جدید عادت می‌شوند و جای عادت‌های قدیم پاسخ در شیوه‌های تنش‌زا را می‌گیرند. وقتی اجزاء حوادث تولیدکننده تنش را بررسی کنید همیشه به گزینه‌ای بر می‌خورید: آیا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

افكاري كه باعث تنش ميشود نگه دارم يا افكاري را فعال كنم كه تنش را از بين ميبرد؟ اينجا وسيله ساده ديگري هست كه به شما در جاگزيني عادت انتخاب اضطراب و تنش كمك خواهد كرد. پنج كلمه جادويي: ميخواهم حس خوبي داشته باشم. در فصل قبل، توضيح دادم كه چگونه احساسات شما سيستم راهنماي اطلاع رساني است از اين كه آيا در مقابل قصد ايجاد مقاومت ميكنيد يا خير. حس بد باعث ميشود بدانيد كه از قصد جدا هستيد. اينجا قصد شما آرامش و آزادي از تنش است. وقتي حس خوبي ميكنيد بدون توجه به اينكه دوروبرتان چه ميگذرد و يا ديگران انتظار چه حسي از شما دارند به قصد وصل هستيد. اگر جنگي در راه باشد، باز مي توانيد گزينه داشتن حس خوب را انتخاب كنيد. اگر وضع اقتصادي خرابتر شود باز مي توانيد گزينه حس خوب را انتخاب كنيد. در بروز هر حادثه اي باز مي توانيد حس خوبي داشته باشيد. حس خوب نشانگر اين نيست كه شما بي عاطفه، بي تفاوت يا بي رحم هستيد، اين فقط يك انتخاب است. بلند تكرر كنيد: ميخواهم حس خوبي داشته باشم! سپس بگوييد: قصد ميكنم كه حس خوبي داشته باشم تنش را حس كنيد، سپس عشق و احترام هفت چهره قصد را به طرف آن بفرستيد.

هفت چهره لبخند زده و سلامي به آنچه شما بر چسب حس بد زده ايد ميكنند. آن حس است كه ميخواهد حس خوبي داشته باشد. در جهت خنثي كردن خواسته هاي نفس، بايد نسبت به احساساتتان طوري باشيد كه مبداء با شماست. حوادث زيادي ممكن است رخ دهد كه پاسخ شرطي شده شما نسبت به آن حس بد باشد. از اين حوادث بيروني آگاه باشيد و پنج كلمه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جادویی را تکرار کنید: می‌خواهم حس خوبی داشته باشم. در آن لحظه حساس از خود بپرسید آیا داشتن حس بد می‌تواند اوضاع را بهتر کند. در خواهید یافت که تنها دستاورد حس بد در پاسخ به وضعیت‌های بیرونی، بردن شما به سوی اضطراب، ناامیدی، افسردگی و مسلماً تنش است. در عوض، در آن لحظه چه فکری می‌توانید بکنید که باعث شود حس خوبی داشته باشید. وقتی بفهمید که با مهربانی و عشق به حس بد پاسخ می‌دهد (که با غرق شدن در آن کاملاً متفاوت است) تغییر در وضعیت حسی خود را تجربه می‌کنید. حالا در ارتعاش هماهنگی با مبدا قرار دارید چرا که نیروی قصد فقط آرامش، مهربانی و عشق را می‌شناسد.

این فکر جدیداً فعال شده که باعث می‌شود حس خوبی داشته باشید ممکن است فقط چند لحظه پایدار باشد و شما به شیوه قبلی پیش بردن حوادث نامطبوع برگردید. ضمناً به شیوه قدیمی هم با احترام، عشق و درک نگاه کنید اما به خاطر داشته باشید این نفس شماست که سعی می‌کند شما را از ادراکش نسبت به خطر حمایت کند. هر علامت تنشی راهی برای هشدار دادن به شما برای تکرار پنج کلمه جادویی «می‌خواهم حس خوبی داشته باشم» است. تنش محتاج توجه شماست. با گفتن پنج کلمه جادویی و ارسال عشق به احساسات بدتان شما آغاز به روند بکارگیری قصد برای آرامش و رهایی از تنش می‌کنید. حالا می‌توانید فعال کردن این افکار را در دشوارترین لحظات تمرین کنید و زود پیام ارائه شده به ما در کتاب ایوب را حس خواهید کرد: «راجع به موضوعی تصمیم خواهید گرفت و آن برای شما اتفاق خواهد افتاد و نور در راهتان خواهد درخشید»



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(ایوب ۲۸:۲۲). کلمه نور در این مرجع انجیلی به معنی این است که وقتی تصمیمی متناسب با نور بگیرید از کمک ذهني الهي قصد برخوردار خواهید شد.

به شما اطمینان می‌دهم که تصمیم شما به داشتن حس خوب راهی برای پیوند با روح است. این پاسخ بی‌تفاوتی به حوادث نیست. با داشتن حس خوب شما وسیله‌ای برای آرامش می‌شوید و از طریق این کانال است که مشکلات را ریشه کن می‌کنید. با حس بد، در دامنه انرژی‌ای می‌مانید که در مقابل تغییر مثبت ایجاد مقاومت می‌کند و به عنوان یک عارضه تجربه‌ای پر تنش و وضعیتی اضطراب‌آور خواهید داشت. چیزهایی که شما مشکل می‌نامید همیشه خود را به شما نشان خواهند داد. هرگز دور نمی‌شوند. یکی را حل کنید. دیگر پدیدار می‌شود! هرگز تمام نخواهند شد.

در فصل ششم، طبیعت لایتناهی را به شما یادآوری کردم. از آنجا که شما موجود معنوی نامحدودی در لباس مبدل انسانی موقتی هستید ضروری است که بدانید در ابدیت نه آغاز و نه پایانی هست. بنابراین، خواسته‌ها، اهداف، امیدها و رویاهای شما هرگز پایانی نخواهد داشت! به محض بر آورده شدن یکی از رویاهایتان به یقین رویای دیگری ظاهر خواهد شد. طبیعت نیروی جهانی قصد چیزی که از آن به موجودیت مادی موقتی مهاجرت کردید همیشه در حال ایجاد و پیش بردن است. به علاوه، در وضعیت توسعه ممتد است. برآورده شدن آرزوهایتان بخشی از این طبیعت لایتناهی است حتی اگر آرزو کنید که آرزویی نداشته باشید، این خود یک آرزوست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به شما می‌گویم که این حقیقت را بپذیرید که هرگز همه آن‌ها برآورده نخواهد شد و از همین حالا در لحظه زندگی کنید. راز از بین بردن تأثیرات مضر احساس تنش و فشار زندگی در لحظه است. بلند برای خود و آن‌هایی که مایل به گوش کردن هستند تکرار کنید: من یک موجود ناکامل هستم. همیشه ناکامل بودم چون هرگز نمی‌توانم همه چیز را با هم انجام دهم. پس انتخاب می‌کنم که در لحظه حس خوبی داشته باشم و برآورده شدن آرزوهایم را به طرف زندگی جذب کنم. در ناکاملی کامل هستم. به شما اطمینان می‌دهم که استمرار این تمرین اضطراب و تنش را که دقیقاً منظور این فصل است از بین می‌برد. وقتی بتوانید در ناکاملی احساس کمال کنید تمام مقاومت از بین می‌رود.

مسیر کم‌ترین میزان مقاومت

در جهانی زندگی می‌کنید که امکانات نامحدودی برای ساختار شادی در روند خلقت دارد. مبداء شما، که ما آن را ذهن کیهانی قصد می‌نامیم و رای آنچه بتوانید تصور کنید شما را می‌پرستد. وقتی خود را به همان نسبت بستایید با دامنه قصد هماهنگ هستید و برای مسیر عدم مقاومت انتخاب شده‌اید. تا زمانی که حتی ذره‌ای از نفس در شما باقی باشد مقداری مقاومت خواهید داشت بنابراین توصیه می‌کنم مسیری را برگزینید که حداقل مقاومت را دارا باشد.

شکل و کمیت افکار شما مقاومت را تعیین می‌کند. افکاری که حس بد ایجاد می‌کنند افکار مقاومت هستند. هر فکری که مانعی میان آنچه که مایل به داشتن آن هستید و توانایی شما در جذب آن به زندگی‌تان ایجاد کند مقاومت است. قصد شما یک زندگی آرام و خالی از تنش و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اضطراب است. می‌دانید که در جهان تنش نیست و فقط مردم هستند که فکرهای تنش‌زا می‌کنند. فکرهای تنش‌زا به خودی خود شکلی از مقاومت هستند. شما نمی‌خواهید که افکار مقاوم و پرتنش بازتاب شیوه رفتاری شما نسبت به جهان باشد. با تمرین افکاری با حداقل مقاومت خود را برای شیوه طبیعی بازتاب تعلیم می‌دهید و به تدریج به انسان آرامی که می‌خواهید تبدیل می‌شوید. یک شخص خالی از تنش، رها از «رنج» رنجی که تنش وارد جسم می‌کند. افکار تنش‌زا مقاومتی هستند که شما ایجاد می‌کنید و مانع پیوند شما با نیروی قصد می‌شوند.

ما در جهانی هستیم که دلایلی ارائه داده و اضطراب را تبلیغ می‌کند. و شما یاد گرفته‌اید که داشتن حس خوب در جهانی پر از رنج رفتاری غیر اخلاقی است.

شما متقاعد شده‌اید که داشتن حس خوب در شرایط اقتصادی بد، در زمان جنگ، در زمان‌های عدم قاطعیت یا مرگ، یا در رویارویی با هر مصیبتی در هر نقطه‌ای از دنیا ناشایست و خشن است. از آنجا که این شرایط همیشه در جاهایی از جهان وجود دارد پس بر این باور می‌مانید که چطور می‌شود شادی کرد و آدم خوبی بود. اما شاید ندانید که در جهانی استوار بر پایه انرژی و جاذبه افکاری که باعث حس بد می‌شوند در همان منبع انرژی جوانه می‌زنند که مقدار بیشتری از آن را به زندگی شما وارد می‌کند. این‌ها افکار مقاومت هستند.

اینجا چند نمونه از جملاتی در مسیر مقاومت آورده شد که با جملاتی در مسیری با حداقل مقاومت جایگزین شده‌اند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

من از وضعیت اقتصادی ناراحت هستم .
کلی پول از دست داده ام .
من در جهانی از نور زندگی می‌کنم ، ترجیح
می‌دهم درباره آنچه که دارم فکر کنم و به
این شکل خوب خواهم بود . جهان تأمین خواهد
کرد .
خیلی کارها هست که باید انجام دهم این
قدر که پایانی ندارد .
در این لحظه آرام هستم . فقط در مورد
کاری که انجام می‌دهم فکر می‌کنم . افکار
آرام بخش خواهم داشت .
هرگز در این شغل ترقی نخواهم کرد .
من از آنچه که هم اکنون انجام می‌دهم
قدردانی می‌کنم و فرصت بزرگتری بدست خواهم
آورد .
سلامتی من مشکل بزرگی است . نگران پیری ،
احتیاج و مریضی هستم .
من سالم هستم و سالم فکر می‌کنم . در جهانی
زندگی می‌کنم که درمان جذب می‌کند و بیماری
را پیش‌بینی نمی‌کنم .
اعضاء خانواده ام در من حس اضطراب و ترس
ایجاد می‌کنند .
افکاری انتخاب می‌کنم که حس خوبی به من
می‌دهند و این به من کمک خواهد کرد که
اعضاء خانواده را در زمان لازم تعالی بخشم .
به جهانی نیامده ام که همه در آن یک تجربه
مشترک داشته باشند . من حس خوب خواهم داشت و
با تعالی یافتن ، به از بین بردن بعضی از
رنج‌ها کمک خواهم کرد .
نمی‌توانم خوشحال باشم وقتی کسی را که واقعاً
دوست دارم مرا ترک کرده و دیگری را دوست
دارد .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حس بد این سناریو را عوض نخواهد کرد. مطمئن هستم که اگر با منشاء عشق هماهنگ باشم عشق به زندگی برخواهد گشت. داشتن این حس خوب را انتخاب می‌کنم و به آن چیزی که دارم متمرکز می‌شوم نه آنچه از دست داده‌ام. تمام افکار تنش‌زا شکلی از مقاومت که مایل به از بین بردن آن هستید ایجاد می‌کنند. با بررسی احساساتان و انتخاب شادی به جای اضطراب افکارتان را تغییر بدهید، به نیروی قصد دست خواهید یافت.

قصد را واقعیت خود نمایند

برنامه ده گامی برای ایجاد زندگی آرام و خالی از تنش.

گام اول: به خاطر داشته باشید که وضعیت طبیعی شما شادی است.

شما محصول شادی و عشق هستید، طبیعی است که این احساس‌ها را تجربه کنید. شما باور کرده‌اید که حس بد، اضطراب یا حتی افسردگی طبیعی هستند به خصوص وقتی که مردم و حوادث اطرافتان در حالت‌های انرژی پایین هستند.

هر چقدر که لازم است به خود یادآوری کنید: از شادی و آرامش آمده‌ام.

باید با آنچه از آن برای برآورده ساختن خواسته‌ها و رویاهای آمده‌ام هماهنگ باشم. انتخاب می‌کنم که در وضعیت طبیعی‌ام بمانم. هر وقت که مضطرب، پرتنش، افسرده، یا ترسیده باشم از حالت طبیعی خارج شده‌ام.

گام دوم: افکار شماست که باعث تنش می‌شود نه جهان.

افکار شما بازتاب‌های تنش‌زا را در جسدتان فعال می‌کنند. افکار تنش‌زا در برابر شادی، خوشحالی و وفوری که مایلید در زندگی داشته باشید ایجاد مقاومت می‌کنند. این افکار شامل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

موارد زیر می‌شود: نمی‌توانم، خیلی کار کرده‌ام، نگرانم، می‌ترسم، لیاقت ندارم. هرگز اتفاق نمی‌افتد، به حد کافی خوش تیپ نیستم، خیلی پیرم، و غیره. این افکار مانند برنامه‌ای برای مقاومت در برابر آرامش و رهایی از تنش است و مانع برآورده شدن آرزوهای شما می‌شوند.

گام سوم: می‌توانید افکار تنش‌زا را در هر لحظه تغییر دهید و اضطراب را برای لحظات بعد یا حتی ساعت و روزها از بین ببرید. با یک تصمیم‌گیری آگاهانه برای رها کردن خود از نگرانی شروع به روند کاهش تنش می‌کنید در حالی که همزمان به دامنه خلاق قصد متصل شده اید. از این جایگاه آرامش است که همکار خدا می‌شوید. نمی‌توانید به مبداء متصل شوید و در همان زمان دچار تنش باشید. این به طور چند جانبه‌ای انحصاریست. مبداء شما از وضعیت اضطراب خلق نمی‌کند و نه نیازی به بلعیدن قرص‌های ضد افسردگی دارد. وقتی در لحظه حاضر به حذف افکار تنش‌زا نمی‌شوید از توانایی خود برای برآورده ساختن آرزوهایتان عقب می‌مانید.

گام چهارم: افکار تنش‌زای خود را با آزمودن وضعیت حسی خود در این لحظه مشخص کنید.

این سؤال کلیدی را از خود بپرسید: آیا الان حس خوبی دارم؟ اگر پاسخ نه است پنج کلمه جادویی را تکرار کنید: می‌خواهم حس خوبی داشته باشم و سپس: قصد می‌کنم حس خوبی داشته باشم. احساسات خود را بررسی کنید و ببینید چه اندازه افکار تنش‌زا و اضطراب‌آور در آنهاست. روند کنترل باعث می‌شود بدانید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

که آیا در مسیری از حداقل مقاومت هستید یا در جهت دیگر حرکت می‌کنید.

گام پنجم: انتخاب آگاهانه‌ای در گزیدن فکری برای فعال کردن حس خوب نمایید. توصیه می‌کنم سوژه فکری خود را بر مبنای حسی که به شما می‌دهد انتخاب کنید نه بر مبنای عمومیت یا تبلیغ خوبی که روی آن شده است. از خود بپرسید: آیا این فکر جدید حس خوبی به من خواهد داد؟ نه؟ خوب این یکی چطور؟ نه کاملاً؟ فکر دیگری هم هست. بالاخره فکری که حس خوبی به شما بدهد پیدا می‌کنید اگر چه آن حس موقتی باشد. انتخاب شما باید فکری از یک غروب زیبا، حالت چهره کسی که دوستاش دارید یا یک تجربه تکان دهنده باشد. تنها چیز مهم این است که درون شما از لحاظ حسی و فیزیکی احساس خوبی ایجاد کند.

در لحظه تجربه یک فکر اضطراب‌آور یا تنش‌زا، فکرتان را به چیزی که حس خوبی ایجاد کند تغییر دهید. به آن چنگ بیندازید. اگر می‌توانید به آن فکر کرده و در جسم خود احساسش کنید. فکر جدید که باعث می‌شود حس خوبی بکنید باید به جای فکری تنزل یافته فکری از سپاس و قدردانی باشد. باید از عشق، زیبایی، پذیرش شادی یا به عبارت دیگر به طور کامل با هفت چهره قصد که از اول کتاب راجع به آن‌ها بحث کرده‌ام هماهنگ باشد.

گام ششم: مدتی زمان صرف نگاه کردن به نوزادان بکنید و عهد کنید که شادی آن‌ها را سرمشق خود قرار دهید.

شما برای رنج کشیدن، مضطرب بودن، ترسیدن، تنش یا افسردگی به این جهان نیامده‌اید. شما از آگاهی خداوند، از شادی آمده‌اید. به نوزادان نگاه کنید. آن‌ها کاری برای شاد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بودن انجام نمی‌دهند. کار نمی‌کنند آن‌ها جای‌شان را خراب می‌کنند و هیچ هدفی جز توسعه، رشد و کشف این جهان شگفت‌انگیز ندارند. آن‌ها همه را دوست دارند. کاملاً با یک بطری پلاستیکی یا چهره‌های مضحک سرگرم می‌شوند و در وضعیت دائمی عشق قرار دارند: دندان ندارند، مو ندارند، چاق و چله هستند و گاز در معده‌شان جمع می‌شود. چطور می‌توانند پر از شادی باشند و به سادگی خوشحال شوند؟ چون هنوز با مبدا که آن‌ها را به اینجا قصد کرده هماهنگ هستند، در برابر شاد بودن هیچ مقاومتی ندارند. برای شاد بودن به حالت کودکی برگردید. برای خوشحال بودن نیاز به دلیل ندارید... خواست شما کافیست.

گام هفتم: قانون شماره ۶ را در ذهن خود داشته باشید.

یعنی خواسته‌های نفس را که شما را از قصد جدا نگه می‌دارد از خود دور کنید. وقتی از دو حالت درست بودن و مهربان بودن یکی را باید برگزینند. گزینه مهربانی را انتخاب کنید و خواست نفس را از سر راه بردارید. مهربانی چیز است که از آن به وجود آمده‌اید و با تمرین آن بیشتر از اینکه درست باشید، امکان تنش را در لحظه مهربانی حذف می‌کنید. وقتی در برابر کسی احساس بی‌قراری می‌کنید به سادگی قانون شماره ۶ را به یاد بیاورید و بلافاصله به نفس کوچک بی‌مقدار که می‌خواهد شما اولین، سریع‌ترین و شماره یک باشید و بهتر از دیگران با شما رفتار شود خواهید خندید.

گام هشتم: راهنمایی منبع قصد را بپذیرید. شما تنها زمانی پدر را خواهید شناخت که مثل او باشید. تنها زمانی به راهنمایی دامنه قصد دست می‌یابید که مانند آن باشید. تنش،



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اضطراب و افسردگی با کمک نیرویی که شما را خلق کرد از میان برداشته خواهد شد. اگر قادر است که از هیچ خلق کند به یقین از بین بردن مقداری تنش کار سختی برای آن نیست. من اعتقاد دارم که خواست خداوند این است که نه تنها شادی را بشناسید بلکه خود آن باشید.

گام نهم: سکوت و مراقبه را تمرین کنید. هیچ چیز مانند سکوت و مراقبه تنش، افسردگی، اضطراب و تمامی اشکال حسی انرژی پایین را از بین نمی‌برد. اینجا، تمامی آگاهانه با منبع ایجاد کرده و رشته پیوند خود با قصد را پاکسازی می‌کنید. هر روز لحظاتی را برای تعمق خاموش صرف کنید و مراقبه را جزیی از برنامه کاهش تنش خود قرار دهید.

گام دهم: در حالت سپاس و قدردانی بمانید. برای هر چه که دارید، هر چه که هست و هر چه که مشاهده می‌کنید سپاسگزار باشید. قدرشناسی دهمین گام از هر برنامه ده گامی در جهت آشکاري مقاصد شماست چون مطمئن‌ترین راه برای متوقف ساختن گفتگوی درونی است که شما را از شادی و تکامل مبداء دور نگاه می‌دارد.

این فصل را در رابطه با قصد برای زندگی آرام با شعری از شاعر مشهور بنگالی از کلکته رابیندرانات تاگور یکی از معلمین معنوی مورد علاقه ام تمام می‌کنم:

خوابیدم و در رویا دیدم که زندگی شادی بود.

بیدار شدم و دیدم که زندگی خدمت بود.
عمل کردم و دیدم که خدمت شادی بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تمام جهان درون شما می‌تواند شادی باشد
بجوابید و شادی را خیال کنید و به خاطر
داشته باشید که شما حس خوبی دارید نه به
خاطر این که جهان درست است بلکه جهان شما
درست است چون شما حس خوبی دارید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل دوازدهم

قصه من این است:

مردم ایده‌آل و روابط الهی جذب کنم... لحظه‌ای که کسی با خود عهده می‌بندد، مشیت الهی نیز به حرکت در می‌آید همه نوع اتفاقی برای کمک به او که در شرایط عادی ممکن نبود، رخ می‌دهد... حوادث پیش‌بینی نشده، ملاقات، کمک‌های مادی که هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند بر سر راهش قرار خواهند گرفت. یوهان ولفگانگ گوته

اگر فیلم ساخته شده به سال ۱۹۸۹ به نام دامنه رویاها را دیده باشید، احتمالاً مفهوم این که اگر رویایی را دنبال کنید موفق خواهید شد (یا اگر آن‌ها را بسازید، خواهند آمد) را در خواهید یافت. در آغاز نوشتن این فصل به این موضوع فکر کردم چون نظر من این است اگر با خود عهد کنید که با دامنه قصد هماهنگ باشید، هر کسی که بخواهد یا برای انجام مقاصدتان نیاز داشته باشید در اطراف شما پدیدار می‌شود. چطور این اتفاق می‌افتد؟ در گفته فوق، گوته، یکی از برجسته‌ترین دانشمندان تاریخ بشریت پاسخ را به شما می‌دهد. لحظه‌ای که به طور قاطع عهد کنید که بخشی از نیروی قصد باشید. «مشیت الهی نیز به حرکت در می‌آید.» و کمک‌های غیر قابل پیش‌بینی بر سر راه شما قرار می‌گیرند. مردم موردنظر برای کمک به شما سر خواهند رسید. مردمی که در شغل‌تان شما را حمایت کنند آن‌جا خواهند بود، مردمی که برای کمال شما لازم است ظاهر خواهند شد. مردمی که از لحاظ مالی به شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کمم کنند خواهند آمد، راننده‌ای که باید شما را به فرودگاه ببرد منتظر شما خواهد بود. طراحی که تخمین می‌کردید آماده است با شما کار کند، دندانپزشکی که در تعطیلات به فوریت به او نیاز دارید، آنجا خواهد بود و هم‌زاد معنوی شما را پیدا خواهد کرد. این فهرست تمام نشدن نیست. چون ما همه با هم در ارتباط هستیم، همه از یک مبداء پدید آمده‌ایم و در یک انرژی الهی قصد سهیم هستیم. جایی نیست که ذهن کیهانی حضور نداشته باشد، پس، آن را با هرکس که به زندگی خود جذب می‌کنید شریک می‌شوید.

باید مقاومت را برای جذب انسان‌های مناسب از بین ببرید در غیر این صورت آن‌ها را شناسایی نخواهید کرد. در ابتداء، شناخت مقاومت می‌تواند دشوار باشد چون شکل آشنایی از افکار، احساس و سطوح انرژی شماست. اگر اعتقاد داشته باشید که نیروی جذب مردم مناسب را ندارید آن زمان ضعف را به تجربه‌های خود جذب خواهید کرد. اگر با مردم نامناسب ارتباط برقرار کنید یا هیچ‌کس را به خود راه ندهید آن زمان نیز انرژی شما با نیروی قصد متحد نشده و مقاومت حاکم است. دامنه قصد راهی جز فرستادن مقدار بیشتری از آنچه می‌خواهید به زندگی شما ندارد. یک بار دیگر معلقی در غیر قابل تصور بزنید، جایی که ایمان و اعتماد کامل به ذهن کیهانی قصد دارید و بگذارید که انسان‌های مناسب به فضای زندگی شما درست و از روی برنامه وارد شوند.

با پذیرفتن مقاومت را بردارید

اینجا قصد شما کاملاً پاکسازی شده است. شما می‌خواهید مردمی را که قصد شده بخشی از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زندگی‌تان باشند جذب کنید و می‌خواهید رابطه شاد، پر بار و معنوی‌ای با آن‌ها داشته باشید. این مردم هم اکنون اینجا هستند، در غیر این صورت خواستار چیزی هستید که خلق نشده است. از آنجا که همه از يك مبداء الهی پدید آمده‌ایم، نه تنها مردم مناسب حضور دارند بلکه همان مبداء الهی زندگی را با آن‌ها سهیم هستید. به طریقی نادیدنی هم اکنون از لحاظ معنوی به مردم مناسب وصل هستید. پس چرا نمی‌توانید آن‌ها را ببینید، لمس کنید، در آغوش بگیرید و چرا وقتی به آن‌ها نیاز دارید آنجا نیستید؟

در این رابطه مردم مناسب زمانی ظاهر می‌شوند که آماده و مشتاق دریافت آن‌ها باشید. همیشه آنجا بوده‌اند. هم اکنون آنجا هستند. سؤال‌هایی که باید از خود بپرسید به این شکل است:

آماده‌ام؟ مشتاق هستم؟ و چقدر مشتاق این امر هستم؟ اگر پاسخ به این سؤال‌ها اشتیاق و آمادگی بود، آن زمان آغاز به دیدن نه تنها مردمی در شکل جسم یا يك جسم با يك روح بلکه موجودات معنوی ملبس در جسمی منحصر به فرد خواهید شد. شما روح‌های لایتناهی را که ما نیز جزو آن‌ها هستیم خواهید دید: بی‌نهایت، یعنی همیشه و همه جا، و همه جا یعنی با شما هم اکنون اگر که آرزوی معنویتان این باشد.

انتشار آنچه می‌خواهید جذب کنید

وقتی تصویر شخص یا اشخاصی را که قصد می‌کنید در فضای زندگی شما حاضر شوند و می‌دانید که چگونه دوست دارید با شما رفتار کنند و به چه باید شبیه باشند، در ذهن خود شکل دادید، شما خود نیز باید چیزی باشید که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در جستجویش هستید. جهان ما جهان جاذبه و انرژی است. نمی‌توانید آرزوی جذب دوستی قابل اعتماد، سخاوتمند، بدون داوری و مهربان داشته باشید. خودتان در فکر و عمل غیر قابل اعتماد، خودخواه، با داوری و متکبر باشید و به همین دلیل است که بیشتر مردم در مواقع درست مردم مناسب را جذب نمی‌کنند. تقریباً سی سال پیش می‌خواستم ناشری را در جهت انتشار کتاب به زندگی‌ام جذب کنم، "ناحیه خطای شما".

او خیلی فهمیده بود چون در آن زمان نویسنده گمنامی بودم، اهل ریسک بود و می‌خواست که از تردیدهایش در مورد من چشم‌پوشی کند.

کارگزار او برای من قرار ملاقاتی با یک مدیر اجرایی چاپ که من جورج می‌خوانم در یک انتشاراتی بزرگ نیویورک ترتیب داد. وقتی برای صحبت با او نشستم، کاملاً آشکار بود که او شخصاً آشفته است. پرسیدم که مشکلاش چیست و سه الی چهار ساعت بعد را در مورد مشکل شخصی‌ای که درست شب قبل برای او اتفاق افتاده بود، صحبت کردیم. همسر جورج گفته بود که تقاضای طلاق خواهد کرد و او از این خبر غافلگیر شده بود. من از خواست خودم مبنی بر صحبت کردن درباره چاپ کتاب و اینکه در جستجوی شخصی فهمیده، مطمئن، اهل ریسک بودم با عدم وابستگی به خواسته نفسی‌ام گذشتم، آن روز عصر قادر شدم به جورج کمک کنم که هرگز فراموش نمی‌کنم.

آن روز در حالی که حتی راجع به موضوع کتاب با جورج حرف نزده بودم دفتر او را ترک کردم. وقتی قضیه را برای کارگزار ادبی‌ام تعریف کردم، گفت که من فرصت خوبی را با یک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انتشاراتی بزرگ از دست داده‌ام. روز بعد، جورج به کارگزار من تلفن زد و به او گفت: «حتی موضوع کتاب دایر را هم نمی‌دانم اما می‌خواهم آن مرد جزو نویسندگان ما باشد.» آن موقع نفهمیدم چه شده است. حالا با ربع قرن زندگی در جهانی از جستجوی معنوی به وضوح می‌فهمم. مردم مناسب درست در زمانی که به آن‌ها نیاز دارید و قادر به هماهنگی هستید ظاهر خواهند شد. باید چیزی باشید که آرزوی شما را دارید. وقتی آنچه می‌خواهید باشید با پراکندگی به بیرون آن را جذب خواهید کرد. شما قدرت هماهنگی با نیروی قصد و برآورده ساختن مقاصدتان را جهت جذب اشخاص ایده‌ال و روابط الهی دارید.

جذب روابط معنوی

در زن یا مردی بدون مهر نالیدن به خاطر عدم توانایی یافتن شریک زندگی تعجبی ندارد. آن‌ها محکوم به ناکامی هستند چون جفت مناسب را تشخیص نمی‌دهند. آن شخص پر عشق همین حالا و همین جاست اما مقاومت مانع دیدن آن‌ها می‌شود. شخص تهی از مهر به لعنت فرستادن به شانس بد یا یک سری از عوامل خارجی در نداشتن رابطه‌ای عاشقانه ادامه می‌دهد. عشق تنها با عشق جذب و با آن برگردانده می‌شود. بهترین راهنمایی که می‌توانم برای جذب و حذف رابطه‌ای معنوی توصیه کنم، همان طور که در این فصل تأکید کردم باید چیزی باشد که در جستجوی آن هستید. بیشتر روابطی که از بین می‌روند به دلیل این است که یکی از طرفین یا هر دو طرف احساس می‌کنند که به طریقی آزادیشان سلب شده است. به عبارت دیگر، روابط معنوی هرگز بر مبنای این نیست که یکی از طرفین تحقیر یا نادیده گرفته شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

واژه رابطه معنوی یعنی انرژی‌ای که هر دو شما را با هم در هماهنگی نزدیک با انرژی قصد نگه می‌دارد.

به معنی اینکه آرامش پذیرنده‌ای از این رابطه جاری می‌شود و هرگز نیازی به ترسیدن از اینکه آزادی شناخته‌های درونی‌تان در راستای هدف‌تان زیر سؤال برود ندارید. مانند این است که هر یک از طرفین در سکون به دیگری نجوا می‌کند که تو منبع انرژی در یک جسم فیزیکی هستی و هر چه حس بهتری داشته باشی، انرژی عشق، مهربانی، زیبایی، پذیرش، وفور، توسعه و خلاقیت بیشتری از طریق تو جاری می‌شود.

به این منبع انرژی احترام می‌گذارم و آن را با شما شریک می‌شوم. وقتی هر یک از ما احساس دل شکستگی کند، انرژی کمی از قصد جاری می‌شود. همیشه باید به یاد داشته باشیم که هیچ چیز از سوی ذهن کیهانی رد نمی‌شود. هر چه که مانع شادی ما می‌شود به وسیله ما رد شده است. عهد کرده‌ام که در این دامنه قصد مانده و خودم را در زمان لغزش تماشا کنم. همان منبع اولیه است که ما را گرد هم آورده و من سعی می‌کنم با آن هماهنگ بمانم. این نوع عهد درونی چیز است که گوته در نقل قول اول این فصل از آن صحبت می‌کند و باعث می‌شود مشیت الهی به جریان بیفتد و کمک به حادث شدن وقایع می‌کند، «که هیچ کس تصورش را هم نمی‌کرد که بر سر راهش قرار گیرد.» در حال حاضر به عده‌ای که آن‌ها را در زندگی خود می‌خواهید متصل هستید، پس اینطور عمل کنید. اگر بخواهیم به صورت عرفانی از آن صحبت کنیم شما با نفر دوم فرقی ندارید یک مفهوم خارق‌العاده اما با وجود این کم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اعتبار به همین دلیل است که نمی‌توانید نفر دوم را بدون آزار کردن خود آزار کنید. نمی‌توانید بدون کمک به خود به نفر دوم کمک کنید. شما همان منبع انرژی را با همه شریک هستید، در نتیجه باید آغاز به فکر و عمل به شیوه‌ای نمایید که آگاهی شما را از این اصل منعکس کند. وقتی احساس نیاز به همراهی شخص مناسبی می‌کنید، شخص مناسب پدیدار می‌شود. گفتگوی درونی خود را در جهت انعکاس این آگاهی تغییر دهید. به جای گفتن اینکه، آرزو دارم این شخص برسد چون نیاز دارم از این گره خلاص شوم، فکری را فعال کنید که پیوند شما را انعکاس دهد مانند: می‌دانم که شخص مناسب در نظم الهی و دقیقاً درست در زمان مناسب خواهید رسید.

حالا بر مبنای این تفکر درونی عمل می‌کنید. از انتها فکر کنید و به پیشواز این ورود بروید. این کار شما را آگاه خواهد کرد. شما سطح انرژی خود را همسان با پذیرندگی نیروی قصد که هر چیز و هر کس را اینجا قصد کرده اصلاح کرده‌اید. وقتی به این سطوح بالای انرژی برسید به اطلاعات برتری دست می‌یابید. شهود شما وارد کار می‌شود و می‌توانید حضور شخص یا اشخاص را که می‌خواهید وارد زندگی‌تان شوند حس کنید. حالا بر مبنای آن شهود با حس عمیقی از شناخت که در مسیر درست هستید عمل می‌کنید. شما در حال عملکرد بر مبنای این آگاهی جدید هستید. همکاری برای آن هستید. بینش‌های جدید درون شما فعال می‌شود به چهره آفریدگار نگاه می‌کنید و خود را در همکاری با آن می‌بینید. می‌دانید چه کسی را صدا کنید، به کجا نگاه کنید، چه وقت اعتماد کنید و چه کار بکنید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شما آغاز به وصل به چیزی می‌کنید که مطرح کرده‌اید.

اگر دوستی یا رابطه عشقی نیاز به تسلیم طبیعت بالاتر و شأن و مقام شما باشد، رابطه غلطی است. وقتی واقعاً بدانید عشق چیست همانطور که مبداء عاشق شماست: نوع رنجی که در گذشته زمانی که عشق شما مورد توجه واقع نشده و یا رد شده بود تجربه نخواهید کرد. در عوض، شبیه به تجربه دوستی می‌شود که تصمیم خود را در جهت قطع یک رابطه عشقی توضیح داد:

قلبم شکسته بود، اما حس می‌کردم مثل اینکه در وضعیت فراحی باشم و حس می‌کردم عشقی را به طرف شخصی که نمی‌توانست آن طور که می‌خواستم به من عشق بورزد جاری می‌کنم. حتی وقتی آن رابطه را برای جستجوی عشق درونم قطع کردم. احساس رنج قلب شکسته در عین حال حس باز بودن آن خیلی عجیب بود. فکر کردم، قلبم شکسته اما گشاده است. من به سطح جدیدی از عاشق شدن و مورد عشق واقع شدن رسیدم. هجده ماه بعد رابطه‌ای که می‌خواستم در زندگی‌ام آشکار شد.

شما عشق هستید. از عشق ناب پدید آمده‌اید. در تمام مدت به این منبع عشق متصل هستید. به این روش فکر کنید، به این روش حس کنید و زود در این روش عمل خواهید کرد و هر چه فکر کنید، حس کنید یا انجام دهید درست به همان ترتیب متقابلاً عمل خواهد کرد. می‌خواهید باور کنید، می‌خواهید نکنید، اصل پدیدار شدن شخص مناسب همیشه اینطور بوده است. نفس شماست که نمی‌گذارد آن را به طور واضح ببینید.

همه در نظم الهی آشکار خواهد شد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تا حالا باید تأیید کرده باشید به هر که در سفر نیاز دارید پیدا خواهد شد و آنها برای تمام نیازهای شما در لحظه کامل خواهند بود.

به علاوه، در لحظه درست خواهند رسید. در این نظام هوشمند که شما نیز بخشی از آن هستید از دامنه قصد جایی که نیروی هستی لایتناهی، نادیدنی از طریق هر کس و هر چیز جاری میشود خواهد رسید. این شامل شما و هر کس دیگر هم میشود. به این نیروی نامرئی زندگی و ذهن خلاق که هر چیزی را در هستی قصد میکند اعتماد کنید.

پیشنهاد میکنم که مرور سریعی انجام دهید و تمام مردمی را که به صورت شخصیت‌هایی در زندگی شما ظاهر شده‌اند مشاهده کنید. همه چیز کامل است. همسر شما در زمان مناسب وقتی نیاز به خلق کودکانی دارید که خیلی به آنها عشق می‌ورزید حاضر خواهد شد. پدري که در مورد شما خاموش ماند تا اعتماد به نفس یاد بگیرید در زمان مناسب این کار را رها کرد. عاشقی که شما را ترک کرد بخشی از این تکامل بود. عاشقی که با شما ماند نیز علائم را از مبداء دریافت کرد. اوقات خوب، کشمکش‌ها، اشک‌ها، بدرفتاری‌ها همه مربوط به مردمی است که وارد زندگی شما شده و خارج میشوند. و تمام اشک‌های شما نمیتواند حتی کلمه‌ای از این داستان را هم پاک کند.

این گذشته شماست، و سطح انرژی شما در آن زمان، نیازهای شما، موقعیت شما در زندگی، انسان‌ها و حوادث مناسب را به زندگی‌تان جذب کرده است. ممکن است حس کنید در زمان مناسب حضور نیافته‌اند، شما تنها بوده‌اید و هیچ کس حضور نیافته اما توصیه میکنم این



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

موضوع را از دیدگاه زندگی در نظم الهی تماشا کنید. اگر کسی حضور نیافته برای این بوده که لازم داشتید برخی کارها را به تنهایی انجام دهید پس هیچ کس را در آن زمان برای جاری ساختن سطح انرژی‌تان جذب نکرده‌اید. مرور گذشته به عنوان بازی‌ای که در آن تمام شخصیت‌ها و ورودها و خروج‌ها توسط منبع ثبت شده و چیزی بوده که در زمان مناسب جذب کرده‌اید. شما را از انرژی‌های پایین مانند قصور، پشیمانی و حتی انتقام نجات می‌دهد. در نتیجه: شما از بازیگری که تحت تأثیر بازی‌های دیگران نقش اجرا کننده و کارگردان را بازی می‌کرد به نویسنده، مجری، کارگردان و هنرپیشه زندگی باشکوه خود تبدیل می‌شوید. همین‌طور کارگردانی هستید که قادر است تماشاچی خود را براساس انتخاب مسیر بدون مقاومت و هماهنگ بودن با مجری نامحدود این بازی کلی انتخاب کند: ذهن خلاق کیهانی قصد.

کلامی درباره صبر

خط متناقض نمی‌شگفت‌انگیزی در کتاب "درسی در معجزات" وجود دارد. «صبر نامحدود نتایج آنی بار می‌آورد.» صبوری نامحدود به معنی شناخت مطلق درونی از هماهنگی ارتعاشی با نیروی خلاق است که شما را به اینجا قصد کرده است. در واقع شما همکاری در خلقت زندگی خود هستید. شما می‌دانید که مردم مناسب در برنامه‌ریزی الهی حضور خواهند یافت. عجله در این کار بر حسب جدول زمانی خود شما مثل این است که به زانو نشسته و سعی به بیرون آوردن لاله‌ای از ریشه می‌کنید با اصرار بر این که می‌خواهید گل همین حالا خلقت رازهای خود را آشکار کند البته نه بر مبنای دستور شما. نتیجه آنی حاصل از صبر بی‌کران حس عمیقی از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آرامش است. عشق را در روند خلقت حس خواهید کرد، خواسته‌های پی‌گیر را متوقف خواهید کرد و برای یافتن شخص مناسب در حال آماده باش خواهید بود.

این مطلب را با ایده نتایج آنی از صبر بیکران می‌نویسم. می‌دانم که در حال نوشتن اینجا تنها نیستم. می‌دانم که اشخاص لازم جهت کمک به من حضور خواهند یافت. به این روند ایمان کامل دارم و با مبداء خود هماهنگ می‌مانم.

تلفن زنگ خواهد زد و کسی خواهد گفت نواری دارد که فکر می‌کند من خوشم بیاید. دو هفته پیش، برای من مناسب نبود اما امروز در هنگام تمرین به آن گوش می‌دهم و آن نوار آنچه را که نیاز دارم به من می‌دهد. هنگام قدم زدن از کنار کسی رد می‌شوم و او ایستاده با من شروع به صحبت می‌کند. درباره کتابی با من حرف می‌زند که اطمینان دارد خوشم خواهد آمد. به عنوان آن نگاه می‌کنم، کتاب را ورق می‌زنم و اطمینان کافی پیدا می‌کنم که آنچه لازم است در دست دارم.

وقتی ذهن خود را با ذهن کیهانی قصد هماهنگ می‌کنم این اتفاق هر روز به طریقی رخ می‌دهد و اجازه می‌دهد که اشخاص مناسب مرا در اهداف شخصی‌ام یاری کنند. نتیجه آنی صبر بیکران آرامش درونی است که از شناخت نسبت به داشتن «همراهی برتر» که یا کسی را برای خواهد فرستاد یا در صورت لزوم در کاری تنها رهایم خواهد کرد، ناشی می‌شود. این ایمان عملی خوانده می‌شود و توصیه می‌کنم به آن اعتماد کنید در مقابل آن تا به‌نهایت صبور باشید و در زمانی که شخصی مناسب به



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

طور معجزه‌آسا در فضای زندگی شما ظاهر می‌شود، سپاسگزار باشید.

قصد را واقعیت خود نمایید

برنامه ده گامی من جهت بکارگیری قصد مذکور در این فصل به شرح زیر است:

گام اول: از امیدواری، خواست، دعا و التماس برای حضور شخص یا اشخاص مناسب در زندگیتان اجتناب کنید. بدانید این جهانیست که با جاذبه و انرژی کار می‌کند.

به خود یادآوری کنید تا زمانی که بتوانید انرژی خود را از نفس به هماهنگی با مبدا قصد تغییر دهید قادر به جذب اشخاص مناسب جهت کمک به مقاصدتان خواهید بود. گام اول حیاتی است چرا که اگر نتوانید بر تردید خود در توانایی جذب افراد سودمند، خلاق، پرمهر فائق آیید، نه گام باقیمانده استفاده کمی برای شما خواهد داشت. قصد کردن افراد یا شریک زندگی الهی با این شناخت قلی آغاز می‌شود که نه تنها ممکن است بلکه یک قطعیت است.

گام دوم: پیوند نامرئی خود را با مردمی که مایلید به زندگی خود جذب کنید تصور نمایید.

هویت انحصاری خود یا شکل ظاهری و دارایی‌تان را کنار بگذارید. با انرژی نامرئی درونتان که از زندگی شما با جهت دادن اعمال بدن‌تان حمایت می‌کند خود را بشناسید. حالا بدانید که منبع یکسانی از انرژی از اشخاصی که شما به عنوان از دست رفته در زندگیتان ادراک می‌کنید جاری می‌شود و سپس دوباره در فکر خود با آن شخص یا اشخاص وحدت بیابید. در درون خود بدانید که نیروی قصد شما را به هم خواهد پیوست. افکار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شما از خلق این ترکیب نیز از همان دامنه قصد کیهانی ناشی می‌شود.

گام سوم: تصویری از شخصی که دوست دارید همدم شما در زندگی باشد یا اشخاصی که مایلید شما را یاری دهند در ذهن خود بسازید.

آشکار شدن عملی از قصد معنوی است که در هماهنگی ارتعاشی با آرزوی شما صورت می‌پذیرد. هر چقدر که می‌خواهید خاص باشید اما این تصور را با هیچ کس دیگر در میان نگذارید چون از شما خواسته خواهد شد که خود را توضیح دهید، از خود دفاع کنید و ناچار به مواجهه با انرژی پایین شک می‌شوید که به طور اجتناب‌ناپذیری پیش می‌آید. این تمرینی شخصی مابین شما و خداوند است. هرگز اجازه ندهید که تصویر شما با افکار منفی یا شک تیره شده یا زنگار ببندد.

بدون توجه به هر مانعی که ظاهر شود. به این تصویر قلاب شوید و در هماهنگی پر آرامش، خلاق، مهربان با منبع قصد بی‌پایان پذیرنده و همیشه در حال توسعه باقی بمانید.

گام چهارم: بر مبنای تصویر درونی عمل کنید.

طوری عمل کنید گویی هر کسی که ملاقات می‌کنید بخشی از قصد شما برای جذب اشخاص ایده‌آل به زندگی‌تان است بدون وارد شدن به جزئیات شیوه معنوی خود نیازها و آرزوهایتان را با دیگران سهیم شوید. با افراد متخصص که می‌توانند شما را یاری دهند تماس بگیرید. آن‌ها می‌خواهند به شما کمک کنند. از هیچ کس دیگر برای امر جذب افراد مناسب برای هر آنچه که در جستجوی شماست چه یک شغل، پذیرش دانشگاه، کمک مالی یا شخصی برای تعمیر اتومبیل‌تان توقع نداشته باشید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فعال بوده و براي گرفتن نشانه‌هاي همزماني هوشيار باشيد و هرگز آن‌ها را نادیده نگيريد. اگر کاميوني از کنار شما مي‌گذرد که بر روي آن شماره‌اي را که نياز داريد آگهي شده، شماره را برداشته و تلفن کنيد. همه اتفاقات عجيب و غريب اطرافتان در رابطه با خواسته‌تان را به عنوان پيامي از مبداء ببينيد و فوري بر مبناي آن‌ها عمل کنيد. اطمينان مي‌دهم که به طور مکرر رخ خواهند داد.

گام پنجم: مسير کم مقاومت را بر گزينيد. از کلمه مقاومت درست مانند بخش دوم کتاب، اينجا نيز استفاده مي‌کنم. افکاري مانند افکار زير شکلي از مقاومت براي آشکاري مقاصد شما هستند! اين کار عملي نيست. نمي‌توانم فقط با فکر، شخص ایده‌الم را مجسم کنم. چرا بايد زندگي رفتار بهتري با من داشته باشد تا آن‌هايي که هنوز در انتظار آقاي مناسب هستند؟ قبلاً اين کار را کردم و يك اهمق واقعي وارد زندگيم شد. اين‌ها افکاري از مقاومت هستند که بر سر راه مبداء که براي شما کسي را مي‌فرستد قرار مي‌دهيد. مقاومت انرژي کاهش يافته است. مبداء انرژي خلاق، وسيع و بالاست. وقتي افکارتان از انرژي ارتعاشي پايين برخوردار است نمي‌توانيد انسان‌هايي با انرژي بالا جذب کنيد. حتی اگر با عجله به طرف شما بيایند و بگویند: اينجا هستم، چه خدمتي از من بر مي‌آيد، مایلم، قادرم و نشاني دارم که بگويم «مال شما هستم» اهميت ندهيد و باور نکنيد البته تا زماني که مشغول جذب ميزان بيشتري



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ناشي از افكاري چون نمي‌توانم و عرضه ندارم هستيد.

گام ششم: تمرين كنيد مانند شخصي باشيد كه مایلید جذب كنيد. اگر مي‌خواهيد بلا شرط دوستان داشته باشيد، بلا شرط دوست داشتن را تمرين كنيد. اگر از ديگران كمك مي‌خواهيد، هر كجا و هر زمان كه فرصت يافتيد كمك كنيد. اگر دوست داريد از سخاوت كسي بهره‌مند شويد، پس تا جايي كه مي‌توانيد و هر چقدر كه مي‌توانيد سخاوتمند باشيد اين يكي از ساده‌ترين و مؤثرترين راه‌هاي جذب نيروي قصد است. با آيندگي ذهن كيهاني كه هر كس و هر چيز از آن ناشي مي‌شود هماهنگ شويد و آنچه را كه مایل هستيد به خود جذب خواهيد كرد.

گام هفتم: به نتيجه وابسته نباشيد و صبر نامحدود را تمرين كنيد با ارزيابي مقاصدتان به عنوان موقعيتها و شكستها بر پايه نفس كوچك خود و جدول زماني آن خطا نكنيد. قصد را کنار گذاشته و هر چيز نوشته شده در اين فصل و اين كتاب را تمرين کرده و بگذريد. شناختي دروني ايجاد كنيد و جزئيات را به ذهن كيهاني قصد واگذار كنيد.

گام هشتم: مراقبه كنيد، به خصوص مراقبه جاپا براي جذب اشخاص ايده‌ال و روابط الهي را تمرين كنيد.

صوتي از نام خداوند را به صورت يك مانترا تمرين كنيد در حالي كه در چشم ذهن خود انرژي تابشي خود را دیده و اشخاص موردنظر خود را به زندگيتان وارد مي‌كنيد.

از نتيجه شگفت‌زده خواهيد شد. در سرتاسر كتاب نمونه‌هايي از اينكه چگونه مراقبه جاپا به مردم در جهت برآورده شدن رواهايشان به صورت معجزه‌آسايي كمك گرفته اند ذكر شده است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام نهم: به هر کسی که در زندگی شما نقشی ایفاء کرده به عنوان موردی نگاه کنید که برای سودرسانی به شما فرستاده شده است در جهانی انباشته از انسان‌ها که به وسیله سازماندهی هوشمند الهی و خلاقیت که من آن را نیروی قصد می‌نامم خلق شده، هیچ چیز تصادفی وجود ندارد. رد زندگی شما مانند رد یک کشتی بر آب است. چیزی جز ردی که پشت سر می‌ماند نیست. این رد سکان‌دار کشتی نیست این رد زندگی شما را حرکت نمی‌دهد. هر کس و هر چیز در تاریخ شخصی شما باید که آنجا حضور می‌داشت. چه مدرکی دال بر این موضوع داریم؟ آنجا بودند! تنها چیزیست که باید بدانید. از چیزی که در آن رد رخ داده یا انسان‌های نامناسبی که در آن رد حضور یافته‌اند به عنوان دلیلی برای ناتوانی خود در جذب اشخاص مناسب برای امروز استفاده نکنید. این گذشته شماست. چیزی بیش از ردی نیست که از شما بجا مانده است.

گام دهم:

مانند همیشه در حالت سپاس ابدی بمانید. حتی برای حضور افرادی که باعث رنج و درد شما شده‌اند سپاسگزار باشید. از مبداء برای فرستادن آن‌ها و همین‌طور از خودتان برای جذب آن‌ها سپاسگزار باشید. همه درس‌هایی برای شما داشتند. حالا برای هر کسی که خداوند در مسیر شما قرار می‌دهد سپاسگزار باشید و به عنوان همکاری برای خداوند بستگی به شما دارد که به آن‌ها با انرژی بالای پر مهر قصد پاسخ داده و افرادی با انرژی مشابه را در زندگی خود نگه دارید یا برکتی خاموش داده و خداحافظی مطبوعی نمایید. اینجا تأکید روی تشکر است چرا که سپاس واقعی در جریان است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در کتابی داستانی از لین مک تگارت
تحت عنوان: جستجو برای نیروی نهان جهان،
چشم اندازی علمی از آنچه من در این فصل
نوشتم ارائه می‌شود «وضعیت طبیعی وجودی ما
یک رابطه، یک تانگویا وضعیت پایداری از
تأثیرگذاری بر هم است: همان‌طور که ذرات فرعی
اتم که ما را ترکیب کرده‌اند نمی‌توانند از
فضا و ذرات اطرافشان جدا شوند، همین‌طور
موجودات زنده نیز قادر به جدایی از یکدیگر
نیستند. با عمل مشاهده و قصد، ما توانایی
تابش خارق‌العاده به جهان را کسب می‌کنیم.
از طریق رابطه با دیگران و با استفاده
از نیروی قصد می‌توانیم تمام انرژی ضروری را
برای جذب هر آن چه آرزو داریم به بیرون
انعکاس دهیم. توصیه می‌کنم همین الان به سوی
این آگاهی حرکت کنید و در قلب خود بدانید
که اگر واقعاً رویایی درونی بسازید، آن
رویا واقع خواهد شد مانند کشاورزی در
مزرعه رویاها.

فصل سیزدهم

قصد من این است:
ظرفیت خود را برای درمان‌گری و درمان
یافتن به کمال برسانم.
«کسی نمی‌تواند از کسی بخواهد که درمان
یابد. اما می‌تواند خود را درمان کند و به
این ترتیب چیزی را که دریافت کرده به
دیگری ارائه کند. چه کسی می‌تواند چیزی که
ندارد به دیگری ارزانی کند؟ و چه کسی
می‌تواند در چیزی که خود نمی‌کند سهم
باشد؟»

درسی در معجزات



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هر انسانی بر روی سیاره در خود قدرت درمانگری دارد. در جهت تماس آگاهانه با نیروهای درمانگر خود، اول باید تصمیم بگیرید که خود درمان شوید. همانطور که «درسی در معجزات» یادآور می‌شود! «درمان یافته‌ها ابزاری برای درمان می‌شوند.» و «تنها راه شفا دادن، شفا یافتن است.» به این ترتیب، امتیازی دوگانه در قصد شفا یافتن وجود دارد. وقتی نیروی درمان خود را پذیرفتید و سلامتی خود را به کمال رساندید به کسی تبدیل می‌شوید که می‌تواند دیگران را شفا دهد. یکی از فریبنده‌ترین گفته‌های دیوید هاو کینز در کتاب قدرت در مقابل قدرت رابطه میان سطح انرژی اندازه‌گیری شده شخصی و ظرفیت آن برای درمان است. مردمی که در نقشه مقیاس آگاهی او بالای ششصد رتبه دارند (که سطح انرژی استثنایی بالایی است و نشانگر روشن‌گری و روشن‌شدگی است) انرژی درمانی منعکس می‌کنند. آن طور که ما می‌شناسیم در حضور چنین انرژی معنوی بالایی بلایی وجود ندارد. این مطلب نیروهای درمانگری معجزه‌آسای عیسی مسیح، سنت فرانسیس آسیزی و رامانا ماهریشی را می‌رساند. انرژی بالای استثنایی آن‌ها می‌تواند مرض و بلا را خنثی کند. همین‌طور که می‌خوانید در نظر داشته باشید که شما نیز از بالاترین انرژی عشق معنوی از دامنه قصد ظاهر شده‌اید و در درون خود از همان ظرفیت برخوردارید. برای بکارگیری قصد مذکور در این فصل باید همانطور که گاندي گفت: «تغییری باشید که دوست دارید در دیگران ببینید.» باید در درمان خود متمرکز باشید تا بتوانید این توانایی درمانگری را



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به دیگران نیز ارائه کنید. اگر به مکان روشن‌شدگی پر سعادت برسید جایی که دوباره با مبداء پیوند یافته و از لحاظ ارتعاشی با آن هماهنگ هستید، شروع به تا بش انرژی می‌کنید که مرض را به سلامت تبدیل می‌کند. در دعای قدرتمندش سنت فرانسیس آسیزی از مبداء می‌پرسد. زخم کجاست، بگذار که بذر بخشش بکارم. یعنی بگذار تا این انرژی درمانی را به دیگران بدهم. این اصل در صفحات این کتاب تکرار شده است. انرژی معنوی بالا را به حضور انرژی بیمار پایین بیاورید نه تنها آن را به صفر می‌رساند بلکه به انرژی سالم معنوی تبدیل می‌کند. در زمینه دارویی انرژی جایی که این اصول به کار گرفته می‌شوند، غده‌ها با انرژی لیزری بالا بمباران می‌شوند که آن‌ها را حل کرده و به بافت‌های سالم تبدیل می‌کند. داروی انرژی اصل آینده است و متکی بر تمرین معنوی باستانی از درمان دیگران با درمان خود است.

درمان شدن

اتصال مجدد به تکامل رها از بیماری آنچه شما از آن پدید آمدید عبارتی ساده از چیزی است که روند خود درمانی لازم دارد. ذهن کیهانی قصد دقیقاً می‌داند چه چیزی برای به کمال رساندن سلامتی خود نیاز دارید. آنچه باید انجام دهید مشاهده افکار و رفتارتان است که ایجاد مقاومت کرده و با درمان تداخل می‌کنند که جریان انرژی و البته قصد است. شناخت میزان مقاومت چیزی کاملاً وابسته به شماست. باید خود را در اختیار این آگاهی قرار دهید تا بتوانید به قصد ناب درمان دست بیابید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دیروز وقتی روی دستگاه ترید میل در باشگاه بودم. پنج دقیقه با آقای صحبت کردم. در آن زمان کوتاه لیست بلند بالایی از امراض، جراحی‌ها، عمل قلبی گزارش داد همه ظرف پنج دقیقه. این گونه افکار و خلاصه گفتار از مشکلات جسمانی مقاومتی در برابر انرژی درمان در دسترس است.

همان طور که با مرد شاکي روی ترید میل حرف می‌زد سعی کردم در همان لحظه او را از مقاومت در برابر پذیرفتن انرژی درمانی بازدارم اما او مصمم به غوطه خوردن در ناتوانی‌هایش بود. آن‌ها را مانند افتخاری می‌دانست و با اشتیاق در باره محدودیت‌هایش حرف می‌زد. به نظر می‌آمد که به این وضع بی‌زاری از خود به علت بیماری جسم‌اش لذت هم می‌برد. سعی کردم با نور او را احاطه کنم و برکت خاموشی برایش بفرستم. در حالی که کار خودم را انجام می‌دادم به او به خاطر راه رفتن روی ترید میل تبریک گفتم. اما از میزان تمرکز درونی این مرد به بی‌نظمی، عدم هماهنگی و بیماری مربوط به جسم‌اش شوک شدم.

نقش افکار در گزارشات بهبود خود به خود از بیماری‌های غیر قابل علاج سحر آمیز است. دکتر هاوکینز در کتاب قدرت در مقابل قدرت به ما می‌گوید: در هر مورد مطالعه شده از بهبود بیماری‌های لاعلاج تغییر اساسی‌ای در آگاهی رویت شده به طوری که نمونه‌های جذب کننده ناشی از روند آسیب شناسی تسلط خود را از دست داده‌اند. به واژه نمونه‌های جذب کننده نگاه کنید: هر چیزی را به زندگی خود از طریق سطح آگاهی جذب کرده و می‌توانیم آن‌ها را تغییر دهیم. این ایده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بسیار قدرتمند است و پایه دسترسی به نیروی قصد نه فقط برای درمان بلکه در هر زمینه ای که بخواهیم می باشد مانند الهام و مقاصد شخصی. هاوکینز ادامه می دهد: در بهبود خود به خودی اغلب افزایش قابل توجهی در ظرفیت دوست داشتن و آگاهی از اهمیت عمقی به عنوان عامل درمان رخ می دهد. قصد شما در این فصل بو سیله نگاه به هدف بزرگتری در بازگشت به مبداء و ارتعاش بیشتر در هماهنگی با انرژی نیروی قصد است. آن مبداء هرگز بر چیزی که خطاست، از دست رفته یا کسل کننده است متمرکز نمی شود. درمان واقعی شما را به مبداء برمی گرداند. هر چیز کوتاهی از این پیوند ثبت تناسب به شمار می رود. وقتی رشته پیوند را بامبداء پاکسازی کنید نحوه های جذب کننده انرژی به طرف شما کشیده می شوند. اگر باور نکنید که چنین چیزی ممکن باشد در برابر قصدتان برای درمانگری و درمان شدن مقاومت ایجاد کرده اید. اگر باور کنید که ممکن است اما نه برای شما ، این بار مقاومت بیشتری ایجاد کرده اید. اگر فکر کنید که بوسیله بیماری مورد تنبیه واقع شده اید این نیز مقاومت است . این افکار درونی در مورد توانایی درمان شدن نقش شاخصی در تجربه فیزیکی شما دارد.

در مانگر شدن بوسیله درمان خود نیاز به یکی دیگر از آن معلق زدن های خیالی به غیر قابل تصور دارد جایی که در آن به طور عمود فرود می آید و در افکار خود تراز و رو در روی مبداء قرار می گیرید. شاید برای اولین بار اگر از نفس بگذرید که شما را متقاعد کرده که از نیروی قصد جدا هستید، پی خواهید برد که شما و مبداء یکی هستید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درمان دیگران با درمان خود
در کتاب لین مک تگارت تحت عنوان "زمینه"
که قبلاً" به آن اشاره کردم نویسنده زمان
زیادی صرف تهیه گزارشی علمی از تحقیقات انجام
گرفته در سرتاسر دنیا در بیست سال گذشته
در زمینه ای که من قصد می نامم ارائه نموده
است. در فصلی که به این جا مربوط است بنام
" زمینه درمان" مک تگارت قدری از مطالعات
انجام شده را توضیح می دهد. این جا تنها به
پنج مورد از نتایج تحقیق در رابطه با قصد و
درمان می پردازیم. این مطالب را جهت
برانگیختن آگاهی شما از نیروی درمان فیزیکی
که برای این زندگی اختیار کرده اید و همین
طور توانایی درمان دیگران ارائه کرده ام.
(لزومی نمی بینم که مسائل واضح مربوط به
سلامتی مثل تغذیه سالم و یا ورزش روزانه را
متذکر شوم چون اطمینان دارم خود شما مراقب
این موارد هستید. در حال حاضر کتابفروشی
ها بخش های کاملی از مطالب گوناگون در این
خصوص دارند).

پنج نتیجه در باره درمان از جهان
تحقیقات:

۱- درمان از طریق قصد برای مردم عادی
نیز ممکن است ولی درمانگرها تجربه
بیشتری دارند یا به طور طبیعی
استعداد پیوند با این دامنه را
دارند.

۲- دلیل فیزیکی مبنی بر اینکه آن هایی
که توانایی درمان از طریق قصد را
دارند پیوستگی بیشتر و توانایی
بیشتری به سوی انرژی کوانتوم
وانتقال آن به نیازمندان درمان
دارند. من این مدرک علمی را این



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

طور تعبیر می‌کنم تصمیم بر متمرکز کردن انرژی زندگی برای پیوستگی با نیروی قصد به شما توانایی درمان خود و دیگران را می‌دهد. یعنی ضرورتاً "رها کردن هر گونه ترسی که مانع آگاهی می‌شود. همین‌طور به معنی شناخت انرژی ناشی از ترس ارائه شده توسط صنعت درمان است. در دامنه قصد هیچگونه ترسی وجود ندارد.

هرگونه روند مصیبت‌باری مدرکی برای چیزی است که از دست رفته هرگونه ترس همراه با روند مصیبت‌باری همچنین مدرکی بر این است که چیزی در فکر نیز از دست رفته است. وقتی موانع برداشته شود آرامش و سلامتی وضعی‌های طبیعی است. تحقیق نشان داده که درمان از طریق قصد که در واقع درمان از طریق اتصال به دامنه‌ی قصد است برای هر کس امکان‌پذیر است.

۲- بیشتر درمان‌گرهای معتبر ادعا می‌کنند که قصد را کنار گذاشته و سپس گامی به عقب برداشته و با نیروی درمانی دیگری احاطه شده‌اند مانند این‌که در را باز کرده و به چیز بزرگتری اجازه‌ی ورود داده‌اند.

بیشتر درمان‌گران معتبر از مبدأ کیهانی یاری می‌گیرند با علم به این‌که کار آن‌ها مشتاق بودن و اجازه دادن به جاری شدن منبع درمان است. درمان‌گرها می‌دانند که جسم قهرمان ماجراست و نیروی زندگی چیزی است که امر درمان را انجام می‌دهد. با برداشتن نفس و پذیرش جریان آزاد این نیرو درمان آسان می‌شود. افراد حرفه‌ای در جهت مطالعات پزشکی اغلب کاری عکس پذیرش انجام می‌دهند. آن‌ها اغلب این پیام را می‌دهند که داروست که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

باعث درمان می‌شود و تردید را در هر چیز غیر از مراحل درمانشان ارایه می‌دهند. بیماران اغلب به غیر از تعالی و امید هر چیزی را حس می‌کنند و تشخیص بیماری و علائم آن برای اجتناب از مراحل قانونی اغلب بر مبنای ترس و به شدت بدبینانه است. فلسفه‌ی درمانی اغلب به این شکل است، بدترین را به بیمار بگو و امید برای بهترین را داشته باش. توانایی خوددرمانی به نظر می‌رسد که در دسترس کسانی است که شناختی شهودی درباره نیروی روح دارند. گفتگوی درونی درمان‌کننده با واهدگی، ممانعت از افکار ناشی از مقاومت و پذیرش جریان روح و نور و عشق است.

یک درمان‌گر قدرتمند از جزیره فیجی یکبار درباره‌ی تأثیر درمان‌گران بومی صحبت کرد. او گفت: «وقتی یک شناخت با باوری در روند بیماری مواجه می‌شود، همیشه شناخت پیروز می‌شود.»

شناخت ایمان به نیروی قصد است. همچنین شناخت نیاز به آگاهی همیشگی در اتصال به مبدأ است و بالاخره، شناخت یعنی برداشتن نفس از سه راه و احاطه شدن به وسیله‌ی مبدأ همه جا حاضر، همه چیزدان و قادر مطلق. نیروی قصد است که منشأ همه چیز است که شامل درمان نیز می‌شود. ۳- تا زمانی که درمان‌گر قصد درمان بیماری را حفظ کند به نظر می‌رسد مهم نیست که از چه روشی استفاده می‌کند.

درمان‌گرها به فنون متفاوتی آراسته هستند. مانند تصاویر مسیحی، الگوی انرژی کابالیستی، روح بومی امریکا، تندیس یک قدیس، یک توتم (نماد)، جادو، سرودهایی برای یک روح درمان‌گر. تا زمانی که درمان‌گر قصد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نرمش ناپذیر را برای درمان حفظ کرده و شناختی بدون تردید در توانایی لمس بیمار با روح قصد داشته باشد به طوری که با ارزیابی علمی سنجیده شده درمان مؤثر است.

حفظ قصد قاطع برای خوددرمانی بدون توجه به اینکه چه اتفاقی رخ می‌دهد یا نظرات مردم در کم کردن شوق شما حیاتی است. قصد شما قویست چون قصد خویش پایین شما نیست بلکه هماهنگی با مبدأ کیهانیست. در دیدگاه شما برای درمان کردن و درمان شدن خداشناسی حاکم است.

به عنوان موجودی نامحدود شما می‌دانید که مرگ شما و مرگ هر کس دیگری در دامنه‌ی انرژی که از آن حضور یافته‌اید برنامه‌ریزی شده است.

درست همان‌طور که ویژگی‌های فیزیکی شما با آن کشش آتی مشخص شده، مرگ شما نیز به همان ترتیب است. پس ترس از مرگ را کنار بگذارید و تصمیم بگیرید همان قصدی که شما را از جهان بی‌شکل این‌جا آورده حفظ کنید. شما از وضعیت طبیعی آسایش ناشی شده‌اید. در ذهن خود قصد کنید که بدون توجه به آنچه در اطراف جسمتان رخ می‌دهد همان‌جا باشید. تا زمان ترک جسم این قصد را برای خود و همان قصد نادیدنی را برای دیگران نگه دارید.

این خصوصیتی است که همه‌ی درمان‌گرها دارند. توصیه می‌کنم که روی آن تأکید کنید، این‌جا و همین حالا و اجازه ندهید که هیچ کس و هیچ چیز شما را منحرف کند.

۴- تحقیقات نشان می‌دهد که قصد درمان‌کننده است اما روند درمان حافظه‌ی جمعی یک روح درمان‌گر است که می‌تواند به صورت نیروی درمان مجموع شود. خود درمان نیرویی است که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در دسترس نوع بشر است، ذهن کیهانی قصد است. علاوه بر این تحقیقات نشان می‌دهد که افراد یا گروه‌هایی متشکل از افراد می‌توانند این حافظه‌ی جمعی را مجموع کرده در مورد خود یا کس دیگری که از بیماری شایعی رنج می‌برد به کار گیرند. از آن‌جا که ما همه به قصد پیوند داریم، همه در نیروی حیاتی یکسانی سهیم هستیم و همه از همان ذهن کیهانی خداوند ناشی شده‌ایم. پس دور از ذهن نیست که با چنگ انداختن به انرژی این دامنه بتوانیم انرژی درمانی را جمع‌آوری و به هر کسی پراکنده کنیم. این مورد می‌تواند نیروی جمعی شگفت‌انگیز قدیسن را توضیح دهد و بتواند فرصتی برای هر یک از ما با نیروی قصد در ریشه‌کن ساختن ایدز، آبله، آنفولانزا و حتی سرطان که امروز بسیار شایع است ارائه دهد. وقتی بیماری به طور جداگانه نظاره شود، منفک از سلامت جمعی دامنه‌ی کیهانی است. گزارشات بسیاری ارائه شده که ویروس ایدز از ترس تغذیه می‌کند، نوعی از ترس که وقتی انسان از جامعه منفک می‌شود تجربه می‌کند. مطالعه گزارشات بیماران قلبی نشان داده کسانی که احساس جدایی از خانواده، جامعه و به‌خصوص از معنویاتشان می‌کنند در مقابل این بیماری آسیب‌پذیرتر هستند. مطالعه‌ی گزارشات کسانی که طول عمر زیاد داشته‌اند نشان داده کسانی که زیاد عمر می‌کنند باورهای معنوی قوی و حس تعلق به جامعه دارند. توانایی درمان جمعی یکی از فواید قدرتمند است که در زمان بالا بردن سطح انرژی و اتصال با چهره‌ای قصد حاصل می‌شود.

۵- بهترین روشی که درمان‌گری می‌تواند ارائه دهد، دادن امید برای بهبود و راحتی کسانی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

است که از بیماری و یا ضربیه روحی رنج می‌برند. درمان‌گران پیش از متمرکز شدن بر بیماری، حضور همه چیز را در آگاهی خود تجزیه و تحلیل می‌کردند. اینجا "امید" کلمه‌ی کلیدی است. حضور امید ایمان را بیشتر می‌کند. من آن را شناخت هم می‌نامم، شناخت این‌که پیوند به مبدأ پیوند به منشأ تمام درمان‌هاست. وقتی با این روش زندگی کنیم همیشه امیدوار هستیم. می‌دانم که امکان معجزه همیشه وجود دارد. با پایداری در این طرز تلقی ترس و تردید از چشم‌اندازها محو می‌شوند. اگر امید را از دست بدهید سطح انرژی زندگی خود را برای ارتعاش در سطوح ترس و تردید تغییر داده اید. در حالی که می‌دانیم مبدأ خلاق قصد ترس و تردید نمی‌شناسد.

جمله‌ی مورد علاقه‌ی من از میکلائز دربارهی ارزش امید است: **«بزرگترین خطر برای بیشتر ما این نیست که هدفمان بسیار والاست و ممکن است به آن نرسیم بلکه این است که خیلی پایین است و به آن می‌رسیم»** قصد درمان‌گران و امید آن‌ها در رابطه با خودشان و دیگران از دارویی که تجویز می‌کنند مهم‌تر است. ساده‌ترین فکر از نفرت نسبت به دیگری نیروی درمان را سد می‌کند. نقص ایمان به نیروی روح نقش زیان‌آوری در روند درمان ایفا می‌کند. هرگونه تفکری با انرژی پایین داشته باشید توانایی درمان شما را کاهش می‌دهد. همه‌ی این پنج نتیجه که بر مبنای تحقیقات استوار هستند ما را از اهمیت تغییر تمرکزمان و پیوند به دامنه‌ی درمان‌کننده قصد و هماهنگی با آن آگاه می‌کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از افکار بیماری تا قصد خوب بودن

حتماً با عبارتی که می‌گوید «و خداوند گفت: نور باشد و نور بود از کتاب عهد عتیق آشنا هستید. اگر به یک فرهنگ لغت انگلیسی-عبری نگاه کنید خواهید دید که ترجمه‌ی انگلیسی از عبری می‌تواند این‌طور خوانده شود: «**و خداوند قصد کرد...**» تصمیم خلق تصمیم قصد است. برای خلق درمان، نمی‌توانید افکاری از بیماری داشته و جسم‌تان را قربانی مرضی کنید.

از افکار حمایت‌کننده از ایده‌ی مرضی به عنوان چیزی که باید توقع‌اش را داشته باشید آگاه باشید. به فرکانس آن افکار توجه کنید. هر چه بیشتر فضای روانی شما را اشغال کنند مقاومت بیشتری در برابر شناخت قصدتان ایجاد می‌کنید.

می‌دانید افکار مقاوم چه نوع افکاری هستند: این آرتروز چاره ندارد. فصل سرماخوردگی است. حالا خوب هستم اما تا آخر هفته در سینه‌ام ریخته و تب خواهم کرد. در یک دنیای سرطانی زندگی می‌کنیم. همه چیز یا چاق‌کننده یا پر از مواد شیمیایی است. همیشه احساس خستگی می‌کنم. همین‌طور ادامه پیدا می‌کنند. آن‌ها مانند موانع بزرگی هستند که بر سر راه شناخت قصد قرار می‌گیرند. به افکاری که از طرف شما از طریق حالت‌های روانی تصمیم به خرید از شرکت‌های دارویی بزرگ دارند و به صنعتی که می‌کوشد برای بقا خود بر ترس‌های شما سوار باشد توجه کنید.

اما فراموش نکنید شما الهی هستید. تکه‌ای از ذهن کیهانی قصد هستید و نباید به این شکل فکر کنید. می‌توانید فکر کنید که قادر به بالا بردن سطح انرژی خویش هستید حتی اگر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همه چیز در اطراف شما به نکته‌ی دیگری اشاره کند. می‌توانید به درون خود رجوع کرده و قصه‌ی برگزینید که می‌گویید: می‌خواهم حس خوبی داشته باشم، قصد می‌کنم حس خوبی داشته باشم، قصد می‌کنم به مبدأ برگردم و پذیرش هرگونه فکری از بی‌نظمی و بیماری را رد می‌کنم. این شروع کار است. با این تجربه‌ی منحصر به فرد احساس قدرت خواهید کرد. سپس در هر لحظه‌ای که حس خوبی نداشتید افکاري از درمان و احساس خوب انتخاب کنید. در این لحظات حس خوب حتی اگر برای چند لحظه هم که باشد ناراحتی را دور می‌کند.

وقتی زندگی در انرژی پایین را رد کنید و لحظه به لحظه بر افکاري متمرکز باشید که از قصد شما حمایت کنند به طور مؤثری خوب بودن را برگزیده‌اید و درمان‌گر بودن هم جزئی از آن تصمیم است. در این موقع، چرخ‌های خلقت به حرکت در می‌آیند و آنچه در ذهن خود تصور و خلق کرده‌اید در زندگی روزانه‌ی شما شکل می‌گیرد.

بار دیگر که در حال تفکر بر موضوعی با انرژی پایین بودید آن را قطع کنید. ببینید که به چه سرعتی می‌توانید حس خود را با رد فکر به موارد ناهماهنگ با مبدأ قصد تغییر دهید.

شما را تشویق می‌کنم که کار را انجام دهید. خیلی ساده دیگر فکر نخواهم کرد که باید قربانی بیماری یا ناتوانی شوم و لحظات ارزشمند زندگی را با بحث درباره‌ی بیماری هدر نخواهم داد. من یک درمان‌گرم. خودم را در همکاری با خداوند برای خلق سلامتی درمان می‌کنم و این موهبت را به دیگران تقدیم می‌کنم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این قصد من است.

بیماری یک تنبیه نیست.

وقتی ما خود را از سلامتی کامل از آنچه ما را به اینجا قصد کرده جدا کردیم. بیماری جزئی از شرایط انسانی ما شد. به جای پرداختن به دلایل عقلانی که چرا انسان‌ها بیمار می‌شوند و یافتن دلیل منطقی برای درک بیماری به شما توصیه می‌کنم فکر کنید که توانایی یک درمان‌گر ماهر را دارید. سعی کنید بیماری‌های انسان را از دیدگاه چیزی که نژاد بشر به طور جمعی به دلیل تعریف خود از جنبه‌ی خویش پایش‌اش به جای ماندن با الوهیتی که از آن پدیدار شد، برگزیده است. از این هویت جمعی خویش پایش تمامی مشکلاتی را که به آن مربوط می‌شود از قبیل: ترس، نفرت، ناامیدی، اضطراب، افسردگی، خلق کرده است. خویش پایش از این احساسات تغذیه می‌کند چرا که به هویت خود به عنوان ماهیتی جدا از نیروی الهی که ما را در این مکان قصد کرده اصرار می‌ورزد.

در واقع هر فرد از نژاد انسان به طریقی به ایده‌ی جدایی و تعیین هویت از طرف خویش پایش رسیده است. در نتیجه، بیماری، مرض و نیاز به درمان جزوی از قلمرو انسانی است. به هر حال نیازی نیست که حس کنید، آنجا گیر افتاده‌اید. نیروی قصد در مسیر بازگشت به سوی مبدأ تکامل است. شناخت از این که نیروی درمانگری در ایجاد آن پیوند الهی با مبداء منتظر شماست و مبدأ با پرداخت بدهی‌های کار میک قبلی از طریق رنج و سختی کسی را تنبیه نمی‌کند. چون بد یا جاهل بودید و یا به عنوان مجازات برای لغزش‌های زندگی گذشته نیست که به درمان نیاز دارید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هر چه تجربه می‌کنید درسی است که در این سفر لازم دارید که به وسیله‌ی مولدهوشمندی که قصد می‌نامیم هدایت می‌شود.

در یک جهان ابدی، باید خود و دیگران را به صورت نامحدود نظاره کنید. یعنی شما فرصت‌های نامحدودی درجسم مادی برای همکاری در خلق هر چیزی دارید. همان‌طور که بیماری جسم و ذهن را مانعی برای زندگی خود و کل بشریت می‌بینید سعی کنید آن را به صورت بخشی از طبیعت لایتناهی جهان نیز مشاهده کنید. اگر گرسنگی، طاعون یا بلا جزئی از تکامل جهان هستند، قصد شما نیز به عنوان بخشی از همان تکامل می‌تواند به آن‌ها خاتمه دهد. حالا می‌دانید که اول در زندگی خود سپس در زندگی دیگران با آن قصد بمانید. قصد شما با قصد کیهان هماهنگ خواهد بود که چیزی از خویش‌های پایین و جدایی نمی‌داند و تمام افکار مربوط به بیماری به شکل تنبیه یا بدهی‌های کارمیک متوقف خواهد شد.

قصد خود را واقعیت خود نمایید

در زیر طرح ده مرحله‌ای من برای به‌کارگیری قصداً ارائه شده این فصل جهت به کمال رساندن توانایی درمان توضیح داده شده است:

گام اول- نمی‌توانید کسی را درمان کنید مگر این‌که نخست خود درمان شوید. در تلاشی همراه با مبدأ برای درمان خود کار کنید. تمامی انرژی متمرکز خود را بر این شناخت استوار کنید که می‌توانید از بیماری‌های فیزیکی و عاطفی به سلامتی کامل خود برگردید. به یک انرژی پر از عشق، مهربانی و پذیرنده جهت درمان وصل شوید که دامنه‌ای است که شما را به این جهان قصد کرده است. مایل به پذیرفتن این حقیقت باشید که شما بخشی از انرژی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درمانی کل زندگی هستید. همان نیرویی که زخمی در دست شما را بهبود داده و پوستی جدید بر آن می‌رویاند، در دست شما و هم در جهان موجود است. شما آن هستید و آن شما. جدایی‌ای در کار نیست. از اتصال با این انرژی درمانی آگاه باشید چون جز در افکار تحت سلطه‌ی خویش پایین خود ممکن نیست که از آن جدا بمانید.

گام دوم- انرژی درمانی را که در مهمی اوقات به آن وصل هستید به دیگران انتقال دهید.

این انرژی را آزادانه منتقل کنید و خویش پایین خود را کاملاً از روند درمان دور نگاه دارید. به خاطر بیاورید که چرا سنت فرانسویس آسیزی خود را از مرضی که منجر به مرگ او در چهل و پنج سالگی شد درمان نکرد و چگونه پاسخ داد: **«می‌خواهم همه بدانند که این خداوند است که درمان می‌کند.»** سنت فرانسویس از سلطه‌ی خویش پایین خارج بود و عمداً بیماری را تحمل کرد تا به همه نشان دهد که تمام معجزات و درمان‌هایی که انجام داده از طریق خداوند بوده است.

گام سوم- با بالا بردن انرژی خود در ارتعاشی هماهنگ با دامنه‌ی قصد سیستم ایمنی جسم خود را تقویت کرده و تولید آنزیم‌های آرام‌بخش را در مغز افزایش می‌دهید.

تغییر شخصیت از کینه‌توزی، بدبینی، خشم، عبوسی و عدم تطابق به شوق، خوشبینی، مهربانی، شادی و درک، اغلب کلیدی بر اعمال معجزه‌آسا بهبود خودبه‌خودی از بیماری‌های مهلك است.

گام چهارم- تسلیم بودن را تمرین کنید. گذشتن ورها کردن طرح بزرگی در جهت بهبود است همین‌طور یادآوری شگفت‌انگیزی در جهان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درمان یا تسلیم بودن به منبع درمان است. با تسلیم بودن، به منبع درمان احترام گذاشته و با آن ارتباط حاصل می‌کنید.

به خاطر داشته باشید که دامنه‌ی قصد چیزی درباره‌ی درمان ذاتی نمی‌داند چرا که تکامل معنوی است و از آن دیدگاه خلق می‌کند. آگاهی خویش پایین است که بی‌نظمی، ناهماهنگی و بیماری جهان ما را خلق می‌کند و در بازگشت به آن تکامل معنویست که هماهنگی بدن، ذهن و روح شناخته می‌شود. تراز حاصل شده را درمان می‌نامیم اما مبدأ از درمان چیزی نمی‌داند چرا که فقط سلامت کامل خلق می‌کند. به این سلامتی کامل است که باید تسلیم شوید.

گام پنجم - تقاضای درمان نکنید، بخواهید تا به تکاملی که از آن پدید آمده‌اید بازگردید.

اینجا، جایی است که می‌خواهید قصدی برای خود و دیگران در روشی نرمش‌ناپذیر و غیرقابل معامله نگه دارید. نگذارید چیزی با قصد درمان کردن و درمان شدن شما تداخل پیدا کند. تمام موارد منفی‌ای که با آنها مواجه می‌شوید نادیده بگیرید. از پذیرفتن هرگونه انرژی تضعیف‌کننده اجتناب کنید. برای دیگران نیز به همان ترتیب عمل کنید. به خاطر داشته‌باشید که از مبدأ نخواهید که شما را درمان کند چرا که به این معنی است که سلامتی از زندگی شما بیرون رفته است. در این کار فرض بر مضیقه است اما مبدأ به چیزی که هست و می‌شناسد پاسخ می‌دهد که شما نیز جزئی از آن هستید. به صورت کل و کامل به مبدأ بیایید، تمام افکار بیماری را از بین ببرید و بدانید که با اتصال به مبدأ، انباشته کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خود با آن و ارایه آن به دیگران به خود درمان تبدیل می‌شوید.

گام ششم- بدانید که پرستیده می‌شوید.

دلایلی برای ستایش و حس خوب جستجو کنید. در لحظاتی که افکاري از قبیل حس بد یا بیماری تجربه می‌کنید، سعی کنید آن‌ها را به افکاري از حس خوب تغییر دهید و اگر به نظر غیرممکن آمد منتهای سعی خود را بکنید که هیچ چیزی نگویند. از حرف زدن درباره‌ی بیماری امتناع کنید و افکاري را که منجر به بهبود حس خوب و سلامت کامل می‌شوند فعال کنید. خود را سالم تصور کنید. دنبال فرصتی باشید تا به خود بگویید، من خوب هستم. قصد می‌کنم که مقدار بیشتری از این حس خوب را جذب کنم و قصد می‌کنم که آن را به هر که نیاز داشته باشد بدهم.

گام هفتم- دنبال سکوت باشید و آن را پاس بدارید.

عده‌ی بسیاری که به مدت طولانی دچار بیماری بوده‌اند قادر به بازگشت به مبدأ از طریق کانال طبیعت و تعمق در سکوت هستند. در سکوت خود را با دامنه‌ی قصد در سلامتی کامل تصور کنید.

با این منبع راز و نیاز کنید و دستیابی به انرژی معنوی بالا را تمرین کنید و کل وجود خود را در این نور شستشو دهید. مراقبه همیشه برای من حکم درمان داشته است. وقتی خسته هستم، چند لحظه‌ی در سکوت دسترسی به ارتعاشات پرمهر، پرعشق و بالاتر به من انرژی می‌دهد. وقتی حالم خوب نیست چند لحظه سکوت و تماس آگاهانه با خدا نه تنها تمام چیزهای لازم برای حس خوب را به من می‌دهد بلکه باعث می‌شود بتوانم به دیگران



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نیز کمک کنم. همیشه این جمله هرمان ملویل را
به خاطر می‌آورم:

«سکوت تنها صدای خداوند است.»

اینجا گزیده‌ای از نامه‌ی دربی هربرت است
که برای من نوشته بود که در حال حاضر ساکن
جکسون هول در وایو مینگ است. او بیش از
دوده را با حسی از مورد سوء استفاده قرار
گرفتن و نگاه کردن به شرایط زوال جسمی اش
گذراند. در نهایت

او طبیعت، سکوت و مراقبه را انتخاب کرد.
من عبارات او را (با عهدش) تکرار می‌کنم:
به مدت یکسال در یک خانه خالی زندگی
کردم. سپس برای دفع انرژی منفی و مردمی که
در اطرافم دایم مرا مورد قضاوت قرار
می‌دادند به دو هزار مایل دورتر یعنی به
جکسون هول نقل مکان کردم. شکوه و آرامش
این مکان مقدس و زیبا بلافاصله جادویش را
عملی کرد. به مدت دو سال در سکوت زندگی
کردم. مراقبه و سپاس شیوه‌ی زندگی‌ام شد.
رها ساختن انرژی پایین و حرکت به سوی انرژی
بالا با کمک شما معجزاتی پدید آورد. از
چشم‌های بیمار کننده، آسیب‌های درونی،
مننژیت دور شدم. به آرامی از داروهای
خطرناک که برای کنترل بیماری می‌خوردم خلاص
شدم و می‌دانم که می‌توانم این کار را انجام
دهم. شما راه خوب بودن را به من نشان دادید
و برای همیشه سپاسگزار خواهم بود. وین
خداوند هزار بار به شما برای دنبال کردن
رحمت هایش و کمک به دیگران برکت بدهد.
امیدوارم روزی برسد که بتوانم شخصاً قدردانی
کنم. شما را در Gap خواهم دید.
**گام هشتم - سلامتی بودن، باید در کلیتی که
هستید تعریف شوید.**



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌توانید از دیدن خود به عنوان جسم فیزیکی باز ایستاده و خود را در ایده‌ی آسایش مطلق غرق کنید. که می‌تواند هویت جدید شما باشد.

این‌جا فقط خوب بودن را نفس می‌کشید، فقط به سلامت کامل فکر می‌کنید و از اشکال بیماری در جهان جدا می‌شوید. دیر نمی‌شود که فقط تکامل را در دیگران تشخیص می‌دهید. در حقیقت خود استوار بوده، افکاری از آسایش انعکاس داده و تنها از امکان نامحدود برای درمان تمامی روندهای بیماری‌ها صحبت می‌کنید. این هویت صحیح شما از کلیت است و آن را زندگی می‌کنید طوری که گویی شما و مبدأ خالق یکی هستید. این حقیقت نهایی شماست و می‌توانید اجازه دهید که این هاله‌ی پویای کلیت تراوش کرده و تمام افکارتان را تا زمانی که تنها چیزی است که برای ایثار دارید احیاء کند. به این شکل درمان می‌شوید، از طریق شناخت درونی و اعتماد به کلیت خود.

گام نهم - بگذارید سلامتی به زندگی شما جاری شود.

از مقاومتی که با جریان طبیعی انرژی سالم به طرف شما تداخل می‌یابد آگاه باشید. این مقاومت در شکل افکار شماست. هر فکری که خارج از هفت چهره‌ی قصد باشد مقاومت است. هر فکری که می‌گوید غیرممکن است خوب شوید مقاومت است. هر فکری از ترس و تردید مقاومت است. به این افکار حساس باشید، به آن‌ها دقت کنید و سپس عمداً افکاری را که در تراز ارتعاشی و انرژی با مبدأ قصد هستند فعال کنید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام دهم - در حالت سپاسگزاری غوطه‌ور باشید.

برای هر نفسی که می‌کشید سپاسگزار باشید... برای همی ارگان‌های داخلی فرد که در هماهنگی با هم کار می‌کنند... برای کلیتی که جسم شماست... خونی که در رگ‌های شما جاریست...

مغزتان که باعث می‌شود این کلمات را به کار بگیرید و چشم‌ها که باعث می‌شود آن‌ها را بخوانید. حداقل یک بار در روز به آینه نگاه کنید و تشکر کنید به خاطر قلبی که در حال تپش است و نیروی نامرئی‌ای که آن تپش‌ها به آن وابسته است در حالت سپاس باقی بمانید. این مطمئن‌ترین راه برای حفظ رشته‌ی پیوند با سلامت کامل و خالص است.

یکی از پیام‌های عیسی ناصری از هر چیزی که در این فصل درباره‌ی قصد درمان گفته شد مناسبتر است!

اگر آنچه در درون شماست رشد دهید

آنچه رشد می‌کند شما را حفظ خواهد کرد

اگر این کار را نکنید

آنچه رشد نمی‌کند شما را ویران خواهد کرد

آنچه در درون شماست نیروی قصد است. هیچ میکروسکوپی آن را نشان نخواهد داد. می‌توانید مرکز فرمان را با تکنولوژی اشعه ایکس پیدا کنید اما فرمانده در مرکز فرمان نسبت به ابزار آزمایش پیچیده ما تأثیرناپذیر باقی می‌ماند. شما آن فرمانده هستید. به جای ماندن در حالت ناامیدی، باید خود را در هماهنگی ارتعاشی با بزرگترین فرمانده‌ها قرار داده و آن را برای محافظت از خود رشد دهید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فصل چهاردهم

قصه من این است:
از نبوغی که دارم قدردانی می‌کنم.

«هر کسی نابغه متولد شده اما روند زندگی
نبوغ را در آن‌ها از بین می‌برد.»

باک مینیستر فولر

در نظر داشته باشید که تمامی انسان‌ها در درون خود از یک ماهیت آگاهی برخوردارند. روند فعالیت و نبوغ ویژگی‌های آگاهی انسان هستند. بنابراین، نبوغ نیرویی است که در درون شما و هر انسان دیگری است. لحظات بسیاری از نبوغ در زندگی دارید. لحظاتی که ایده‌های درخشان و منحصر به فرد دارید و آن را به کار می‌گیرید به شرط این‌که بدانید ایده‌های عالی‌ای هستند. شاید چیز حیرت‌آوری خلق کنید که خودتان نیز شگفت‌زده شوید. لحظاتی است که در بازی گلف یا تنیس ضربه‌ی درستی به توپ می‌زنید و با لذت فراوان آنچه انجام داده‌اید ادراک می‌کنید.

شما یک نابغه هستید. هرگز راجع به خودتان به عنوان کسی که نابغه‌ای در درونش ساکن است فکر نکرده‌اید. این‌طور یاد گرفته‌اید که نابغه کلمه‌ی شایسته‌ی موتزارت، میکلائو، انشتین، مادام کوری، ویرجینا وولف، استفن هاوکینگز و دیگر کسانی است که زندگی و اعمالشان در معرض عموم قرار گرفته است. اما به یاد داشته باشید که آن‌ها در همان ماهیت آگاهی سهم هستند که شما، از همین نیروی قصد پدید آمده‌اند که شما، همه از یک نیروی زندگی که به آنها جان داده سهم برده‌اند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مانند شما. نبوغ در هستی شماست که منتظر موقعیت مناسبی برای بیان خود است. در این جهان هدفمند چیزی به اسم شانس یا اتفاق وجود ندارد. نه تنها همه چیز به همه چیز ارتباط دارد بلکه هیچ کس از مبدأ کیهانی که قصد نام دارد جدا نیست و نبوغ، از آنجا که خصوصیتی از مبدأ کیهانی است باید که جهانی باشد یعنی محدود نیست. در دسترس هر انسانی است. به یقین در هر فردی به شکلی خود را نشان می‌دهد. کیفیت خلاقیت و نبوغ در درون شماست که منتظر تصمیم شما در هماهنگی با نیروی قصد است.

تغییر سطح انرژی جهت دستیابی به نبوغ درون

دیوید هاوکینز در کتاب روشن‌گری کننده اش تحت عنوان قدرت در مقابل قدرت نوشت: «نبوغ در تعریف روشی از آگاهی است که با توان دسترسی به الگوهای جذبکننده انرژی بالا مشخص می‌شود.»

از ویژگی‌های شخصیت نیست. چیزی نیست که شخصی داشته باشد و نه حتی چیزی که انسانی باشد. کسانی که نبوغ را در آنها تشخیص می‌دهیم به طور عموم آن را کتمان می‌کنند. یک ویژگی جهانی نبوغ فروتنی است. نابغه همیشه بینش‌های خود را به تأثیر برتر دیگری نسبت می‌دهد. نبوغ ویژگی نیروی خلاق است که باعث می‌شود خلقت ماده به شکل در آید. (اولین از هفت چهره‌ی قصد). بیانی از الوهیت است.

هیچ کسی که به عنوان نابغه شناخته شده از سر لارنس اولیویه در صحنه هاملت، مایکل جردن در بازی بسکتبال، کلارنس دارو در صحبت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

باژوري، ژون آرک الهام بخش يك ملت يا خاتم فور، معلم کلاس هشتم من که داستاني را در کلاس جان مي داد نمي توانند توضيح دهند که انرژي قابل اجرا در کجاي آن سطوح شکل مي گيرد. گفته شده که سر لارنس اوليويه بعد از يکي از نمايشنامه هایش در نقش هاملت در لندن آشفته شد.

وقتي از او پرسيدند که چرا پس از تشويق رعد آساي تماشاچيها ناراحت شد. پاسخ داد: **«مي دانم که بهترين بازي ام بود اما نمي دانم چطور اين کار را انجام دادم، از کجا آمد و آيا دوباره مي توانم تکرار کنم.»**

خویش پایین و نبوغ به طور دوجانبه اي اختصاصي هستند. نبوغ کاربردي از تسليم در برابر مبدأ يا وصل دوباره به آن است به حدي پرشور که خویش پایین به حداقل تنزل مي يابد. اين چيزي است که دکتر هاوکينز در عبارت دستيابي به الگوهاي انرژي بالاتر اشاره مي کند. انرژي بالاتر، انرژي نور است که روشي براي توضيح انرژي معنويست هفت چهره ي قصد اجزاء اين انرژي معنوي هستند. وقتي افکار، احساسات و فعاليتهاي زندگيتان را به اين قلمروها تغيير مي دهيد و انرژيهاي پايين تر خویش پايين را منفعل مي کنيد، نيروي خداوند درون شما امور را به دست مي گيرد. به حدي خودکار است که از نگرشي سريع تر حرکت مي کند. براي همين است که افکار شما درباره ي چگونگي انجام کاري حيرت زده مي ماند. سطح انرژي بالاتر افکار را با حرکت به طرف هماهنگي ارتعاشي با منبع انرژي قصد ترفيع مي دهد. همان طور که افکار تحت سلطه ي خویش پايين را رها مي کنيد (که شما را متقاعد مي کنند که اين کارهاي شگفت انگيز را شما



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

انجام می‌دهید و مسؤل این اعمال باورنکردنی هستید) به نیروی قصد ضربه می‌زنید. این جای است که نبوغ شما منزل دارد.

مردم بسیاری با این جهان درونی از نبوغ شخصی خود آشنا نمی‌شوند و تصور می‌کنند که نبوغ تنها در اندیشه و هنر قابل سنجش است. نبوغ در سایه افکار آنها می‌ماند و در یورش‌های گاه‌گاه آنها به درون نادیده می‌ماند یا حتی قفل و زنجیر می‌شود! اگر به شما یاد داده شد که خیلی از بالا به خود فکر نکنید و نبوغ برای عده‌ی برگزیده‌ای از افراد ذخیره شده احتمالاً در مقابل این ایده مقاومت می‌کنید. اگر بر این باور شرطی شده باشید که سرنوشت خود را قبول کرده، فکرهای کوچک کنید، سعی به هماهنگی با گروه‌های معمولی مردم نمایید و برای جلوگیری از ناامید شدن اهداف بزرگ را انتخاب نکنید جنبه‌ی نبوغ خود را خواهید شناخت.

این‌که چه چیزی ایده‌ای بنیادی به نظر می‌رسد بررسی کنید:

نبوغ در راه‌های مختلف به تعداد انسان‌ها ظهور می‌کند. هر چیزی که هر کسی در هر زمینه‌ای انجام داده در اشتراك شماست. شما به هر موجودی که تا کنون زندگی کرده و خواهد کرد متصل هستید و درست در همان انرژی قصدی که از طریق ارشمیدس، لئوناردو داوینچی، مریم مقدس و جوناس سالک جاری شد سهم هستید. در عمیق‌ترین سطح، همه چیز در همه کس در دامنه‌های سازمان‌یافته از ارتعاشاتی ترکیب شده‌اند که در کل ساختار جهان پراکنده است. شما در این ارتعاشات شریک و در این دامنه حضور یافته‌اید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نقطه‌ي آغازين شناخت و درك اين است كه اين سطح از خلاقيت و کاربرد كه نبوغ ناميده مي‌شود در درون شماست. سپس شروع به از بين بردن ترديدهايتان درباره‌ي نقش‌تان در جهان نماييد. براي بالا بردن سطوح انرژي خود در ارتعاش هماهنگ با دامنه‌ي قصد علي‌رغم تلاش خويش يا بين خود و ديگران كه سعي به منحرف كردن شما دارند، متعهد شويد.

دكتر والري هانت در كتاب ذهن نامحدود، علم ارتعاشات آگاهي انسان به ما خاطرنشان مي‌كند:

«ارتعاشات پايين‌تر در واقعيت مادي موجود است، ارتعاشات بالاتر در واقعيت پنهان و طيف ارتعاشي كاملي از واقعيت گسترده وجود دارد.» براي به‌كارگيري قصد جهت سپاس و بروز دادن نبوغ‌تان بايد براي طيف كامل ارتعاش تلاش كنيد.

اين ايده‌ي توسعه است كه براي شناخت نيروي واقعي شما حياتي است. چيزي است كه در زمان ترك جهان بي‌شكل قصد در آن ثبت‌نام كرديد. شما در همكاري خداوند جسم و هستي‌اي براي بيان نبوغ دروني خلق كرده‌ايد كه ممكن است در اتاقي غيرقابل دسترس آن را محبوس كرده باشيد.

توسعه واقعيت شما

نيروي كيهاني خالق شما هميشه در حال گسترش است و هدف شما ايجاد هماهنگي با آن مبدأ و در نتيجه بازيابي نيروي قصد است. پس چه چيزي است كه شما را از توسعه به سوي واقعيت نهان و طيف كامل ارتعاشي كه دكتر هانت به آن اشاره مي‌كند دور نگه مي‌دارد؟

من اين پاسخ را از ويليام جيمز دوست دارم كه اغلب به عنوان پدر روان‌شناسي از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

او یاد می‌شود: «نبوغ یعنی کمی بیش از استعداد ادراک در شیوه‌ای غیرمعمول.» برای توسعه‌ی واقعیت خود در هماهنگی با وسعت دامنه‌ی خلاق قصد باید عادت قدیمی فکر خود را کنار بگذارید. این عادت شما را به نقطه‌ای می‌برد که اجازه می‌دهید علایی به شما وصل شوند. این علایم شما را به شیوه‌های مختلف تعریف می‌کنند.

بیشتر این علایم از سایر مردمی است که نیاز دارند تعریف کنند که شما چه چیز نیستید، چون با پیش‌بینی آنچه که نمی‌تواند باشد بیشتر تا آنچه می‌تواند احساس امنیت می‌کنند: هرگز خیلی هنری نبوده. کمی سر به هواست نمی‌تواند ورزشکار شود. ریاضیات هرگز برای او مناسب نبوده.

کمی خجالتی است پس نمی‌تواند ارتباط عمومی خوبی داشته باشد. این‌قدر این حرف‌ها را شنیده‌اید که آن‌ها را باور کرده‌اید. آن‌ها به روش‌های تفکری عادی درباره‌ی توانایی‌ها و نیروهای شما تبدیل شده‌اند. همان‌طور که ویلیام جیمز می‌گوید: نبوغ یعنی تغییر دادن فکر به طوری که بتوانید از آن عادت‌ها بگذرید و خود را به روی امکانات و بزرگی بکشانید.

از وقتی مرد جوانی بودم نمونه‌هایی درباره‌ی نویسنده‌ها و سخنران‌ها شنیده بودم. اگر نویسنده هستید، پس درون‌گرا هستید و نویسنده‌ها نمی‌توانند سخنرانی‌های قدرتمندی انجام دهند. من انتخاب کردم که از شیوه‌ی تفکری الگودار و برنامه‌ریزی شده تغییر کنم و تصمیم گرفتم هر کاری که مورد تأیید و قصدم بود انجام دهم. تصمیم گرفتم باور کنم که وقتی به این جهان مرزها و شکل‌ها پا گذاشتم هیچ محدودیتی برای من نبود. از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دامنه‌ی انرژی وسیعی که از علائم و محدودیت‌ها هیچ نمی‌داند به اینجا قصد شده‌ام. تصمیم گرفتم هر دو یک نویسنده‌ی درون‌گرا و یک سخنگوی قدرتمند برون‌گرا باشم. همین‌طور تصمیم گرفتم عادت‌های تمثیل شده‌ی اجتماعی مانند روش‌های برچسب زدن به مردم را در هم بشکنم. بنابر پدر روان‌شناسی مدرن، اگر یاد بگیرم به طریقی غیرمعمول ادراک کنم می‌توانم در هر زمینه‌ای نابغه باشم. می‌توانم آواز بخوانم، اشعار احساسی بنویسم، نقاشی‌های ظریف بکشم و درعین حال ورزشکاری در هر رشته‌ی ورزشی که بخواهم باشم، قطعه‌ی نفیسی از آثابه بسازم، اتومبیل را تعمیر کنم، با فرزندانم کشتی بگیرم یا روی اقیانوس موج‌سواری کنم.

به خودتان طوری توجه به خرج دهید که توسعه‌ی امکانات نامحدودی را که توان آن را دارید مجاز نماید. شاید مانند من تصمیم بگیرید که تعمیر اتومبیل یا موج‌سواری در اقیانوس برای شما لذت‌بخش نیست. آن کار را برای دیگران گذاشته و از نبوغتان برای پیگیری کارهایی استفاده کنید که دوست دارید. واقعیت خود را به نقطه‌ای وسعت دهید که بتوانید کاری را که دوست دارید انجام دهید. خود را در سطوح بالای انرژی، اعتماد، خوشبینی، سیاست‌گذاری، احترام، شادی و عشق قرار دهید. یعنی به آن چیزی که انجام می‌دهید، عشق برای خودتان و عشق به نبوغتان که اجازه می‌دهد خود را در فعالیت‌ی غرق کرده و از روند تجربه‌ی کامل آن لذت ببرید.

اعتماد به بینش‌های درونی‌تان

روند قدردانی از نبوغتان بستگی به اعتماد به بارقه‌های درونی‌ بینش خلاق دارد که ارزش بیان دارند. ترانه‌ای که در ذهنتان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

می‌سازید. خط داستانی عجیب که در خیال خود دارید که بشود فیلم داستانی‌ای از آن ساخت. ایده‌ی احمقانه‌ی ترکیب دانه لوبیا و هویج و پرورش سبزیجات هویجی. طرح ماشین جدیدی که همیشه در ذهن داشتید. ایده‌ای درباره‌ی مُد که می‌تواند مُد جدید بعدی باشد. اسباب‌بازی که هر بچه‌ای دوست داشته باشد. نمایش پرزرق و برق موسیقی که در ذهن دارید. این ایده‌ها و هزاران ایده مانند آن‌ها نبوغ خلاق است که در درون شما کار می‌کند. این ایده‌ها در تخیل شما توزیعی از خداوند است. از خویش پایین شما نیستند که آن‌ها را با ترس و تردید له کنید. بینش‌های درونی شما به صورت الهی به شما الهام می‌شوند. ذهن خلاق شما به طریقی است که خویش برترتان در هماهنگی با دامنه‌ی قصد همیشه در حال خلقت مرتعش می‌شود.

از بین بردن تردید با توجه به این بارقه‌های درخشان بینش درونی شما را مجاز به بیان ایده‌ها و آغاز روند عمل بر مبنای آن‌ها می‌کند. داشتن افکار و از بین بردن آن‌ها به دلیل این‌که فکر می‌کنید به حد کافی خوب نیستند یا هیچ حرکت خوبی را سبب نمی‌شوند مانع پیوند شما با نیروی قصد می‌شود. رشته‌ی پیوندی با قصد دارید اما با زندگی عادی در سطوح آگاهی خویش پایین آن را تضعیف می‌کنید. به خاطر داشته باشید که شما تکه‌ای از خداوند هستید و بارقه‌ی درونی نبوغ در تخیل شما، صدای شهودی خداست که منحصر به فرد بودن‌تان را به یاد شما می‌اندازد. شما این بینش‌های درونی را دارید به خاطر این‌که دقیقاً چگونگی اتصال با نبوغ خلاق قصدی است که شما را به اینجا آورده. همان‌طور که قبلاً



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گفتم، اعتماد به خود اعتماد به خریدیست که شما را خلق کرده است.

هرگز، به فکر خلاق خود جز به عنوان نیرویی برای ابراز نبوغ درونی نگاه نکنید. نکته اینجاست که این افکار باید هماهنگ با هفت چهره‌ی قصد باشند. گفتگوهای درونی ناشی از نفرت، خشم، ترس، ناامیدی و تخریب، بینش‌های درونی خلاق را نمی‌پرورانند. افکار تحت سلطه‌ی خویش پایین که ناشی از انرژی پایین هستند باید به نیروی قصد تبدیل شوند. انگیزه‌های خلاق شما واقعی، حیاتی، ارزشمند و نیازمند بیان هستند. قابلیت متصور ساختن آنها دلیلی برای این موضوع است. افکار شما واقعی هستند. انرژی ناب هستند و می‌گویند که توجه به خرج بدهید و آن رشته‌ی پیوند با نیروی قصد را از طریق زندگی در سطوح مختلف صیقل دهید و زندگی عادی را نپذیرید. در این سطوح هر کسی یک نابغه است.

قدردانی از نبوغ دیگران

هر کسی در تقابل با شما می‌تواند تا بش درونی ناشی از قدردانی حس کند به‌خصوص برای راه‌هایی که خلاقیت خود را با آن ابراز می‌کند. یک طرح اساسی که نیروی قصد را تقویت کند همان قدر که برای شما منتظر دیگران نیز هست. قدردانی از نبوغ دیگران سطوح بالایی از انرژی مناسب را به سوی شما جذب می‌کند. با دیدن و سپاس از نبوغ خلاق کانالی درونی برای دریافت انرژی خلاق از دامنه‌ی انرژی باز می‌کنید.

پسر پانزده ساله‌ام ساندز روش خاصی برای موج‌سواری در اقیانوس به غیر از شیوه‌های عادی دارد. من او را تشویق به انجام چیزی می‌کنم که به طور طبیعی به سوی او می‌آید و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اینکه آن را با غرور ابراز کند. او همچنین زبان خاصی برای مکالمه ایجاد کرده مانند برادرم دیوید، که سایر اعضا خانواده و آشنایان نزدیک آن را به کار می‌گیرند. خلق زبانی که دیگران از آن استفاده کنند یک نبوغ است. این را به ساندز و برادرم می‌گویم، که با زبان منحصر به فرد آن‌ها بیش از نیم قرن است که صحبت می‌کنم. دخترم اسکای صدای خاصی در خواندن دارد که عاشق آم. به او هم می‌گویم و اشاره می‌کنم که این بیانی از نبوغ است.

همه‌ی بچه‌های من و بچه‌های شما (شامل کودک درون شما) ویژگی‌های بی‌نظیری در شیوه‌های بیان خود دارند. از شیوه‌ی لباس پوشیدن تا یک خالکوبی کوچک، امضای‌شان، آدا و اصول، جمله‌های ناهم‌نگ شخصیت‌شان که می‌توانید نبوغ‌شان را تحسین کنید. نبوغ خود را نیز دیده و تحسین کنید. وقتی مانند بقیه هستید چیزی جز تطابق برای آرایه ندارید. مسیر دیدن چهره‌ی خدا را در هر کسی که روبه‌رو می‌شوید اختیار کنید.

دنبال چیزی برای تحسین در دیگران بگردید و تمایل داشته باشید که آن را به ایشان و هر کس که مایل به شنیدن است بازگو کنید. وقتی این کیفیت را در دیگران می‌بینید دیر نمی‌شود که این نیرو را در دسترس همه‌ی انسان‌ها مشاهده می‌کنید که شامل شما هم می‌شود. شناخت نبوغ در شما بخشی درست از پویایی است. همان‌طور که دکتر هاوکینز در قدرت مقابل قدرت می‌گوید «تا زمانی که کسی نبوغ خود را تأیید نکند مشکل زیادی در شناخت نبوغ دیگران خواهد داشت.»



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نبوغ و سادگی

درك قصد مذکور در این فصل را با ساده کردن زندگی‌تان تا جایی که ممکن است آغاز کنید. نبوغ در محیط تفکر رشد می‌کند جایی که لحظات سرشار از اجبارها و اصرار مردمی نیست که مرتب پند داده و اصرار به شرکت شما در زندگی عادی و روزمره کنند.

نبوغ درون شما در جستجوی تأیید دیگران نیست بلکه در جستجوی فضای آرامی است که ایده‌ها در آن رشد کنند. نبوغ ربطی به ضریب هوشی بالا در یک تست هوش ندارد چرا که سطح بالا و استثنایی از دانش عملی قدیم در هر زمینه‌ی تلاشی انسان است. نابغه می‌تواند شخصی باشد معتبر که با یک ابزار الکترونیکی برای ساعتها احساس شادی کند، می‌تواند در باغ پرسه بزند یا نمونه‌ی ارتباطات خفاش‌ها را در یک شب پرستاره تماشا کند. یک زندگی ساده با رنج‌های کمتری در روش ساده باعث می‌شود نبوغ خلاق شما به سطح آمده و خود را ابراز کند. سادگی رشته‌ای به سوی نیروی قصد ایجاد می‌کند و نبوغ شما شکوفا می‌شود.

قصد را واقعیت خود کنید

در زیر برنامه‌ی ده مرحله‌ای من برای به کارگیری این قصد در قدردانی و ابراز نبوغی که درون شما کار می‌کند، ارائه شده است.

گام ۱- به خود بگویید که یک نابغه هستید. به خود یادآوری کنید که شما یکی از شاهکارهای حضوریافته از دامنه‌ی کیهانی قصد هستید. نیازی به اثبات نبوغ‌تان ندارید و نه به مقایسه‌ی کارهایتان با کارهای دیگران. شما هدیه‌ی منحصر به فردی برای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ارائه به این جهان دارید و در کل تاریخ خلقت منحصر به فرد هستید.

گام دوم- تصمیم بگیرید با دقت بیشتری به بینش‌های درونی خود گوش دهید، مهم نیست که قبلاً چقدر به نظرتان کوچک یا بی‌اهمیت بوده‌اند. این افکار که به نظر شما احمقانه یا فاقد ارزش بوده‌اند پیوند درونی شما با دامنه‌ی قصد هستند. افکاری که مصراغه به نظر می‌رسد، به‌خصوص اگر در رابطه با فعالیت‌ها یا ماجراهای تازه‌ای باشند تصادفی در ذهن شما نیامده‌اند. آن افکار پی‌گیر که از بین می‌روند باید به عنوان گفتگوی قصد با شما در نظر گرفته شوند می‌گویند شما آمده‌اید تا استعداد منحصر به فرد خود را بیان کنید پس چرا نبوغ خود را با کم‌گزینی نادیده می‌گیرید؟

گام سوم- در برابر تمایلات شهود درونی خود عمل سازنده انجام دهید.

هر گامی در جهت بیان انگیزه‌های خلاق گامی در جهت به واقعیت در آوردن نبوغی است که درون شما ساکن است برای مثال، نوشتن و ارسال یک عنوان کتاب بدون توجه به تردیدی که خودتان تا به حال داشته‌اید، ضبط یک سی دی از خودتان در حال خواندن شعر یا ترانه‌هایی که سروده‌اید، خریدن یک سه‌پایه‌ی نقاشی و ابزار هنری و گذراندن یک بعدازظهر با نقاشی یا ملاقات یک متخصص در رشته‌ی مورد علاقه‌تان.

در طی یک فیلم‌برداری اخیر، یک عکاس به من گفت که سال‌ها پیش قرار ملاقاتی با عکاسی مشهور گذاشت و آن ملاقات او را به مسیر کاری که دوست داشت انداخت. از نظر من این مرد یک نابغه بود. عکاسی همیشه برای او جذاب بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حرکت اولیه‌ای که در زندگی انجام داد باعث شد که از نبوغ درون خود قدردانی کند. سپس ملاقات با یک عکاس مشهور به او آموخت که به این وسوسه اعتماد کند و از آن به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط نبوغش با سراسر دنیا استفاده کند.

گام چهارم: بدانید که هر فکری در رابطه با مهارت‌ها، علائق و تمایلات خود دارید معتبر است.

برای تقویت اعتبار افکارشان آن‌ها را خصوصی نگه دارید. به خود بگویید که آن‌ها افکاري بین شما و خدا هستند. اگر آن‌ها را در قلمرو معنوی نگه دارید لزومی ندارد که آن‌ها را به خویش پایین خود معرفی یا در معرض سایر خویش‌های پایین اطرافتان قرار دهید. یعنی هرگز نباید با تعریف و توضیح برای دیگران آن‌ها را به خطر بیندازید.

گام پنجم:

به خود یادآور شوید که وحدت با انرژی راهی است که شما نبوغ درون خود را یافته و انتقال می‌دهید.

در کتاب قدرت در مقابل قدرت دیویدها و کینز این طور نتیجه می‌گیرد: «از مطالعات ما بر می‌آید که وحدت اهداف و ارزش‌های شخص با جذب کننده‌های انرژی بالا بیشتر از هر چیز با نبوغ در ارتباط است.» این مسئله کاملاً در تطابق با درک و بکارگیری نیروی قصد است. انرژی خود را برای هماهنگی ارتعاشی با انرژی مبداء تغییر دهید. ستایشگر زندگی باشید و داشتن افکاري ناشی از نفرت، اضطراب، خشم و داوری را رد کنید. به عنوان تکه‌ای از خدا به خود اعتماد کنید، نبوغ شما شکوفا خواهد شد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گام ششم: فرو تني را تمرين كنيد.

اعتباري براي استعدادها، تواناهايي فكري، مهارت‌هاي حرفه‌اي خود باز نكنيد. در وضعيت احترام و شگفتي بنانيد. حتي وقتي با اين مداد در دستم اينجا م‌نشينم و م‌بينم كه چطور كلمات در مقابلم ظاهر م‌شوند. در حالت گيجي و بهت هستم. اين كلمات از كجا م‌آيند؟ دست من از كجا م‌داند كه چگونه افكار نامرئي مرا در كلمات، جملات و قطعات آشكار كند؟ افكاري كه كلمات را پديد م‌آورند از كجا م‌آيند؟ آيا واقعاً وين‌داير است كه م‌نويسد يا من وين‌داير را در حالي كه كلمات را بر كاغذ پياده م‌كنم، تماشا م‌كنم. آيا خداوند اين كتاب را از طريق من م‌نويسد؟ آيا همان زمان كه نوزادي متولد دهم ماه مه هزار و نهصد و چهل بودم به عنوان پيام‌آوري به اينجا قصد شده بودم؟ آيا اين كلمات وراي عمر من خواهند زيست؟ من از همه اين‌ها سرگشته م‌شوم. در برابر عدم توانايي‌ام در شناخت اينكه همه اكتساباتم از كجا م‌آيند تواضع م‌كنم. فرو تني را تمرين كنيد و به هر چيزي جز خويش پايين خود ارزش بدهيد.

گام هفتم: براي به واقعيت در آوردن نبوغ تان مقاومت را برداريد. مقاومت هميشه به شكل افكارتان ظهور م‌يابد. دنبال افكاري باشيد كه عدم توانايي شما را براي انديشيدن به خود به عنوان يك نابغه از ميان برمي‌دارد، افكاري از شك و ترديد درباره توانايي‌هايتان... يا افكاري كه هر چه درباره نقص استعداد به شما ياد داده شده بود تقويت م‌كنند. تمامي اين افكار و صله ناجور هستند كه مانع هماهنگي ارتعاشي شما با



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دامنه خلاق قصد می‌شوند. خالق شما می‌داند که شما یک نابغه هستید. هر فکری در تضاد با این نشانه مقاومت است که مانع شناخت قصد خواهد شد.

گام هشتم: در دیگران دنبال نبوغ بگردید. به بزرگی که در مردم دیگر مشاهده می‌کنید توجه به خرج دهید.

و اگر در ابتدا آن را ندیدید، قدری انرژی روانی جهت جستجوی آن صرف کنید. هر چه بیشتر مایل به فکر در قالب نبوغ باشید، طبیعی‌تر است که همان استانداردها را برای خود نیز بکار ببرید. به دیگران از نبوغشان بگویید. تا جایی که می‌توانید قابل اعتماد و تعارفی باشید. با انجام این کار شما انرژی پر از عشق، مهر، وفور و خلاق منعکس می‌کنید. در جهانی که بر مبنای انرژی و جاذبه عمل می‌کند خواهید دید که این کیفیات به خود شما برخواهد گشت.

گام نهم: زندگی خود را ساده کنید. پیچیدگی‌ها، قوانین، بایدها، و غیره را از زندگی خود خارج کنید. با ساده‌سازی زندگی و برداشتن چیزهای اضافه و جزئی که فضای زیادی از آن را اشغال می‌کند شما کانالی برای نبوغ درونی خود باز می‌کنید. یکی از مؤثرترین شیوه‌های ساده‌سازی زندگی صرف بیست دقیقه در روز برای سکوت و مراقبه است. هر چه تماس شما با مبداء آگاهانه‌تر باشد، همانند خویش برتر خود را بیشتر ارج می‌نهد. و از همان خویش برتر شماست که نبوغ آشکار می‌شود.

گام دهم: در حالت سپاس فروتن هم باشید. این نابغه‌ای که شما هستید هیچ ارتباطی با ذهن خویش پایین شما ندارد. همیشه سپاسگزار مبداء قصد باشید که به شما نیروی زندگی‌ای



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جهت بیان نبوغ درون‌تان اعطا کرد. آن‌هایی که الهام‌ها و موفقیت‌هایشان را به خویش پایین نسبت می‌دهند زود توانایی خود را از دست می‌دهند یا اجازه می‌دهند که تأیید و توجه دیگران آن‌ها را ویران کند. فروتن و سپاسگزار باشید. هر چه بیشتر در حالت رشد باقی بمانید نبوغ بیشتری از شما ظاهر خواهد شد. سپاس فضای مقدسی است که در آن می‌دانید که نیروی بزرگتری از خویش پایین همیشه در کار و در دسترس است.

مردی که هر روز از او الهام می‌گیرم یعنی رالف والد و امرسون کسی که عکس‌اش در حالی که می‌نویسم برگشته و به من نگاه می‌کند این موضوع را به این شکل بیان می‌کند! «باور افکارتن، باور این امر که هر چه در قلبتان برای شما حقیقت دارد برای تمام انسان‌ها نیز صدق می‌کند- این نبوغ است.» از این آگاهی در زندگی روزمره خود استفاده کنید. نابغه دیگری به ما می‌گوید که چگونه این کار را انجام دهیم. توماس ادیسون گفت: «نبوغ یک درصد الهام و نود و نه درصد تعریق است.» آیا هنوز عرق می‌کنید؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بخش سوم

اتصال

«انسان در روند تغییر است به اشکالی که از این جهان نیست زمانی تا به بی‌شکل رشد می‌کند، قلمرویی در دایرهٔ بالا، بدانید که پیش از یکی شدن با آن نور باید شکل خود را از دست بدهید. برگرفته از الواح زمردی ثوث. شخصی که در حالت وحدت با مبداء و هستی زندگی می‌کند در ظاهر تفاوتی با عوام ندارد. این مردم حلقه نوری در اطراف خود ندارند یا لباس خاص بر تن نمی‌کنند که نشانگر کیفیات خداگونه آن‌ها باشد. اما وقتی ببینید که در زندگی به عنوان افراد خوش شانس، کسانی که به نظر می‌رسد تمام سدها را شکسته‌اند حرکت می‌کنند و وقتی که با آن‌ها صحبت کنید و تمایز آن‌ها را با مردمی که در سطوح آگاهی عادی زندگی می‌کنند تشخیص خواهید داد. چند لحظه وقت صرف صحبت با مردمی کنید که به نیروی قصد پیوند دارند و خواهید دید که چقدر منحصر به فرد هستند. این مردم که من به آن‌ها به دلیل آشکار شدن پیوند هماهنگشان با دامنه قصد واصلین می‌گویم کسانی هستند که خود را قادر به دستیابی به موفقیت کرده‌اند. محال است بتوانید آن‌ها را در رابطه با آرزوهایشان بدبین کنید. به جای بهره‌گیری از زبانی که نشانگر ناامیدی از به وقوع پیوستن خواسته‌هایشان باشد، آن‌ها از یک اعتقاد راسخ درونی که بیانگر شناخت ساده‌ای از مبداء کیهانی که همه چیز را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد صحبت می‌کنند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آن‌ها نمی‌گویند، با این شانس‌ی که دارم این کار نخواهد شد بلکه چیزی می‌گویند شبیه این: قصد می‌کنم که این را به وجود بیاورم و می‌دانم که موفق خواهم شد. مهم نیست که چقدر تلاش کنید آن‌ها را با اشاره به دلایلی در رد خوش بینی‌شان منصرف کنید، به نظر می‌رسد که به طور سعادتمندانه‌ای نسبت به انعکاس واقعیت کور هستند. مثل اینکه در دنیای دیگری هستند، دنیایی که نمی‌توانند دلایل عدم انجام کاری را بشنوند.

اگر با آن‌ها در مورد این ایده صحبت کنید. بسادگی چیزی شبیه به این خواهند گفت، دوست ندارم راجع به چیزی که نمی‌تواند رخ دهد حرف بزنم چون دقیقاً آنچه را که درباره‌اش فکر می‌کنم جذب خواهم کرد پس فقط درباره چیزی فکر می‌کنم که اتفاق خواهد افتاد. برای آن‌ها مهم نیست که قبلاً چه اتفاقی افتاده، آن‌ها به مفهوم شکست یا غیرممکن کاری ندارند. آن‌ها خیلی ساده، بدون سر و صدا، تحت تأثیر عوامل بدبینی قرار نمی‌گیرند. آن‌ها خود را برای موفقیت آماده کرده‌اند و نیروی نامرئی پدیده آورنده همه چیز را می‌شناسند و به آن اعتماد دارند. آن‌ها به خوبی به مبداء اتصال دارند به طریقی که گویی هاله‌ای طبیعی از هر چیزی که ممکن است باعث تضعیف اتصال به انرژی خلاق نیروی قصد شود از آن‌ها محافظت می‌کند. واصلین فکر خود را بر چیزهایی که نمی‌خواهند متمرکز نمی‌کنند و به شما خواهند گفت: مبداء تنها به چیزی که هست جوابگوست و آنچه که هست ایجاد بی‌پایان است. نمی‌تواند با سلیقه یا چیزهای نشد ارتباط داشته باشد چون هیچ کدام از آن‌ها نیست. اگر به مبداء



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بگویم: «این کارگر نخواهد شد، دقیقاً همان را پس خواهیم گرفت پس میدانم که باید به چیزی که مبداء هست فکر کنم.

برای انسان متوسط که ترس‌هایی از آینده دارد، همه این حرف‌ها بیهوده به نظر می‌رسد. آن‌ها به دوستان واصل‌شان خواهند گفت که بهتر است در جهان واقعیات زندگی کنند. اما اصلین از شناخت درونی خود باز نمی‌ایستند. اگر حاضر به شنیدن باشید به شما خواهند گفت که این جهان انرژی و جاذبه است و علت اینکه مردم بسیاری با ترس‌ها و مضمیقه زندگی می‌کنند تکیه بر خویش پایین آن‌ها برای برآورده ساختن خواسته‌هایشان است. ساده است، خواهند گفت. تنها کاری که باید بکنی اتصال دوباره به مبداء و بودن مانند آن است و مقاصد شما کاملاً هماهنگ با مبداء خواهد شد.

این کار برای اصلین بسیار ساده است. فکر خود را متمرکز بر چیزی کنید که می‌خواهید رخ دهد. به طور مداوم با دامنه قصد هماهنگ باشید و سپس به کلیدهایی نگاه کنید که از طریق مبداء وارد زندگی شما می‌شود. برای یک واصل حادثه‌ای وجود ندارد. آن‌ها هر حادثه‌ای را در هماهنگی کامل می‌بینند. آن‌ها به هم‌زمانی اعتقاد دارند و وقتی شخص مناسب سر می‌رسد، یا وقتی به کسی که فکر می‌کردند تلفن می‌زند، یا کتابی حاوی اطلاعات لازم برای آن‌ها به طور غیرمنتظره با پست می‌رسد یا پولی که برای پروژه‌شان لازم دارند به طور شگفت‌انگیزی آماده می‌شود تعجب نمی‌کنند. اصلین تلاشی برای متقاعد کردن شما در مباحثه انجام نمی‌دهند. آن‌ها می‌دانند که جر و بحث انرژی زیادی نیاز دارد و به این شکل آن‌ها بحث و جدل را به زندگی خود وارد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خواهند کرد. چیزی را که می‌دانند می‌شناسند و هیچ مقاومتی در برابر مردمی که به طریق دیگری می‌اندیشند بروز نمی‌دهند. آن‌ها پذیرفته‌اند که اتفاقی در جهان وجود ندارد، جهانی که نیروی نامرئی از انرژی را به عنوان مبداء دارد که به طور مداوم خلق کرده و فرآورده‌های بی‌نهایتی برای هر کس که بخواهد از آن سهمی برد، دارد. اگر بپرسید: خیلی ساده به شما می‌گویند: تنها کاری که باید بکنید اتصال به نیروی قصد است یعنی هماهنگی کامل با مبداء و من مایلم تا جایی که ممکن است به آن نزدیک باشم.

برای (واصلین) هر چه که در زندگی‌شان اتفاق می‌افتد به دلیل قصد نیروی قصد است. به همین دلیل همیشه در حالت سپاس هستند. آن‌ها برای هر چیزی حسی از قدردانی دارند حتی چیزهایی که به نظر موانعی می‌آیند. آن‌ها توانایی و تمایل دیدن یک بیماری موقت را به عنوان رحمتی دارند و در قلبشان می‌دانند که جایی در پشت این بیماری فرصتی نهفته است و آن چیز است که در زندگی‌شان در پس هر اتفاقی به دنبال‌اش می‌گردند. از طریق سپاس، همیشه به همه امکانات ارج می‌نهند. از مبداء چیزی نمی‌خواهند چرا که به نظر می‌رسد به آنچه که از دست رفته قدرت می‌دهد. آن‌ها با مبداء در حالت احترام آمیزی راز و نیاز کرده و برای همه چیز حاضر در زندگی‌شان قدردانی می‌کنند با علم به اینکه این کار قصد آن‌ها را برای آشکار ساختن دقیق آنچه نیاز دارند قدرتمندتر می‌کند.

واصلین خود را به عنوان کسانی در وضعیت قدردانی و حیرت تعریف می‌کنند. نمی‌شنوید که از چیزی شکایت کنند. دنبال قصور نمی‌گردند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر ببارد از آن لذت می‌برند حتی اگر بدانند که نمی‌توانند به آن مقصدي که باید بروند البته اگر فقط در روزهاي آفتابي سفر کنند. این طریقه بازتاب آن‌ها با قدردانی و هماهنگی در برابر طبیعت است. برف، باد، خورشید و اصوات طبیعت همه برای اصلین یادآور این است که آن‌ها نیز جزیی از آن جهان طبیعی هستند. هوا بی‌توجه به دمای آن یا باد بی‌توجه به سرعت آن قابل احترام است چرا که نفس زندگی از آن است. واصلین جهان و هر چیزی که در آن است را ستایش می‌کنند. پیوندي را که با طبیعت احساس می‌کنند، با تمام موجودات نیز شامل آن‌ها که زمانی بوده‌اند و آن‌هایی که خواهند بود احساس می‌کنند. آن‌ها از وحدت آگاهی دارند بنابراین میان خود و مردم دیگر تمایزي قائل نمی‌شوند. برای يك واصل، همه ما هستیم. اگر بتوانید جهان درونی آن‌ها را مشاهده کنید خواهید دید که از رنج دیگران صدمه می‌بینند. آن‌ها مفهومی به نام دشمن نمی‌شناسند چون می‌دانند همه از يك منبع الهی ظهور یافته‌ایم.

آن‌ها از تفاوت‌هاي ظاهري، عادات‌هاي دیگران لذت می‌برند تا اینکه بدشان بیاید، انتقاد کنند یا احساس خطري از طرف آن‌ها داشته باشند. پیوند آن‌ها با دیگران دارای طبیعت معنویست اما خود را از نظر معنوي از هیچ کس بدون توجه به محل زندگی، تفاوت شکل ظاهري یا عادات‌هاي آن‌ها جدا نمی‌کنند. واصلین در قلب خود حسی از پیوستگی با تمام هستی و مبدا دارند. به خاطر همین رشته پیوند است که آن‌ها مهارت جذب همکاري و یاري دیگران را به زندگی‌شان در برآورده کردن مقاصدشان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

دارند. حقیقت حس پیوند به این معنی است که در اذهان واصلین هیچ موجودی در این سیاره نیست که آن‌ها با حسی معنوی با آن پیوند نداشته باشند. در نتیجه، با زندگی در دامنه قصدبا کل نظام هستی دهنده و تمامی مخلوقات آن پیوند دارند. آن‌ها از این پیوند معنوی قدردانی می‌کنند و هیچ انرژی‌ای در عدم ستایش و یا انتقاد از آن خرج نمی‌کنند. آن‌ها هرگز از یاری ارائه شده به وسیله این نظم هستی بخش حس جدایی نمی‌کنند. بنابراین وقتی همزمانی نتایجی از مقاصدشان به بار می‌آورد تعجب نمی‌کنند. آن‌ها می‌دانند که این وقایع به ظاهر معجزه‌آسا که وارد فضای زندگی آن‌ها شده به دلیل پیوند اولیه با قصد بوده است. از واصلین درباره این مسأله بپرسید و آن‌ها خواهند گفت: البته قانون جاذبه در کار است. در هماهنگی ارتعاشی با مبدا خیات که شما را به این جهان قصد کرده باقی بمانید، هر کس دیگر و تمام نیروهای دامنه قصد برای انجام مقاصدتان با شما همکاری خواهند کرد. آن‌ها می‌دانند که این طریقه کارکرد جهان است. دیگران ممکن است بگویند که واصلین فقط کمی شانس دارند اما مردمی که از نیروی قصد بهره‌مندند صورت اصل قضیه را می‌دانند. آن‌ها می‌دانند تا زمانی که در پیوند کامل با هفت چهره قصد باشند می‌توانند هر آن چه می‌خواهند به دست بیاورند.

واصلین درباره بخت خود خودنمایی نمی‌کنند اما در وضعیت دائم سپاس و فروتنی مطلق هستند. آن‌ها نحوه کار جهان را درک می‌کنند و به جای مقاومت یا پیدا کردن قصور در سعادت با آن هماهنگ می‌مانند. در این باره اگر از آن‌ها



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سؤال کنید خواهند گفت که ما بخشی از نظام انرژی پویا هستیم. انرژی سریع‌تر، انرژی‌های کند را خنثی می‌کند. این انسان‌ها هماهنگی با انرژی معنوی نامرئی را برگزیده‌اند. آن‌ها افکارشان را در جهت حرکت در ارتعاشات بالاتر تربیت کرده‌اند و در نتیجه قادر به از بین بردن ارتعاشات پایین‌تر و کندتر هستند.

واصلین تأثیر تعالی بخشی در روبرویی با مردمی در سطوح انرژی پایین‌تر دارند. در صلح بودن آن‌ها احساس آرامش به دیگران می‌دهد آنها شادی و آرامش منعکس می‌کنند. علاقه‌ای به برنده شدن در یک مباحثه یا جمع‌آوری متحدینی برای خود ندارند. به جای سعی در متقاعد کردن شما برای این که مثل آن‌ها فکر کنید از طریق انرژی که از خود تراوش می‌کنند تأثیر می‌گذارند. مردم احساس می‌کنند که مورد علاقه واصلین هستند چون در مبداء هستی که عشق است غوطه‌ور می‌شوند.

واصلین بدون درنگ به شما خواهند گفت که حس خوب را بدون توجه به وقایعی که در اطرافشان رخ می‌دهد یا قضاوت و نظر دیگران انتخاب کرده‌اند. آن‌ها می‌دانند حس بد داشتن یک انتخاب است و هیچ فایده‌ای در اصلاح وقایع نامطبوع جهان ندارد. به همین دلیل از احساساتشان به عنوان سیستم راهنمایی در تشخیص میزان هماهنگی خود با نیروی قصد استفاده می‌کنند. اگر به هر طریقی حس بدی به آن‌ها دست بدهد، از آن به عنوان شاخصی برای تغییر سطح انرژی استفاده می‌کنند تا جایی که با انرژی پر از عشق، مهر و آرامش مبداء هماهنگ شوند. آن‌ها برای خود تکرار می‌کنند! می‌خواهم حس خوبی داشته باشم و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

افکار خود را با خواسته‌هایشان هماهنگ می‌کنند.

اگر جهان در جنگ باشد، باز حس خوب را برمی‌گزینند. اگر وضعیت اقتصادی به شدت تنزل کند باز می‌خواهند که حس خوبی داشته باشند. اگر میزان جرم و جنایت بالا برود یا گردباد در جایی از سیاره به حرکت در آید باز می‌خواهند حس خوبی داشته باشند. اگر بپرسید چرا با وجود این همه اتفاق بد در جهان آن‌ها حس خوبی دارند، لبخند زده به شما خاطر نشان خواهند کرد که جهان روح که منشاء قصد است در صلح، عشق، هماهنگی، مهربانی، وفور است و این چیزست که می‌خواهم در آن ساکن باشم. حس بد من تنها باعث خواهد شد که چیز بیشتری از آن حس را به زندگی‌ام وارد کنم. واصلین به سادگی اجازه نمی‌دهند که احساس آسایش آن‌ها با هر چیز خارجی، اعم از هوا، جنگ در قطعه‌ای از کره زمین، چشم‌اندازهای سیاسی، اقتصاد و یا تصمیم هر کس دیگری در انرژی پایین خدشه‌دار شود. آن‌ها با دامنه قصد کار می‌کنند با توجه به اینکه آنچه می‌شناسند مبداء خلاق همه چیز است.

واصلین همیشه با طبیعت بی‌کران خود در تماس هستند. از مرگ نمی‌ترسند و به شما خواهند گفت که آن‌ها هرگز زاده نشده و هرگز نخواهند مرد. آن‌ها مرگ را به صورت عوض کردن لباس یا حرکت از اتاقی به اتاق دیگر یعنی صرفاً یک انتقال می‌بینند. آن‌ها به انرژی نامرئی که هر چیز را به هستی آورده اشاره می‌کنند و آن را به عنوان خویش حقیقی خود می‌بینند. از آنجا که واصلین همیشه حس وحدت با هر کس و هر چیز در جهان دارند، حس جدایی از کسی یا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چیزی که مایل به جذب آن در زندگیشان هستند به آن‌ها دست نمی‌دهد. پیوند آن‌ها نادیدنی و غیر مادّیست اما هرگز به آن شک نکرده‌اند. در نتیجه، آن‌ها به این انرژی نامرئی درونی اتکاء می‌کنند که همه چیز را انتشار می‌دهد. آن‌ها هماهنگ با روح بدون حس جدایی زندگی می‌کنند. این آگاهی کلید بینش آن‌ها نسبت به نیروی قصد در زندگی روزانه است.

شما نمی‌توانید واصلین را متقاعد کنید که آنچه می‌خواهند حادث نخواهد شد چون آن‌ها به پیوندشان با منبع انرژی بشدت اعتماد دارند.

از شما دعوت می‌کنند که ببینید با چه احتمالی مایلید تعریف شوید و سپس ترغیبتان می‌کنند که طوری زندگی کنید که گویی همین حالا اتفاقی که می‌خواستید رخ داده است. اگر نتوانید این کار را انجام دهید و در نگرانی، تردید و ترس گیر کرده باشید، برای شما آرزوی خوبی خواهند کرد اما آن‌ها به چیزی که تفکر از انتها می‌گویند ادامه خواهند داد. می‌توانند آنچه را که قصد کرده‌اند ببینند به طوری که گویی هم اکنون اتفاق افتاده چون در ذهن آن‌ها بسیار واقعی است. این واقعیت آن‌هاست. صریحاً به شما خواهند گفت: افکارم در زمان هماهنگی با قصد افکار خداوند است و این طریقی است که برای اندیشیدن برگزیده‌ام. اگر از نزدیک آن‌ها را زیر نظر بگیرید خواهید دید که در شناخت ثمرات قصدشان مستثنی هستند.

واصلین مردمی بسیار سخاوتمند هستند. چیزی که برای خود می‌خواهند حتی به مقیاسی بیشتر برای دیگران کوچک جلوه می‌کند آن‌ها از ایثار لذت می‌برند. دیگران ممکن است حیرت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کنند که چطور هیچ وقت چیزی پس انداز نمی‌کنند و با این حال در و فور کامل زندگی کرده و بی‌نظر می‌رسد که هیچ کم و کسری نداشته باشند. آن‌ها خواهند گفت: راز نیروی قصد فکر و عمل مانند مبداء پدید آورنده همه چیز است. همیشه در حال تولید است و من نیز می‌خواهم یک پدید آورنده باشم هر چه بیشتر از خود و آنچه به طرفم جاری می‌شود بدهم، بیشتر به طرفم جاری خواهد شد. واصلین بیشتر از شکل در روح زندگی می‌کنند. در نتیجه، الهام‌پذیرند و الهام‌بخش، مانند اطلاع رساندن و اطلاع گرفتن. انسان‌هایی هستند که حس قوی نسبت به سرنوشت خود دارند. می‌دانند چرا آمده‌اند و می‌دانند که چیزی بیش از مجموعه‌ای از استخوان، خون و ارگان‌هایی در پوست و بدنی پوشیده از مو هستند. آن‌ها با این هدف زندگی می‌کنند و با خواسته‌های خویش پایین‌تر منحرف نمی‌شوند. احترام شدیدی به جهان روح قائل بوده و با راز و نیاز از آن الهام می‌گیرند.

سطح انرژی آن‌ها به طور استثنایی بالاست. انرژی که آن‌ها را به صورت واصلین تعریف می‌کند. انرژی مبداء است، یک فرکانس ارتعاشی سریع که عشق را به حضور نفرت آورده و نفرت را به عشق تبدیل می‌کند. آن‌ها آرامش را به حضور هرج و مرج و ناآرامی می‌آورند و انرژی‌های پایین را به انرژی‌های بالایی از آرامش تبدیل می‌کنند. وقتی اطراف کسانی باشید که ساکن در دامنه قصد هستند، احساس انرژی، پاک، سلامت و الهام می‌کنید. آن‌ها به طور قابل توجهی از قضاوت درباره دیگران بری هستند و تحت‌تأثیر افکار و اعمال دیگران قرار نمی‌گیرند. اغلب بر چسب سردی و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نجوشي به آنها مي‌خورد چون در صحبت‌هاي
بي‌ارزش و غيبت‌کردن شرکت نمي‌کنند. به شما
خواهند گفت، روح است که زندگي مي‌بخشد و هر
کسي در اين سياره در خود از آن روح سهمي
به عنوان نيروي قدرتمند براي خوبي دارد. آن
را باور کرده با آن زندگي مي‌کنند و به
ديگران الهام مي‌دهند.

آنها تا جايي پيش مي‌روند که به شما
مي‌گويند ناترازي‌هاي روي زمين از قبيل
زلزله، آتشفشان، گونه‌هاي هواي بد همه نتيجه
عدم تراز جمعي آگاهي انسان‌هاست. به شما
يادآور مي‌شوند که جمع ما از همان ماده‌اي
ساخته شده که زمين، مايع که ۹۸٪ از خون را
به خود اختصاص داده زماني آب اقيانوس بوده
و معدنيات موجود در استخوان‌هاي ما اجزايي
از فرآورده‌هاي فاني معدنيات روي زمين بوده
است. آنها خود را با سياره يکي مي‌بينند و
مسئوليتي در قبال هماهنگي با دامنه قصد براي
کمک به ثبات و هماهنگي نيروهاي جهان که
تحت‌تأثير زندگي در سلطه خویش پايين به
ناترازي مي‌رود، حس مي‌کنند. به شما خواهند
گفت که همه افکار، احساسات ارتعاش هستند و
فرکانس اين ارتعاشات مي‌تواند مشکلاتي نه در
خود ما بلکه در هر چيزي که از همان ماده
ساخته شده ايجاد کند.

واصلين شما را تشويق خواهند کرد که در حين
هماهنگي ارتعاشي با مبداء خارج از حس
مسئوليت به کل سياره بمانيد و آن را به
عنوان کاربردي حياتي مورد توجه قرار
مي‌دهند. اين چيزي نيست که آنها از نقطه
نظر منطقي درباره آن انديشيده و يا بحث
کنند بلکه حس دروني آنهاست که زندگي آنها
را با اشتياق پيش مي‌برد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وقتی این واصلین را مشاهده کنید، خواهید دید که در مریضی و بلا زندگی نمیکنند. آنها طوری زندگی میکنند که افکار جسمشان در نهایت سلامت است. آنها فکر و حس میکنند که هیچ مریضی رایجی وجود ندارد و اعتقاد دارند که هم اکنون شفا یافته اند. اعتقاد دارند که نتایج جدیدی جذب میکنند چون میدانند نتایج ممکن بسیاری برای شرایطی حتی شرایطی که فائق آمدن بر آن از نظر دیگران غیر ممکن است وجود دارد. به شما خواهند گفت که امکانات درمان هم اکنون و هم اینجاست و دوره یک بیماری چشم اندازی از دید خود آنهاست. همانطور که معتقدند که نظام متلاطم بیرونی در حضور آرامش ما آرام میگیرد، این را به عنوان احتمالی برای تلاطم های درونی نیز در نظر میگیرند. درباره ظرفیت درمان آنها بپرسید، خواهند گفت. همین الان درمان یافته ام و فقط از این دیدگاه فکر و حس میکنم.

اغلب اگر در حضور واصلین با انرژی بالا باشید میبینید که بیماری و مشکلات جسمی شما از بین رفته است چرا؟ چون انرژی معنوی بالای آنها انرژی های پایین بیماری را خنثی و ریشه کن میکند. درست همانطور که در حضور واصلین حس بهتری میکنید چون انرژی سپاس شادی آوری انعکاس میدهند، به همین ترتیب جسم شما در ماندن در این نوع دامنه انرژی شفا مییابد. واصلین از نیاز به اجتناب از انرژی پایین آگاه هستند. آنها به آرامی با فرستادن برکت خاموشی از مردم پرسد، ستیزه جو و متعصب کناره میگیرند. آنها هرگز وقت صرف تماشای فیلم های خشن در تلویزیون با خواندن آمار مربوط به جنگ و قساوت نمیکنند. آنها



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به مردم غرق در وحشت علاقه‌مند نیستند. از آنجا که نیازی به بُرد، محقق بودن یا سلطه بر دیگران ندارند، نیروی آنها حقیقتی است که دیگران را با حضور خود تعالی می‌دهد. آنها نظریات خود را در هماهنگی با انرژی خلاق مبداء مطرح می‌کنند. هرگز مورد تهاجم قرار نمی‌گیرند چون خویش پایشان در نظرات آنها سهمی ندارد.

آنها در هماهنگی ارتعاشی با قصد زندگی می‌کنند. همه چیز برای آنها انرژیست می‌دانند که خشم حتی در برابر کسانی که به انرژی پایین قصد و از عملکرد آنها حمایت می‌کنند تنها باعث بوقوع پیوستن این نوع اعمال در جهان خواهد شد.

اصلین در انرژی سریعتر و بالاتر که باعث دستیابی آنها به قدرت شهودشان می‌شود زندگی می‌کنند. آنها درباره اتفاقاتی که خواهد افتاد شناختی درونی دارند. اگر بپرسید خواهند گفت: نمی‌توانم توضیح بدهم اما این را می‌دانم فقط چون در درونم احساس می‌کنم. در نتیجه، به ندرت در زمان وقوع حوادثی که شرکت یا قصد کرده‌اند حیرت زده می‌شوند بیشتر از حیرت زدگی در انتظار آن حوادث هستند با پیوند با مبداء انرژی قادر به فعال کردن شهود خود هستند بینشی نسبت به آنچه ممکن است و شیوه رسیدن به آن دارند. شناخت درونی آنها باعث می‌شود بسیار صبور باشند و هرگز از سرعت یا شیوه ای که مقاصدشان آشکار می‌شوند ناراضی نمی‌شوند.

اصلین انعکاس دهنده هفت چهره قصد نوشته شده در این کتاب هستند. مردمی را می‌بینید که به طرز خارق‌العاده‌ای خلاق هستند که نیازی به تناسب یا انجام آنچه دیگران از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آن‌ها می‌خواهند ندارند. آن‌ها فردیت منحصر به فرد خود را در وظایفشان بکار می‌گیرند و به شما خواهند گفت که قادر به خلق هر چه توجه و تخیل‌شان را بر آن متمرکز کنند می‌باشند. واصلین به طور استثنایی مهربان و دوست داشتنی هستند. می‌دانند که هماهنگی با انرژی مبداء انعکاس دهنده مهربانی آن چیزی است که از آن ناشی شده‌اند. اما تلاشی برای مهربان بودن نمی‌کنند. همیشه از آنچه برایشان پیش می‌آید خشنود هستند و می‌دانند که مهربانی در برابر همه هستی و سیاره نشان دادن سپاس است. با مهربانی، دیگران هم رفتار متقابل کرده و مایل به کمک در نائل آمدن به مقاصد آن‌ها هستند. آن‌ها با عده نامحدودی از مردم همکاری می‌کنند همه کسانی که ملو از عشق، محبت، سخاوت هستند همدیگر را در برآورده شدن خواسته‌هایشان یاری می‌کنند. همین‌طور خواهید دید که چگونه زیبایی را در جهان تشخیص می‌دهند. همیشه چیزی برای سپاس پیدا می‌کنند. می‌توانند در زیبایی یک شب پرستاره یا یک وزغ در برگ شناور گل و سوسن غرق شوند. زیبایی را در کودکان می‌بینند، و تابشی طبیعی و باشکوه در سالخورده‌گان می‌یابند. آن‌ها تمایلی به قضاوت دیگران در انرژی منفی و پایین ندارند و می‌دانند که مبداء از خلقت تنها زیبایی را شکل می‌دهد و از این رو زیبایی همیشه در دسترس است. آن‌ها هرگز دانسته‌هایشان را کافی نمی‌دانند. درباره هستی کنجکاو هستند و به هر حالتی از فعالیت جذب می‌شوند. در هر زمینه‌ای از تلاش‌های انسانی چیزی برای لذت بردن می‌یابند و همیشه در حال وسعت دادن افق‌های دیدشان هستند. این گشادگی در برابر همه چیز و همه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

امکانات و کیفیات همیشه در حال رشد بودن ویژگی مهارت در آشکار ساختن خواسته‌هایشان است. هرگز به جهان نه نمی‌گویند. هر چه زندگی برایشان بفرستد، آن‌ها می‌گویند: متشکرم. چه می‌توانم یاد بگیرم و با آنچه دریافت کرده‌ام چگونه می‌توانم رشد کنم؟ آن‌ها از قضاوت هر چیز و هر کسی که مبداء برایشان فرستاده اجتناب می‌کنند و این حالت همیشه در حال توسعه چیزی است که نهایتاً آن‌ها را با انرژی مبداء هماهنگ کرده و زندگی آن‌ها را برای دریافت آنچه مبداء مایل به ارائه آن است می‌گشاید.

آن‌ها در بازی به روی امکان‌ها هستند که هرگز بسته نمی‌شود. این امر آن‌ها را نسبت به وفوری که به طور بی‌پایانی در جریان است پذیرنده می‌کند.

علت اینکه در زندگی به نظر خوش شانس می‌رسند نوع رفتار است که در آن‌ها می‌بینید. وقتی اطراف آن‌ها باشید، احساس انرژی، شادی، الهام و وحدت می‌کنید. مردمی را می‌بینید که دوست دارید دائم با آن‌ها باشید چون به شما انرژی داده و باعث می‌شوند احساس نیرومندی کنید. وقتی احساس انرژی و نیرو کردید خود قدم به جریان انرژی وافر مبداء گذاشته‌اید و شما نیز از دیگران دعوت به این کار می‌کنید. پیوند تنها با مبداء انرژی نیست بلکه با همه چیز و همه کس در جهان است. واصلین با کل کیهان و هر ذره در آن متحد هستند. این پیوند نیروی بی‌کران قصد را ممکن و در دسترس می‌آورد.

این مردم بسیار مشخص از انتها فکر می‌کنند و آنچه را که می‌خواهند پیش از نمایان شدنش تجربه می‌کنند. از احساساتشان به



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عنوان میزانی برای تعیین همزمانی با نیروی قصد استفاده می‌کنند. اگر حس خوبی داشته باشند می‌دانند که با قصد در هماهنگی ارتعاشی هستند. اگر حس بدی داشته باشند از این شاخص برای تنظیم سطوح انرژی بالاتر استفاده می‌کنند و در نهایت بر افکار قصد و احساسات خوب عمل می‌کنند طوری که گویی آنچه می‌خواستند هم اکنون حاصل شده است. اگر بپرسید برای برآورده شدن خواسته‌هایتان چه باید بکنید. بی‌درنگ خواهند گفت که شیوه نگرش خود را عرض کنید و همه چیز عوض خواهد شد.

توصیه می‌کنم از جهان درونی آن‌ها الگو بگیرید و در نیروی قصد بی‌نهایت شکوهمند شادی کنید.

کارگر خواهد بود. من تضمین می‌کنم مایلم از جوانا پیل که برای دو دهه ویرایشگر شخصی من بوده تشکر کنم. تو جوانا، ایده‌ها و چشمه آگاهی ناپیوسته من را به شکل مستدلی به نام کتاب در می‌آوری. بدون تو نمی‌توانم این کار را انجام دهم و عمیقاً به خاطر حضور دوست داشتنی در زندگی‌ام سپاسگزارم.

به مدیر برنامه‌های شخصی‌ام، مایلابوس برای تقریباً ربع قرن با من بودی و هرگز نگفتم «این کار من نیست». دیگر نویسنده‌ها و سخنگوها هر کدام در سال ۲۵ کمک دست دارند ولی من در ۲۵ سال فقط یکی داشتم. متشکرم. متشکرم متشکرم

برای ناشر و دوست عزیزم، رایید تریسی در هی هاوس تو از همان ابتدا این پروژه را باور کردی و مایل بودی هر کاری برای این



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مسأله انجام بدهی. متشکرم دوست من. من تو و جسارت تو را دوست دارم و احترام می‌گذارم. و نهایتاً برای الن بت گولدهار- الهام پراز عشق تو در سرتاسر کتاب مرا راهنمایی کرد. از تو برای پیشنهادات پر از روح و تجزیه و تحلیل ایده‌های قصد به عنوان مترادفی برای مبداء که همه از آن ظهور یافته و آرزوی اتصال دوباره داریم، متشکرم.

درباره نویسنده

دکتر وین دبلیو دایر یک نویسنده مشهور بین‌المللی و سخنگویی در زمینه خودسازی است. او نویسنده بیش از بیست عنوان کتاب است. نوارها سمعی و بصری و سی‌دی‌های بسیاری در این زمینه پر کرده و در بیش از هزار برنامه رادیویی و تلویزیونی شرکت کرده است. چهار عنوان از کتاب‌های او شامل، سرنوشت خود را بسازید، خرد اعصار، راه‌حلی معنوی برای هر مشکلی وجود دارد و پر فروش‌ترین نیویورک تایمز یعنی ده راز موفقیت و آرامش درونی به عنوان برگزیده‌های تلویزیون انتخاب شدند و این کتاب تحت عنوان نیروی قصد، نیز در آنجا معرفی خواهد شد. دایر دارای دکترای مشاوره تحصیلی از دانشگاه ایالتی وین است و در دانشگاه سنت جان در نیویورک استادیار بوده است.

آدرس شبکه: WWW.Drwoyne Dyer. Com

برجسته، پر از بینش! همه شما را تشویق به اختیار کردن پیام رمز خدا می‌کنم. من گرگ برادن را به عنوان یک بیننده بزرگ می‌بینم. دکتر وین دایر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درمان آینده از طریق پیام‌های گذشته در این کتاب جدید جالب توجه توصیه شده توسط دکتر وین دایر، نویسنده پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز گرگ براون کشف جدید پدیده ای را آشکار می‌کند که پلی میان خرد گذشته با علم، و صلح به آینده خواهد زد و به سؤالات ما درباره اصل و تقدیرمان جواب می‌دهید.

برادن به ما نشان می‌دهد که پیامی رمزی در مولکول‌های زندگی یافت شده است که در عمق DNA هر سلول بدن ما قرار دارد. از طریق کشف قابل ملاحظه‌ای با پیوند الفبای کتاب مقدس با کدژنتیک ما «زبان زندگی» به صورت نامه‌های باستانی از پیام بی‌زمان قابل خواندن می‌شود.

وقتی در میان ملل آسیب دیده از جنگ زندگی می‌کنیم، چنین دلیلی از سندی جهانی چیز است که همه نیاز به شنیدن آن داریم و چیزی است که می‌تواند به مادر جهت یافتن جاده صلح کمک کند.

و آیا این دلیل برای خواندن این کتاب کافی نیست؟

صفحه انتهایی کتاب

پشت جلد

«وین دایر یکی از معلمین بزرگ امریکا در خرد تأویلی است. ماریان ویلیام سون آخرین کتاب ساختار شکن از نویسنده بصیر وین دایر. دایر سال‌ها درباره نیروی قصد انرژی که همه ما را احاطه کرده تحقیق کرده است. او به ما می‌گوید که چگونه می‌توانیم خود را با این منبع انرژی هماهنگ کرده و و رای اذهان و خویش‌های پایین قدم بگذاریم. وقتی این کار را انجام دهیم، چیزی می‌شویم که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

«دایر» واصل می‌نامد و خود را در برابر انرژی موفقیت قادر می‌یابیم. واصلین کسانی هستند که همه به عنوان افراد خوش شانس می‌بینند، کسانی که از همه موانع گذشته‌اند. آن‌ها نمی‌گویند: باز از شانس من همه چیز خراب خواهد شد. آن‌ها فقط می‌دانند که همه چیز درست پیش خواهد رفت آن‌ها به نیروی نامرئی که ارائه دهنده است اعتماد دارند و نیروی منفی را به خود جذب نمی‌کنند. این کتاب سرشار از گام‌های پویاست که همه می‌توانیم برای دستیابی به انرژی تغییری از آن استفاده کنیم دکتر وین (دایر) از سوی طرفدار نش «پدر انگیزش» خوانده می‌شود و یکی از محترم‌ترین اشخاص در زمینه نیرومندی‌سازی خویش است. او با کتاب پر فروش «نواحی پر خطای شما، نویسنده مشهوری شد و آغاز به نوشتن کتاب‌های پر فروش دیگری در زمینه خود سازی کرد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly